

به بند کشیدن تورم در چند سناریو واگاو شد

هیولای تورم

گزارش نهادهای رسمی، گویای این است که با وجود کندشدن روند تورم سالانه، اما همچنان خطر خیز آن در ماه‌های آتی، با بلاتکلیف ماندن اموری مانند مذاکرات پیرامون احیای برجام وجود دارد. از آنجایی که این میزان تورم در بیش از ربع قرن اخیر در کشور بی‌سابقه بوده و از سوی دیگر، شرایط متغیرهایی مانند پایه پولی و نقدینگی نیز به خوبی پیش نمی‌رود، برخی بر این باورند که تورم به سطح مقاومتی رسیده و اگر افزایش بیشتری یابد در اینصورت به سختی بتوان آن را کنترل کرد یا کاهش داد



آینده دلار و بورس

«بازار پول» وضعیت خرسی و گاوی بازار سرمایه و ارز را با نظر سنجی از صاحب‌نظران در چند پرده مورد تحلیل قرار داده است

SAM



جشنواره پاییزانه



فقط با ضمانت SAM
سرویس ۰۲۱-۸۲۵۵

تخفیف تا
۳۵,۰۰۰,۰۰۰
ریال

بازار پول

بخش اول: اقتصاد و تورم

کار مهم بر زمین مانده!
مسیریابی تورم
نرخ تورم ایران در ۱۴۰۱
دو سناریو برای آینده اقتصاد
هیولای تورم
تصویری واقعی از اقتصاد

بخش دوم: بازار ارز

توصیه دلاری به دولت
آینده دلار
پیش‌بینی نرخ دلار از دو منظر
دولت در تله ساده‌انگاری تحریم نیافتد
مکانیزم کشف قیمت دلار
سیاستگذار پولی و نرخ دلار
مواجهه سیاستگذار با بازار ارز
دلار زدایی از صنعت، شدنی نیست

بخش سوم: بازار پول و سرمایه

احتیاط بورسی در نیمه دوم
دو سناریو برای بازارهای مالی
آینده مهم بورس در نیمه دوم
برگشت بازار سرمایه در گرو چند عامل
صورت مالی بانک‌ها در سال ۹۹
کلاف سردرگم صنعت بیمه

بخش چهارم: تجارت خارجی

ایران یارانه صادر می‌کند!
شرکت ملی مس رکورد زد
ردیابی پرش صادرات
رویای دست نیافتنی در صادرات

بخش پایانی

با کلاودگیمینگ، کنسول‌های



شماره نخست

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرشته فریادرس

سر دبیر: فرشته فریادرس

مدیر هنری و طراح جلد: امیر عباس امامی

صفحه آرایی و امور هنری: محمد سیدی

همکاران این شماره: سمیه سایش، فائزه طاهری، علی رضانی

الهام صمدزاده، مهسا تحصیلی، نسترن ساکی

دفتر مرکزی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میر عماد

کوچه دوم، پلاک ۲، واحد ۸

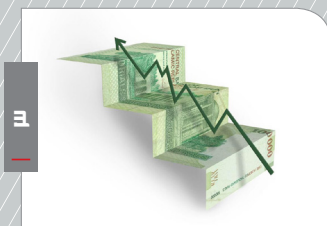
تلفن: ۸۸۱۷۶۵۸۱ - ۰۹۳۸۹۸۹۳۱۴۲

بخش اگهی‌ها: ۰۹۲۲۶۳۳۸۷۳۱

برای اشتراک بازار پول با شماره

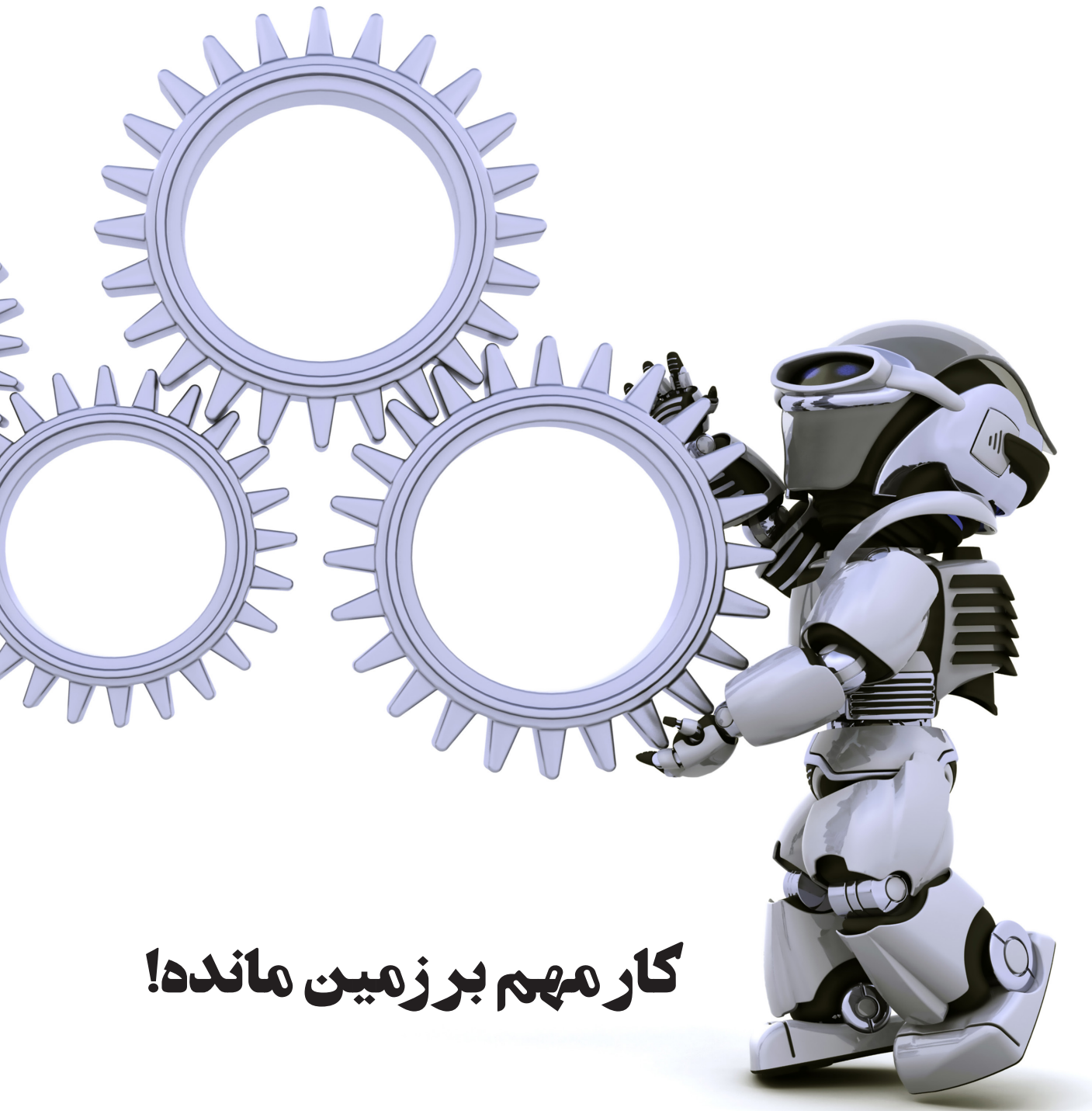
۰۹۲۲۶۳۳۸۷۳۱

تماس بگیرید





فصل اول
اقتصاد و تورم



کار مهم بر زمین مانده!

قبل بوده در مجموع امید و انتظار بهبودی وضعیت را ایجاد کرده است. در این میان باید تمایل دولت محترم به اتخاذ سیاست‌های ضد تورمی و مقابله با کسری بودجه و یا بهبود شبکه توزیع و سایر ضرورت‌های اصلاحی در اقتصاد نیز اشاره کرد.

این خدمت‌گزار اقتصاد ملی چنانکه در گفتارهای مختلف عنوان نموده‌ام مهمترین ضرورت جامعه ایران تسریع و تعمیق فرآیند توسعه صنعتی است؛ فرآیندی سخت و دشوار و درآمیخته با انجام اصلاحات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و در قالب سندی راهبردی و مورد وفاق ملی. این سند راهبردی که از آن به «استراتژی توسعه صنعتی» یاد می‌شود؛ به عنوان قطب‌نما یا نقشه راه تکلیف مسیر

چند ماهی است که جناب آقای ریسی و دولت سیزدهم سکان اداره امور کشور را به دست گرفته‌اند. در این مدت با تسریع روند واکسیناسیون تا حدی بیماری کرونا کنترل و گشایش‌هایی از این بابت در کسب و کارها ایجاد شده است. همچنین اقدام پیوستن ایران به پیمان شانگ‌های که می‌تواند دریچه‌ای باشد برای تعامل بهتر با جهان و خروج از انزوا و پایان بخشیدن به تحریم‌های ظالمانه. این اقدامات ارزشمند که در پیوند با بسترسازی‌ها و فعالیت‌های دولت



محسن
خلیلی عراقی



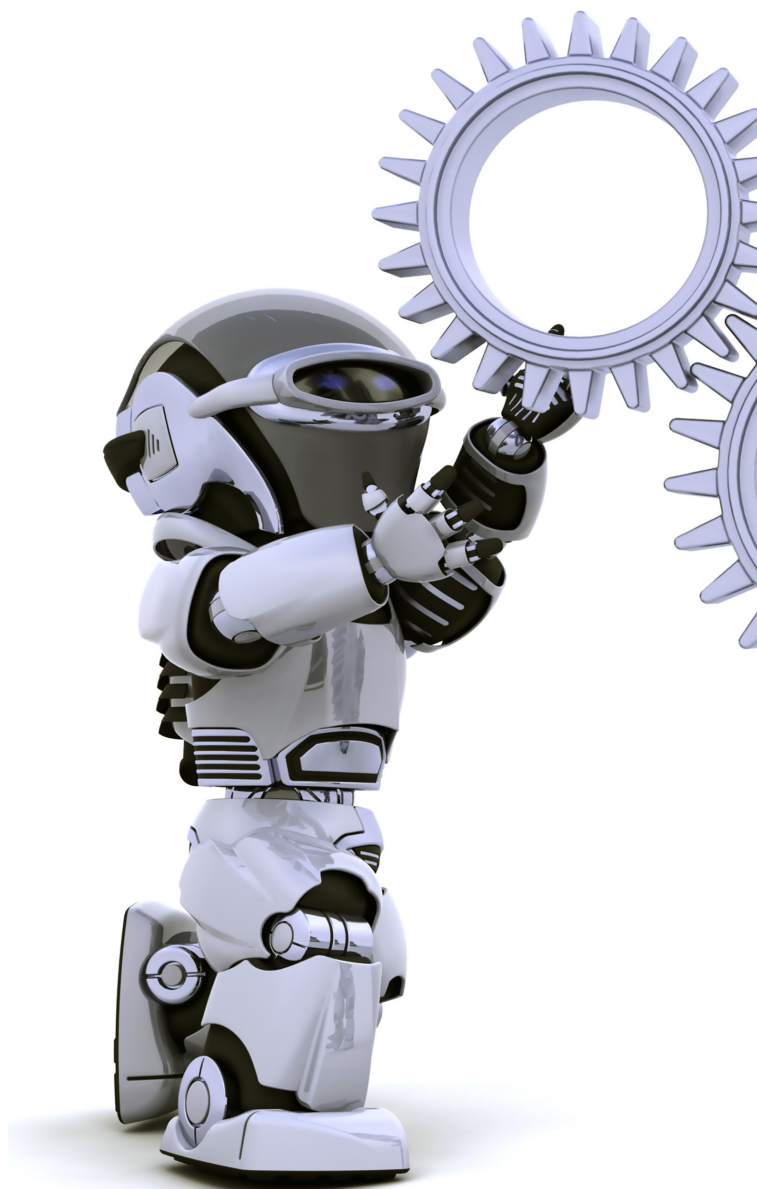
اقدام پیوستن ایران به پیمان شانگ های می تواند دریچه ای باشد برای تعامل بهتر با جهان و خروج از انزوا و پایان بخشیدن به تحریم های ظالمانه. این اقدامات ارزشمند که در پیوند با بستر سازی ها و فعالیت های دولت قبل بوده در مجموع امید و انتظار بهبودی وضعیت را ایجاد کرده است

دینفعان در تدوین، اجرا و نظارت بر آن، به قدر وزن و سهم هریک از بازیگران در اقتصاد ملی. بنابراین وجود این سند که در دو برنامه توسعه ای (چهارم و پنجم) نیز بر تدوین آن تاکید شده است، می تواند به بسیاری از سردرگمی ها در حوزه اقتصاد و صنعت خاتمه دهد و امکان توسعه اقتصادی را در ابعاد مورد نیاز جامعه ۸۵ میلیونی عمدتاً جوان و تحصیل کرده میهن مان فراهم آورد.

بعنوان نمونه یکی از این معضلات عمده و موانع بهبود و ارتقا کمیّت و کیفیت محصولات و خدمات صنعتی میهنمان، قیمت گذاری دستوری و اخلال در روند طبیعی عرضه و تقاضا بوده است؛ روندی معمول و مالوف چنددهه سیاست گذاری اقتصادی قبل و بعد از انقلاب. دولت ها از یک سو با تثبیت و کنترل قیمت ها و از سوی دیگر، با تعریف انواع حمایت ها و اعطای تسهیلات کم بهره ارزی و ربالی و سقف گذاری های تعرفه ای سعی در کاهش قیمت کالاها و خدمات داشته اند که این اقدامات ضمن آنکه با اصل حق مالکیت و مبادله صاحبان بنگاه های اقتصادی در تضاد بوده است؛ همچنین با آدرس دهی غلط از کسری بودجه دولت ها افزایش نقدینگی و تورم به گران فروشی چند کاسب خرده پا، بر مشکلات و موانع تولید صنعتی افزوده و اسباب ایجاد رانت و فساد را فراهم آورده اند.

این در حالی است که در چارچوب یک سند راهبردی در امر توسعه صنعتی می توان به بسیاری از این سیاست های غلط و ضد توسعه ای خاتمه داد. چنانکه در کشورهای موفق و پیشرفته چنین شده است و با فرار گرفتن در زنجیره تولید جهانی و ایجاد ثبات و ارتقاء بخشی به اقتصاد و کاهش ناطمینانی (نرخ ارز، مالیات، تعرفه و...)، آزادسازی اقتصادی و ایجاد فضای رقابتی و کاهش تصدی های دولتی و خصوصی سازی و نیز بازبینی حجم و اندازه و ساختار دولت و بهبود محیط کسب و کار و... توسعه اقتصادی و صنعتی را در این کشورها شاهد هستیم.

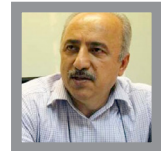
امید است دولت سیزدهم تدوین و تصویب سند استراتژی توسعه صنعتی را بعنوان یک ضرورت حیاتی در دستور کار قرار دهد و بر چند دهه سردرگمی در امر توسعه خاتمه بخشد.



توسعه اقتصادی کشور را تعیین می کند. سندی که لازم است در آن نقش دولت در تعیین مولفه هایی همچون: «جهت گیری در سیاست خارجی، سیاست های اقتصاد کلان (نرخ ارز، نرخ تعرفه، سرمایه گذاری داخلی و خارجی و...)، ساختار و تشکیلات دولت و وضعیت شرکت ها سازمان های دولتی، حقوق مالکیت، نظام قضایی عادلانه در رسیدگی به دعاوی، محیط کسب و کار (قوانین و مقررات و مجوزها و...)، وضعیت نیروی انسانی و آموزش نیروهای ماهر مورد نیاز برای صنعت و توسعه صنعتی و حقوق فردی و شهروندی و... تعریف و تبیین شود.

بر این اساس این اقدام پروژه ای ملی است که با حضور تمامی

مسیر یابی تورم



مرتضی افقه
اقتصاددان

بیش از دو ماه از روی کار آمدن دولت جدید می‌گذرد اما هنوز نه فعالان اقتصادی و نه مردم از آینده اقتصاد و معیشت خود خبر ندارند و شاخص‌های اقتصادی همچنان از حالت بیم و امید و بی‌ثباتی خارج نشده‌اند. اگرچه برای ارزیابی عملکرد دولت جدید بسیار زود است اما از نوع و نحوه بیانات، برنامه‌ها، و وعده‌ها می‌توان آینده نزدیک را پیش‌بینی کرد. تردیدی نیست که بی‌برنامگی و بلاتکلیفی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرایط را پیچیده‌تر می‌کند. واقعیت آنست که نابسامانی‌های اقتصادی فعلی ریشه در سه دهه بی‌تدبیری در مدیریت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور دارد و همین بی‌تدبیری باعث شده که اقتصاد کشور به تجارت خارجی و بنابراین به داشتن روابطی مناسب با کشورهای جهان به شدت وابسته بماند.

این وضعیت در شرایطی است که بعد از گذشت سه سال و نیم از تشدید تحریم‌های بی‌سابقه، نه تنها بودجه دولت با کسری شدید مواجه است، بلکه تولید ملی و به تبع آن اشتغال و رفاه مردم نیز لطمه‌ای جدی خورده است. طی سه سال و نیم گذشته، دولت برای جبران کسری بودجه ناشی از قطع صادرات نفت، تلاش کرد هر آنچه از منابع قابل تبدیل به درآمد استفاده کند: از فروش دارائی‌های مازاد دولت تا توسل به بانک مرکزی و چاپ پول، و یا استقراض از مردم با انتشار اوراق بدهی. به همین دلیل در سال جاری و سال‌های آتی اگر تحریم‌ها تداوم یابند، امکان استقراض و فروش دارائی‌ها به شدت کاهش یافته است.

وزیر اقتصاد اعلام کرده که در ماه شهریور از بانک مرکزی

استقراض نکرده و احتمالاً از انتشار اوراق بدهی یا از فروش دارائی‌ها و یا از طریق صندوق توسعه ملی کسری بودجه ماه شهریور را تأمین کرده است. البته در خبرها آمده بود که دولت در ماه شهریور به جای استقراض مستقیم از بانک مرکزی، از بانک‌ها استقراض کرده است. اگر این خبر درست باشد عملاً به معنی استقراض دوباره از بانک مرکزی است، ولی این بار با واسطه بانک‌های دیگر و بنابراین با همان تأثیر تورمی.

به هر حال این روش‌های مقطعی و کوتاه مدت، درمان بیماری حاد و مزمن اقتصاد کشور نیست. همانطور که میدانیم، سه روش برای استقراض دولت‌ها در مواجهه با کسری بودجه معمول و مرسوم است: «استقراض از بانک مرکزی، استقراض از مردم (اوراق قرضه، اوراق بدهی، اوراق مشارکت...)»، و استقراض از خارج.» در ایران البته دو منبع دیگر برای استقراض یا تأمین کسری بودجه وجود دارد: «فروش دارائی‌های مازاد دولتی، و استقراض از صندوق توسعه ملی.» با مرور منابع تأمین کسری بودجه، می‌توان پی برد که به دلیل تحریم‌های خارجی، استقراض از خارج برای ایران در شرایط فعلی میسر نیست. طی سه سال گذشته و در غیاب درآمدهای نفتی، دولت به ناچار میزان افزایش استقراض از بانک مرکزی را به شدت افزایش داده که حاصل آن تورم بیش از ۴۰ درصد فعلی است. بنابراین دولت جدید تلاش می‌کند یا وانمود می‌کند که از این منبع دیگر استفاده نکند تا خود عامل افزایش بیشتر تورم نگردد.

به نظر می‌رسد استقراض از مردم (فروش اوراق بدهی) نیز به دلایل مختلف با محدودیت جدی مواجه باشد: اولاً به دلیل فاصله نرخ سود پرداختی به این اوراق از نرخ تورم که به بیش از ۲۰ درصد رسیده است، چندان مورد استقبال مردم قرار نگیرد،



اگر مشکل تحریم حل نشود، و در غیاب امکان تداوم استقراض از منابع غیر تورمی مثل اوراق بدهی یا فروش اموال، در ماه‌ها و سال پیش رو، افزایش تورم با نرخ‌های بالاتر و با شتابی سریع‌تر حتمی است



ضدتوسعه‌ای فراهم گردد. اگر چه تشدید تحریم‌ها و قطع صادرات نفت می‌توانست زمینه اصلاح نگرش‌های ضدتوسعه‌ای موجود را فراهم کند، اما همچنان عزمی برای تغییرات اساسی در نظام ارزشی و نظام انتصاب و انتخاب کارگزاران حاکمیتی برای قرار گرفتن در مسیر توسعه وجود ندارد. اما حتی اگر چنین عزمی نیز به وجود آید، تغییرات ساختاری هم پرهزینه است و هم زمانبر و البته توأم با مقاومت گروه‌های ذینفع. این بدان معناست که در کوتاه مدت امکان کاهش وابستگی به فروش نفت و در نتیجه داشتن روابط سیاسی و اقتصادی مطلوب با جهان خارج وجود ندارد.

بنابراین در کوتاه مدت، اگر قرار است که مشکلات اقتصادی کشور حل شوند و یا کاهش یابند چاره‌ای جز حل معضل تحریم‌ها به هر طریق ممکن وجود ندارد. اگر مشکل تحریم حل نشود، و در غیاب امکان تداوم استقراض از منابع غیرتورمی مثل اوراق بدهی یا فروش اموال، در ماه‌ها و سال پیش رو، افزایش تورم با نرخ‌های بالاتر و با شتابی سریع تر حتمی است. تورمی که بدون تردید باعث کاهش قدرت خرید بیش از پیش توده مردم به خصوص طبقات متوسط و کم درآمد خواهد شد. افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم و نیز کاهش تولید ملی موجب کاهش پس‌انداز، کاهش سرمایه‌گذاری و در نهایت قرار گرفتن در دور باطل فقر خواهد شد. از آنجا که آستانه صبر مردم در مقابل مشکلات اقتصادی و معیشتی به شدت کاهش یافته، امکان بروز تنش‌های اجتماعی و سیاسی به شدت افزایش یافته است. در چنین شرایطی هیچ گریزی از حل مشکل تحریم‌ها به هر طریق ممکن وجود ندارد.

زیرا خرید این اوراق به معنی زیان سالانه ۲۰ درصدی خریداران است. از طرف دیگر، با فرض خرید این اوراق از سوی مردم، دولت در سال‌های بعد باید اصل و سود این بدهی‌ها را پرداخت کند. در صورتیکه مشکل تحریم حل نشده باشد، کسری بودجه دولت در سال‌های آتی نیز افزایش می‌یابد و بنابراین برای بازپرداخت این بدهی‌های با مشکل جدی مواجه خواهد شد. به همین دلیل دولت قادر نخواهد بود از این منبع استقراضی نیز استفاده کند. از سوی دیگر، فروش اموال و دارائی‌های مازاد نیز با محدودیت جدی مواجه است: اولاً این اموال و دارائی‌ها خود محدود هستند و بخش عمده‌ای از آنها در سال‌های گذشته به فروش رفته‌اند، ثانیاً با توجه به کاهش شدید تولید ملی و بنابراین درآمد مردم، بعید است که خریداران چندانی برای این اموال وجود داشته باشند. و در نهایت، این دارائی‌ها همچون منابع نفتی، به مردم نسل‌های بعدی نیز تعلق دارند و به کارگیری وجوه آنها برای تأمین هزینه‌های جاری نادیده گرفتن حقوق نسل‌های بعدی است. با همین استدلالها برداشت از صندوق توسعه ملی هم امکان پذیر نیست و یا با محدودیت جدی مواجه است.

واقعیت آنست که نیل به پیشرفت واقعی و توسعه تنها راه رفع مشکلات اقتصادی کشور و افزایش رفاه جامعه است. اما نظام ارزشی حاکم بر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و به تبع آن ساختارهای ضدتولید و ضدتوسعه ایجاد شده مانع از آن شده است که کشور طی سه دهه گذشته در مسیر توسعه قرار گیرد. با این وصف، در همین مدت درآمد‌های نفتی مانع از آن شده، که ناکامی‌های گذشته نمایان شوند و بنابراین زمینه تغییر نگرش‌های

نهادهای بین المللی پیش‌بینی کردند

نرخ تورم ایران در ۱۴۰۱

پیش‌بینی قبلی ۰.۵ واحد درصد افزایش نشان می‌دهد. از سوی دیگر صندوق بین‌المللی پول نرخ رشد تولید ناخالص جهان در سال ۲۰۲۰ را منفی ۳.۱ درصد اعلام کرده است؛ این در حالی است که در گزارش‌های قبلی نرخ رشد اقتصادی جهان در سال گذشته میلادی ابتدا منفی ۳.۵ درصد و سپس منفی ۳.۳ درصد برآورد شده بود. این نهاد بین‌المللی در گزارش جدید خود نرخ رشد اقتصادی منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی را نیز ۴.۱ درصد، هم برای سال ۲۰۲۱ و هم برای سال ۲۰۲۲، پیش‌بینی

صندوق بین‌المللی پول (IMF) در جدیدترین گزارش خود، تورم اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۰ را حدود ۲.۷ درصد اعلام کرد که با توجه به افزایش قیمت نهاده‌ها و برخی اقلام اساسی برآورد می‌شود در سال ۲۰۲۱ به رقم بالای ۴.۷۹ درصد برسد. رقم تورم جهان پیش‌بینی شده برای سال ۲۰۲۲ توسط IMF حدود ۳.۴ درصد است. در گزارش اخیر IMF، نرخ تورم برای ایران در پایان سال ۱۴۰۰ حدود ۳۹.۳ درصد برآورد شده که بالاتر از رقم سال قبل (۳۶.۴ درصد) است. پیش‌بینی این صندوق برای تورم ایران در سال ۱۴۰۱ حدود ۲۷.۵ درصد است. با این حال، بانک جهانی با وجود اینکه پیش‌بینی کرده نرخ تورم در سال آینده میلادی در ایران کاهش می‌یابد، اما این کاهش را چندان قابل توجه نمی‌داند. به باور کارشناسان بانک جهانی سطح تورم در سال آینده میلادی از ۴۲.۹ درصد به ۴۱.۶ درصد خواهد رسید. بانک جهانی همچنین نرخ تورم ایران در سال ۲۰۲۳ میلادی را هم ۴۰.۳ درصد پیش‌بینی کرده است. با این حال، چنانچه برآوردهای صندوق بین‌المللی پول محقق شود، می‌توان گفت در سال آینده میلادی سطح تورم در ایران با کاهش چشم‌گیری مواجه خواهد شد، اما تحقق برآوردهای بانک جهانی به معنای کاهش شدید سطح معیشت و قدرت خرید خانوارها است. همچنین در گزارش اکتبر این نهاد بین‌المللی، نرخ رشد اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۰ بدون تغییر نسبت به گزارش قبلی این نهاد بین‌المللی، ۲.۵ درصد پیش‌بینی شده است.

چشم‌انداز رشد اقتصادی جهان و ایران

صندوق بین‌المللی پول نسخه جدید گزارش «چشم‌انداز اقتصادی جهان» را منتشر کرد که در آن نرخ رشد تولید ناخالص جهان در سال ۲۰۲۱ با ۰.۱ درصد تعدیل نسبت به گزارش قبلی، ۵.۹ درصد پیش‌بینی شده است. این نهاد بین‌المللی در گزارش جدید خود نرخ رشد اقتصادی جهان در سال آینده میلادی را نیز ۴.۹ درصد پیش‌بینی کرده است که این رقم نسبت به



کرده است. نرخ رشد اقتصادی این منطقه در سال ۲۰۲۰ نیز منفی ۲.۸ درصد اعلام شده که نسبت به برآورد قبلی ۰.۱ درصد بهبود نشان می‌دهد. در گزارش جدید صندوق بین‌المللی پول از چشم‌انداز اقتصادی جهان، پیش‌بینی نرخ رشد اغلب اقتصادهای بزرگ در سال جاری میلادی اندکی تعدیل شده و در عوض پیش‌بینی نرخ رشد اقتصادی آنها در سال ۲۰۲۲ بهبود یافته است. صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصادی برای کشور آمریکا طی دو سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به ترتیب برابر با ۵.۹ و ۵.۲ درصد پیش‌بینی کرده که حاکی از استمرار رشد قوی اقتصادی در این اقتصاد پیشرفته است. رشد دو اقتصاد چین و هند نیز برای سال ۲۰۲۱ به ترتیب معادل ۸.۰ و ۹.۵ درصد و برای سال آینده نیز به ترتیب برابر با ۵.۶ و ۸.۵ درصد پیش‌بینی شده است. انتظار می‌رود اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۲۱ رشد بالای ۸.۹۵ درصدی را تجربه کند که در سال ۲۰۲۲ از سرعت رشد مزبور کاسته شده و به ۳.۳ درصد خواهد رسید.

در این گزارش، اما رشد اقتصادی کشور ایران بعد از تحقق رشد منفی حدود ۶.۸ درصدی در سال ۱۳۹۸ برای سال ۱۳۹۹

معادل ۳.۴ درصد اعلام و برای سال‌های ۱۴۰۰ حدود ۲.۵ درصد و سال ۱۴۰۱ برابر با ۲ درصد پیش‌بینی شده که با وجود ادامه رشد مثبت، انتظار می‌رود از سرعت رشد ایران کاسته شود. اما نکته قابل توجه درباره اقتصاد ایران در گزارش جدید صندوق بین‌المللی پول این است که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال گذشته میلادی که در گزارش‌های قبلی ۱.۵ درصد برآورد شده بود، اکنون به ۳.۴ درصد تغییر کرده است. ایران جزو معدود کشورهایی بوده است که سال دشوار ۲۰۲۰ که طی آن اغلب کشورهای عضو صندوق بین‌المللی پول تحت تأثیر بحران کرونا نرخ رشد اقتصادی منفی را تجربه کرده‌اند - را با رشد اقتصادی مثبت پشت سر گذاشته است. در گزارش صندوق بین‌المللی پول، نرخ رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده در ایران طی سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به ترتیب ۳۹.۳ درصد و ۲۷.۵ درصد پیش‌بینی شده و نرخ تورم سال گذشته نیز ۳۶.۴ درصد اعلام شده است. صندوق بین‌المللی پول نرخ بیکاری در ایران طی سال جاری و سال آینده میلادی را نیز به ترتیب ۱۰ و ۱۰.۵ درصد پیش‌بینی کرده است.

پیش‌بینی نرخ تورم

در شاخص تورم اما اوضاع ایران چندان جالب نیست. برآوردهای صندوق بین‌المللی گویای این است که در سال ۲۰۲۰ میانگین نرخ تورم جهانی ۲.۷ درصد بوده که این عدد در سال جاری به ۴.۷۹ درصد خواهد رسید. در سال ۲۰۲۲ نیز میانگین تورم جهانی ۳.۴ درصد است. در گزارش نرخ تورم ایران در سال ۱۴۰۰ حدود ۴۰ درصد اعلام شده که نسبت به سال قبل افزایشی سه درصدی را نشان می‌دهد. با این وجود برآورد می‌شود که نرخ تورم ایران در سال ۱۴۰۱ به حدود ۲۷.۵ درصد کاهش پیدا کند. این درحالی است، که بانک جهانی با وجود اینکه پیش‌بینی کرده نرخ تورم در سال آینده میلادی در ایران کاهش می‌یابد، اما این کاهش را چندان قابل توجه نمی‌داند. به باور کارشناسان بانک جهانی سطح تورم در سال آینده میلادی از ۴۲.۹ درصد به ۴۱.۶ درصد خواهد رسید. بانک جهانی همچنین نرخ تورم ایران در سال ۲۰۲۳ میلادی را هم ۴۰.۳ درصد پیش‌بینی کرده است. چنانچه برآوردهای صندوق بین‌المللی پول محقق شود، می‌توان گفت در سال آینده میلادی سطح تورم در ایران با کاهش چشمگیری مواجه خواهد شد، اما تحقق برآوردهای بانک جهانی به معنای کاهش شدید سطح معیشت و قدرت خرید خانوارهاست.



«سید کمیل طیبی» مدیر قطب اقتصاد بین‌الملل دانشگاه اصفهان در گفت و گو با «بازار پول»:

تورم در پیچ خطرناک

دو سناریو برای آینده اقتصاد ترسیم شد

و اخیراً حتی نزدیک ۵۰ درصد گزارش شده، که توأم با رکود است و تورم رکودی یک شرایط بدی است یعنی پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصادی بسیار مشکل می‌شود، سیاست‌های ترکیبی هم پیچیدگی را به وجود می‌آورد و اگر بخواهیم سیاست انبساطی داشته باشیم تورم‌زا می‌شود که برای رکود مناسب است و اگر بخواهیم سیاست‌های انقباضی را داشته باشیم از رکود نمی‌توانیم خارج شویم و در هر صورت این دست دولت و دست سیاست‌گذاران اقتصادی را می‌بندد. در شرایط اقتصادی که الان وجود دارد، و اقتصاد ایران در یک پیچ خیلی خطرناکی قرار گرفته است؛ چون اگر تداوم تورم، کسر بودجه

اقتصاد ایران در یک پیچ خطرناک تاریخی قرار دارد؛ تورم نزدیک به ۵۰ درصد و رکودی که بر اقتصاد حاکم است. دکتر سید کمیل طیبی مدیر قطب اقتصاد بین‌الملل دانشگاه اصفهان ضمن ترسیم دو سناریو برای اقتصاد ایران، در گفت و گو با «بازار پول» می‌گوید: اگر همین شرایط نااطمینان کنونی بر کشور حاکم باشد و مذاکرات برجانی به عقب بیافتد یا به صورت فرسایشی دنبال شود؛ دود آن به چشم اقتصاد می‌رود. چراکه به گفته این اقتصاددان، اگر سایه تحریم‌ها همچنان بر اقتصاد ایران سنگینی کند، کسری بودجه و رکود تورمی در نیمه دوم امسال تشدید می‌شود. حال از آنجایی که دست دولت خالی است و منابع لازم را در اختیار ندارد، ناچار به چاپ پول و استقراض از بانک مرکزی می‌شود. در اینصورت، نقدینگی و پایه پولی تقویت می‌شود؛ این یعنی «تورم بیشتر و افسار گسیخته!». او بر این باور است که ادامه این شرایط در نهایت باعث از هم پاشیدگی زیادی خواهد شد، که دامنه تحمل اقتصاد را کاهش می‌دهد. اما به گفته او، در سناریو دیگری، یعنی با توافق واحیای برجام است که اقتصاد دوباره فرصت نفس کشیدن پیدا می‌کند، روابط اقتصادی برقرار و تجارت رونق می‌گیرد و در نهایت درآمدهای ارزی کشور افزایش می‌یابد.



اگر بخواهیم دنبال تامین منابع مالی برای برطرف کردن کسری بودجه باشیم (به ویژه در نیمه دوم)، راه و چاره‌ای نیست جز نشر پول، چاپ پول و استقراض از بانک مرکزی دولت. در این شرایط این تورم‌زا است، شرایط انبساطی به وجود می‌آورد، تورم را تشدید می‌کند، پایه پولی را تقویت می‌کند، یک دور و تسلسل باطلی به وجود می‌آید که دامن گیر اقتصاد، فعالان اقتصادی و مردم می‌شود

با توجه تورم بالای اقتصاد ایران، سیاستگذار برای کنترل این وضعیت چه

رویکردی را باید در دستور کار قرار دهد؟

به طور کلی با توجه به مشکلاتی که اقتصاد ایران با آن درگیر است و شما هم اشاره کردید، ما تورم بالای ۴۰ درصد داریم

به عبارتی، کلید حل مسائل اقتصادی ایران را در شرایط فعلی در مذاکرات برجامی

و برداشته شدن تحریم‌ها می‌دانید؟

بله. لغو تحریم‌ها یا برداشته شدن تحریم‌ها می‌تواند یک راه نفسی را ایجاد کند که تامین منابع به صورت دیگری شکل بگیرد یعنی تجارت رونق پیدا کند و این رونق هم در بُعد واردات و هم در بُعد صادرات می‌تواند درآمدهایی را ایجاد کند، ادامه رونق تجارت ظرفیت‌های اقتصادی را در اقتصاد افزایش می‌دهد. بنابراین هم یک عامل کنترل‌کننده‌ای برای تورم است، که هم می‌تواند درآمدهای مالیاتی دولت را از این طریق افزایش دهد، هم تاخیر در دریافت درآمدهای مالیاتی کمتر شود.

با احیای برجام یا شکست آن، نیمه دوم سال ۱۴۰۰ را چگونه می‌توان ترسیم کرد؟

اگر بخواهیم برای نیمه دوم سال عمدتاً دو سناریو ترسیم کنیم؛ یک سناریوی با پابرجا بودن تحریم‌ها است و سناریوی دیگر، همان لغو تحریم‌هاست. حال اگر تحریم‌ها همچنان سر جای خودش باقی بماند، ما باید انتظار همین روند تورمی را با نرخ‌های فزاینده داشته باشیم. به عبارتی دیگر، انباشت تورم به وجود می‌آید و تورم روی تورم باعث می‌شود که ما نرخ تورم بالاتری را تجربه کنیم. با توجه به اینکه کسری بودجه هم تشدید می‌شود، هزینه‌ها و پرداخت‌های دولت به واسطه

و نقدینگی بالا را شاهد باشیم می‌تواند به طور کلی یک از هم پاشیدگی زیادی را به وجود آورد و دامنه تحمل اقتصاد را کمتر و کمتر کند، شهروندان متضرر می‌شوند و همین‌طور قدرت خرید مردم به شدت کاهش یافته است. قدرت خرید زمانی که کاسته می‌شود شهروندان از رفاه ناشی از مصرف بسیاری از کالاها و خدمات محروم می‌شوند و اختلاف طبقاتی تشدید می‌گردد.

بدون شک آن مسئله اصلی که در اینجا مورد توافق بسیاری از اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی است بحث تحریم‌ها است، تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های امریکا که ماهیت اقتصادی هم دارد شرایط را خیلی سخت کرده است. از این رو، می‌توان گفت که در شرایط کنونی اثرات آن به مراتب نسبت به دوره‌های قبل و سال‌های قبل بیشتر است. چون اگر بخواهیم دنبال تامین منابع مالی برای برطرف کردن کسری بودجه باشیم (به ویژه در نیمه دوم)، راه و چاره‌ای نیست جز نشر پول، چاپ پول و استقراض از بانک مرکزی دولت. در این شرایط این تورم‌زا است، شرایط انبساطی به وجود می‌آورد، تورم را تشدید می‌کند، پایه پولی را تقویت می‌کند، یک دور و تسلسل باطلی به وجود می‌آید که دامن‌گیر اقتصاد، فعالان اقتصادی و مردم می‌شود و شرایط سنگین‌تر و سخت‌تری را به وجود می‌آورد.



و رکود را به دنبال دارد. بنابراین نیمه دوم را باید مبتنی بر دو سناریو در نظر بگیریم، هر کدام از سناریوها به واقعیت تبدیل شود، می‌تواند اثرات اقتصادی را ایجاد کند و مرکز ثقل آن به وجود تحریم‌ها یا لغو تحریم‌ها برمیگردد که سایه سنگینی را برای اقتصاد ایران ایجاد کرده است.

یکی دیگر از مسائل مهم حال حاضر اقتصاد بحث سرمایه‌گذاری است، که بنا بر آمارهای رسمی به شدت در این سال‌ها در جذب سرمایه افت داشتیم؛ با احیای برجام چقدر می‌توان به جذب سرمایه امیدوار بود؟

زمانی که تحریم‌ها برداشته شود، طبیعتاً انگیزه‌های جدیدی برای سرمایه‌گذاری به وجود می‌آید؛ انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری چه برای سرمایه‌گذار داخلی و چه سرمایه‌گذار خارجی فراهم می‌شود. به عبارتی بهتر، رشد و افزایش تولید، کنترل تورم از طریق افزایش ظرفیت‌های تولید منوط به سرمایه‌گذاری است که اتفاق می‌افتد. سرمایه‌گذاری در شرایطی که ریسک وجود داشته باشد، رخ نمی‌دهد. در حال حاضر اقتصاد ما دارای ریسک‌های زیادی است و امنیت اقتصادی به لحاظ تورم کم است؛ بنابراین این ریسک اجازه نمی‌دهد سرمایه‌گذاری در بخش‌های واقعی اقتصاد شکل بگیرد، بخش‌هایی که سرمایه‌گذاری، همیشه دنبال بازده ناشی از سرمایه‌گذاری است و زمانی که ریسک وجود داشته باشد این مسئله تحقق پیدا نمی‌کند. بنابراین می‌توانیم این را بگوییم که در شرایط تحریم انگیزه‌های سرمایه‌گذاری کم است؛ چون شرایط ریسکی است و معمولاً فرار سرمایه اتفاق می‌افتد و سرمایه شاخص بسیار فراری است و اصلاً ریسک‌پذیر نیست، بلکه بسیار ریسک‌گریز است. بر همین اساس، تحریم‌ها زمینه را برای ریسکی شدن یا شرایط پرمخاطره به وجود می‌آورد؛ زیرا زمانی که می‌گوییم ریسکی وجود دارد یعنی زمینه‌های فعالیت‌های اقتصادی پرمخاطره است و طبیعتاً اولین آسیب را به سرمایه‌گذاری می‌زند. این در حالی است که سرمایه‌گذاری هم عامل اصلی برای رشد اقتصاد و ایجاد ظرفیت‌های تولیدی است که می‌تواند ایجاد درآمد کند و حتی مستقیم و غیرمستقیم هم برای جبران کسری بودجه دولت کمک کند. زمانی که زمینه‌های سرمایه‌گذاری فراهم شود، تولید تقویت شود، ارزش پول ملی هم تقویت می‌شود و آن وقت ما شاهد افزایش بی‌رویه در نرخ ارز نخواهیم بود، تعادل نسبی در این بازار به وجود می‌آید.

هزینه‌های ناشی از تورم بسیار افزایش پیدا کرده است. علاوه بر اینکه انحراف منابع هم اتفاق می‌افتد یعنی دوباره بحث نقدینگی و رشد نقدینگی مطرح می‌شود، این رشد نقدینگی در این شرایط به سمت تولید نمی‌رود و به سمت کارهای واسطه‌گری، دلالتی و خدمات غیرمولد منعطف می‌شود که این تورم‌زا است و مسائل و مشکلات خودش را به وجود می‌آورد.

موضوع اصلی در اینجا کنترل تورم است، کنترل تورم که اتفاق بیافتد می‌شود راه‌هایی را برای درمان و تامین منابع کسر بودجه در نظر گرفت و اقتصاد از رکود خارج شود. آن هم مستلزم این است که سناریو دوم نیز مدنظر قرار گیرد و به طور جدی پیگیری شود. در سناریوی دوم باید برای رفع تحریم‌ها در یک مسیر درست تلاش شود و اینکه در چهارچوب مذاکرات قابل طرح است، وجود مذاکرات اگر سر بگیرد مقداری از تنش‌ها، انتظارات تورمی و انتظارات به اصطلاح ناهمگون را کم می‌کند، بار روانی را از اقتصاد برمی‌دارد؛ چون یک شرایط خوش بینانه‌ایی پیش می‌آید؛ به ویژه در بازار مالی و در بازار ارز این اتفاق می‌افتد و تحت این سناریو طبیعتاً همانطور که اشاره هم شد آن وقت نرخ تورم می‌تواند قابل کنترل شود و روند نزولی به خودش می‌گیرد.

اگر سناریوی دوم تحقق یابد یعنی تحریم‌ها لغو شود، جدا از این مسائل آیا بار مثبتی برای اقتصاد خواهد داشت یا خیر؟ چرا که برخی معتقدند حتی با رفع تحریم‌ها خیلی از مشکلات همچنان سر جای خودش باقی خواهد ماند.

ببینید برداشته شدن تحریم‌ها یعنی اینکه اقتصاد دوباره فرصت نفس کشیدن را پیدا می‌کند. فرصت این را دارد که بتواند تعاملات و روابط اقتصادی خودش را با دنیا برقرار کند؛ روابط بانکی با دنیا برقرار شود و در این شرایط فرصت‌ها و پتانسیل‌های صادراتی هم به وجود می‌آید. در هر صورت این‌ها اثرگذار است. در حقیقت سناریو دوم بسیار کمک می‌کند بر اینکه ما شاهد افزایش بی‌رویه یا جهش نرخ ارز نباشیم، متأسفانه در شرایطی که تحریم‌ها سر جاییش باشد و الان هم تا حدودی دولت دنبال تثبیت قیمت‌ها به صورت دستوری است؛ در شرایطی که تورم و تحریم‌ها وجود داشته باشد، این عاقبت خوبی ندارد و تا پایان سال یا اوایل سال جدید فنر نرخ ارز می‌تواند دوباره رها شود و یک موج افزایش نرخ ارز را به وجود آورد که موجی تورمی است



چه توصیه‌ایی به دولت جدید برای سامان دادن به اقتصاد کشور دارید؟

تحلیل من مبتنی بر این شرایط نااطمینان اقتصادی است؛ حال اگر دوباره همین شرایط حاکم شود و مذاکرات به عقب بیافتد یا به صورت فرسایشی دنبال شود؛ طبیعتاً دود آن در چشم اقتصاد می‌رود و اثرات منفی را ایجاد می‌کند؛ یعنی اگر در نظر بگیریم که مذاکرات به یک بن بست برسد، سایه تحریم‌ها وجود دارد و همین‌طور کسری بودجه، تورم و رکود تشدید می‌شود. حال از

آنجایی که دست دولت هم خالی است و منابع لازم را در اختیار ندارد و اگر به ناچار به سمت بانک مرکزی و استقراض از بانک مرکزی برود، همان‌طور که گفتم نقدینگی و پایه پولی را تقویت می‌کند که این یعنی «تورم بیشتر و افسار گسیخته»! تورم هم که روند افزایش خودش را داشته باشد به رکود منجر می‌شود. بنابراین از دیدگاه بنده، چنانچه تحریم‌ها برداشته نشود، رکود تورمی در نیمه دوم امسال تشدید می‌شود.

«بازار پول» به بند کشیدن تورم را در

چند سناریو بررسی کرد

هیولای تورم



از روند افزایشی انتظارات تورمی کاسته شده، اما همچنان انتظارات در سطح بالایی قرار دارد. علاوه بر این، رشد نقدینگی نیز در ماه‌های اخیر افزایشی بوده که دلیل اصلی آن، افزایش پایه پولی عنوان می‌شود. به باور صاحب‌نظران، از آنجایی که تب تورم بالا در اقتصاد ایران بسیار بالا و نگران کننده است؛ آینده آن را در چند سناریو می‌توان تحلیل کرد. در سناریوی نخست؛ با گشایش ارزی و دسترسی بانک مرکزی به منابع خارجی، بخش قابل توجهی از نقدینگی جمع آوری و این امر باعث عبور سریع از پیک خطرناک تورمی می‌شود؛ به عبارتی، بانک مرکزی با استفاده از منابع ارزی آزاد شده، می‌تواند بخشی از نقدینگی موجود را جمع و انتظارات تورمی را کاهش دهد. سناریوی دوم اینکه لغو تحریم‌ها با تاخیر انجام شد؛ در این حالت دولت باید از ابزارهای

گزارش نهادهای رسمی، گویای این است که با وجود کندشدن روند تورم سالانه، اما همچنان خطر خیز آن در ماه‌های آتی، با بلا تکلیف ماندن اموری مانند مذاکرات پیرامون احیای برجام وجود دارد. از آنجایی که این میزان تورم در بیش از ربع قرن اخیر در کشور بی سابقه بوده و از سوی دیگر، شرایط متغیرهایی مانند پایه پولی و نقدینگی نیز به خوبی پیش نمی‌رود، برخی بر این باورند که تورم به سطح مقاومتی رسیده و اگر افزایش بیشتری یابد در اینصورت به سختی بتوان آن را کنترل کرد یا کاهش داد. در همین حال، براساس تازه‌ترین گزارش مرکز آمار، نرخ تورم سالانه از ۴۵/۸ درصد در شهریورماه به ۴۵/۴ درصد در مهرماه رسید. اگرچه ۰.۴ درصد کاهش را نشان می‌دهد، اما همچنان بالاتر از ۴۵ درصد باقی ماند. بنابر داده‌های آماری، اگرچه اندکی



مهمترین گام برای عبور از وضعیت تورمی، مذاکره برای لغو تحریم‌ها است؛ به عبارتی دیگر، هر خبر مثبتی از مذاکرات برجای می‌تواند انتظارات تورمی را کاهش دهد

تامین مالی غیرتورمی نظیر اوراق استفاده کند تا اثرات تورمی کاهش یابد. با این اقدام، استقراض دولت از بانک مرکزی کاهش و روند افزایش نقدینگی کاهش پیدا می‌کند. در سناریوی دیگری، با باقی ماندن تحریم‌ها، تامین مالی بودجه از منابع تورم‌زا تداوم یابد و همین امر منجر به تشدید تورم خواهد شد. با ترسیم این سه سناریو از چشم‌انداز تورم، سیاستگذار در گام نخست باید با اعلام نرخ تورم هدف‌گذاری شده تا پایان سال چشم‌انداز تورمی ارائه دهد و در گام‌های بعدی، شیوه جبران کسری بودجه را تعیین و مذاکره برای لغو تحریم‌ها را در دستور کار قرار دهد.

تب بالای تورم در شهریور

ارزیابی‌ها بیانگر این است که تورم در ایران با نرخ بالای ۴۰ درصد همچنان بالاترین نرخ پس از آرژانتین و حدود ۵.۹ برابر تورم عراق، ۵.۲ برابر تورم پاکستان و ۲.۲ برابر تورم ترکیه است. گزارش‌های رسمی از وضعیت تورم در شهریور و مهرماه، نیز حکایت از تورم بالا در اقتصاد ایران دارد. به طوریکه مرکز آمار ایران وضعیت تورم در شهریورماه سال جاری را ۴۵.۸ اعلام کرد. نرخ تورم سالانه، درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن است. این در حالی است که نرخ تورم سالانه شهریورماه ۱۴۰۰ برای خانوارهای کشور به ۴۵.۸ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۰.۶ واحد درصد افزایش نشان می‌دهد. اما نرخ تورم نقطه‌ای، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه مشابه سال قبل است که در شهریورماه به ۴۳.۷ درصد رسیده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین ۴۳.۷ درصد بیشتر از شهریور ۱۳۹۹ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. نرخ تورم نقطه‌ای شهریور ماه ۱۴۰۰ در مقایسه با ماه قبل ۰.۵ واحد درصد افزایش یافته است. نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» با افزایش ۳.۲ واحد درصدی به ۶۱.۶ درصد و گروه «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» با کاهش ۰.۷

واحد درصدی به ۳۵.۴ درصد رسیده است. همچنین بنا بر آمارهای رسمی، نرخ تورم ماهانه شهریور به ۳.۹ درصد رسیده که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل، ۰.۷ واحد درصد افزایش داشته است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» و «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» به ترتیب ۰.۵ درصد و ۳.۳ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ تورم ماهانه برای خانوارهای شهری ۰.۴ درصد است که نسبت به ماه قبل ۰.۸ واحد درصد افزایش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۳.۶ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۰.۴ واحد درصد افزایش را نشان می‌دهد. در گزارش شهریورماه، تورم ماهانه گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، ۵.۱ گزارش شده که نسبت به ماه گذشته ۰.۵ افزایش داشته است. در این گروه بیشترین تورم ماهانه مربوط به بخش «شیر، پنیر و تخم‌مرغ» بوده وزیرگروه آن تورم ماهانه ۱۰ درصدی را ثبت کرده است. زیرگروه نان و غلات نیز که بیشترین ضریب اهمیت را در بین گروه‌های خوراکی دارد، تورم ۵.۲ را ثبت کرده است. لغو یا تعدیل برخی از قیمت‌گذاری‌ها موجب افزایش قیمت در گروه خوراکی‌ها شده است.

تورم مهرماه روبه پایین

در حالی که نقدینگی در ایران به‌طور روزانه رشد می‌کند و به افزایش تورم می‌انجامد؛ مرکز آمار ایران در گزارش تازه خود از کاهش نرخ تورم خبر داده است. در گزارش جدید این مرکز عنوان شده که تورم ماهانه ۰.۴ واحد درصد در مهرماه سال جاری کاهش پیدا کرده است. این گزارش مرکز آمار از نرخ تورم بلافاصله پس از انتشار با انتقادات زیادی همراه بود. بررسی اجزای تورم در مهرماه این موضوع را نیز تایید می‌کند. در سبد کالاهای خوراکی بیش از ۴۵.۴ درصد تورم تمام کالاهای این گروه در یک سال منتهی به مهرماه افزایش یافته است. در بخش دیگری از گزارش مرکز آمار تورم ماهانه کالاهای خوراکی ۵ درصد و کالاهای غیرخوراکی و خدمات نیز ۳ درصد بود.

نرخ تورم نقطه‌ای در مهرماه سال جاری به ۳۹.۲ درصد رسید که نسبت به شهریور ماه کاهشی ۴.۵ درصدی را نشان می‌دهد. نرخ تورم نقطه‌ای برای دو گروه کالاهای خوراکی و غیر خوراکی و خدمات نیز به ترتیب ۶۰.۵ و ۲۹.۵ درصد اعلام شد که هر دو کاهشی بوده‌اند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد در بین کالاهای خوراکی هیچ کدام با نرخ تورم منفی روبرو نبوده و اغلب کالاهای این گروه نیز نرخ تورم نقطه‌ای بیشتر از ۶۱.۴ درصد داشته‌اند؛ به عنوان مثال روغن‌ها و چربی‌ها با ۹۴.۹ درصد افزایش نسبت به مهر سال گذشته، صدرنشین تورم نقطه‌ای بودند. تخم‌مرغ، شیر و پنیر نیز با افزایشی حدود ۷۱ درصدی در رتبه



از کنار هم قرار دادن آمار تورم ماهانه در ماه‌های اخیر نتایج نگران‌کننده‌ای حاصل می‌شود. در تیرماه امسال تورم ماهانه ۳,۵ درصد به ثبت رسید. این عدد در مردادماه به ۳,۲ درصد کاهش یافت؛ کاهشی که پایدار نبود و در شهریورماه تورم ماهانه رقم ۳,۹ درصد را به ثبت رساند. آمارهای منتشرشده از سوی مرکز آمار این عدد را برای مهرماه ۳,۷ اعلام کرده است

بیش از ۴ هزارهزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به اسفند سال ۹۹ افزایشی ۱۷ درصدی را نشان می‌دهد. رشد یک ساله نقدینگی و پایه پولی در شهریور سال جاری به ترتیب ۴۰.۵ و ۳۹.۵ بود. اما نکته‌ای که در این گزارش وجود دارد استفاده ۴۶.۹ هزار میلیارد تومانی دولت از وجوه تن‌خواه برای پوشش کسری بودجه در شهریورماه است. این درحالی است که پیشتر وزیر اقتصاد گفته بود که در شهریورماه از منابع بانک مرکزی برای پوشش کسری بودجه استفاده نشده است. نکته دیگر گزارش بانک مرکزی افزایش ضریب فزاینده نقدینگی به ۷.۸۳۹ بود که نسبت به اسفند ۹۹ افزایشی ۳.۵ درصدی را نشان می‌دهد. در بخش دیگری از این گزارش به بررسی رشد پایه پولی نیز اشاره شده که بر اساس آن در شهریور سال جاری نسبت به اسفند ۹۹ این متغیر پولی معادل ۱۳.۱ درصد افزایش داشته که نسبت به دوره مشابه سال قبل ۷.۷ واحد درصد افزایش را نشان می‌دهد. مقایسه آنچه در شهریور رخ داد و آنچه که در مهرماه از سبد مصرفی خانوارها گزارش شده، نشان می‌دهد، اجزا و متغیرهای تاثیرگذار بر تورم افزایش داشته و حدود ۴۷ هزارمیلیارد تومان نیز از حساب تنخواه برای پوشش کسری‌ها برداشت شده است. برآیند این شرایط افزایش در قیمت کالاها و خدمات در یکبازه زمانی است. به همین دلیل نباید از کاهش تورمی که احساس نمی‌شود، خوشبین به آینده بود. بر همین اساس، از کنار هم قرار دادن آمار تورم ماهانه در ماه‌های اخیر نتایج نگران‌کننده‌ای حاصل می‌شود. در تیرماه امسال تورم ماهانه ۳.۵ درصد به ثبت رسید. این عدد در مردادماه به ۳.۲ درصد کاهش یافت؛ کاهشی که پایدار نبود و در شهریورماه تورم ماهانه رقم ۳.۹ درصد را به ثبت رساند. آمارهای منتشرشده از سوی مرکز آمار این عدد را برای مهرماه ۳.۷ اعلام کرده است. در این چهارماه میانگین

دوم قرار گرفتند. در گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات، تورم نقطه‌ای لوازم خانگی و هتل و رستوران به ترتیب ۶۰ و ۵۴ درصد گزارش شد که بیشترین تورم نقطه‌ای در میان کالاهای این گروه بود. درصد تغییر تورم ماهانه برای کالاهای خوراکی در میان دهک‌های هزینه‌ای از ۴.۸ برای دهک اول تا ۵.۴ درصد برای دهک دهم متغیر بوده است. تورم ماهانه کالاهای غیرخوراکی نیز از ۳.۶ درصد برای دهک اول تا ۲.۶ درصد برای دهک دهم گزارش شده است. در گزارش مرکز آمار همچنین به نرخ تورم خانوارهای کشور در شهر و روستا اشاره شده که بر اساس آن نرخ تورم سالانه خانوارهای شهری در مهرماه ۴۴.۷ درصد و خانوارهای روستایی نیز ۴۹.۶ درصد گزارش شده است. از سوی دیگر نرخ تورم خوراکی‌ها برای تمام خانوارهای کشور در مهرماه افزایشی بوده، اما نرخ تورم سالانه برای کالاهای غیرخوراکی کاهش یافته است. این امر نشان می‌دهد که عمده بار کاهش تورم در مهرماه بر دوش کالاهای غیرخوراکی بوده و از آنجایی که کالاهای خوراکی در مهرماه افزایش‌های شدیدی را تجربه کرده‌اند، به نظر می‌رسد در ماه آتی زور کالاهای غیرخوراکی به کالاهای خوراکی برای کاهش تورم نرسد.

با انتشار چنین آماری، گروهی از کارشناسان این موضوع را شروع روند کاهشی تورم تلقی کرده و پیش‌بینی کردند که در ماه‌های آتی شاهد رشد کمتر سطح قیمت‌ها خواهیم بود. این تحلیل ممکن است درست باشد، اما باید توجه کرد که کاهش شدید تورم نقطه به نقطه در مهرماه ۱۴۰۰ به تورم ماهانه چشمگیر ۷ درصدی مهر ۹۹ مربوط است. منظور از تورم نقطه به نقطه، تغییرات عدد شاخص قیمت‌ها نسبت به مدت مشابه سال قبل است و مشخص می‌کند که خانوارها برای خرید سبد مشخصی از کالا و خدمات چقدر بیشتر از مدت مشابه سال گذشته هزینه کرده‌اند. جهش عدد شاخص در مهرماه سال گذشته باعث شده تا سنججه اندازه‌گیری تورم در مهرماه امسال کاهش قابل‌توجهی را تجربه کند. این موضوع باعث می‌شود نتوانیم بر اساس این عدد درباره آینده تورم در کشور نظر دهیم. از طرفی، کاهش تورم سالانه و نقطه‌ای برای کالاهای کشور آنهم در شرایطی که تورم ماهانه برای تمام کالاها افزایشی بوده، نشان‌دهنده تاثیر کوتاه‌مدت و البته خطرناک کاهش دستوری قیمت‌ها و دخالت دولت در بازار است.

اعداد چه می‌گویند؟

در همین حال، چندی پیش از انتشار گزارش تورم مرکز آمار، بانک مرکزی میزان متغیرهای پولی کشور تا پایان شهریورماه را منتشر کرد، که آمارهای آن حاکی از این است که نقدینگی به

رشد شاخص بهای مصرف‌کننده به صورت ماهانه به حدود ۳.۶ درصد می‌رسد؛ عددی که در صورت ادامه یافتن این روند تا پایان سال، از تورم بیش از ۴۰ درصدی برای سال ۱۴۰۰ خبر می‌دهد. همچنین در صورت تداوم این روند، در ابتدای تابستان سال آینده تورم نقطه به نقطه به حدود ۵۳ درصد خواهد رسید. رقم تورم ۵۳ درصدی برای هیچ اقتصادی نمی‌تواند مثبت باشد، این در حالی است که حتی میانگین تورم بلندمدت اقتصاد ایران حدود ۲۰ درصد محاسبه شده است.

دولت چه باید بکند؟

حال با توجه به اینکه سطح تورم همچنان بالاست و نگرانی‌هایی بابت ادامه‌دار شدن رشد قیمت‌ها در این سطح وجود دارد، سیاستگذار می‌تواند در چند گام و با انجام چند اقدام مشخص به عبور از این پیچ خطرناک کمک کند. در گام نخست؛ بانک مرکزی باید با اعلام نرخ تورم هدف‌گذاری شده تا پایان سال، چشم‌انداز تورمی ارائه دهد؛ اگرچه سال گذشته نرخ ۲۲ درصد برای این کار اعلام شد و در نهایت موفق نبود، اما به نظر می‌رسد در صورت انتخاب نرخ نزدیک به واقعیت می‌توان انتظارات تورمی را کنترل کرد و تورم را کاهش داد. گام دوم که سیاست‌گذار می‌تواند بر اساس آن عمل کند، تعیین شیوه‌جبران کسری بودجه است. پرواضح است که دولت در نیمه دوم سال به دلیل پرداخت حقوق و مزایای کارکنانش بار مالی بیشتری را تجربه می‌کند و در صورت سوءتدبیر در پیش‌بینی محل‌های تامین کسری بودجه بار تورمی سنگینی می‌تواند به کشور تحمیل شود. البته تا امروز اقداماتی همچون فروش اوراق در دستور کار قرار گرفته است و از طرفی رشد قیمت جهانی آن و افزایش صادرات کشور باعث می‌شود با ورود درآمدهای ارزی بیشتر، چشم‌انداز تورمی تا حدی شاهد تعدیل باشد. سومین و مهمترین گام برای عبور از وضعیت تورمی، مذاکره برای لغو تحریم‌ها است؛ به عبارتی دیگر، هر خبر مثبتی از مذاکرات برجای می‌تواند انتظارات تورمی را کاهش دهد.

آینده تورم در چند سناریو

میزان تورم ۱۴۰۰ در ایران بر اساس وضعیت موجود بالاتر از ۴۰ درصد خواهد بود و همه شواهد گویای آن است که این نرخ به زیر ۴۰ درصد نخواهد رسید و آنگونه که صندوق بین‌المللی پول اعلام کرده میزان تورم برای امسال در همین محدوده خواهد بود. از این منظر، نرخ تورم برای سال آینده در دو سناریوی خوش‌بینانه و بدبینانه و یک سناریو میانه قابل تحلیل است. براساس سناریوی نخست که خوش‌بینانه است؛ لغو تحریم‌ها به

زودی در اقتصاد کشور محقق می‌شود، که این موضوع می‌تواند جریان انتظارات تورمی را به کل تغییر دهد و در نتیجه اقتصاد شاهد عبور سریع از پیک تورم شود. چراکه با احیای برجام، موانع صادرات نفت برداشته شده و به تبع آن میزان صادرات نفت ایران افزایش پیدا می‌کند. در این حالت، انتظارات تورمی فروکش کرده، از شدت ویروس کرونا با افزایش واکسیناسیون کاسته شود و دولت نیز با حداقل کسری لایحه بودجه ۱۴۰۱ را تقدیم مجلس می‌کند؛ مجموع این اتفاقات می‌تواند میزان تورم در ایران را کاهش و به محدودی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش دهد.

در سناریوی بدبینانه بر این استوار است که لغو تحریم‌ها به زودی در اقتصاد محقق نشود و از سوی دیگر، منابع بودجه‌ایی نیز از مکانیزم‌های غیرتورمی مثل اوراق مالی و... تامین نشود. این بدترین حالت است که تب تورم را تشدید خواهد کرد. بر اساس این سناریو، در صورتیکه مذاکرات هسته‌ای وارد فاز فرسایشی شود و در طول مذاکرات فرسایشی هسته‌ای بر شدت تحریم‌ها افزوده شود و قیمت جهانی نفت که روندی افزایشی دارد از سال آینده متعادل‌تر شود و روندی کاهشی در پیش گیرد. از سوی دیگر، کسری بودجه را دولت نتواند با اصلاحات ساختاری مهار کند و هزینه‌ها روندی افزایشی به خود بگیرند و کسری‌های تجاری غیرنفتی نیز تشدید شود؛ در این سناریو انتظار تورم بالای ۴۰ درصد خواهد بود و با پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول که کاهش تورم تا سطح ۲۷ درصد است، فاصله خواهد داشت. در سناریو دیگری، برخی می‌گویند چنانچه تحریم‌ها به این زودی لغو نشود، سیاستگذار می‌تواند با بهره‌گیری از ابزار تامین مالی غیرتورمی، شرایط را کنترل کند. در این شرایط نیز اقتصاد ایران به دلیل شرایط متغیرهای پولی، با تورم بالا روبرو خواهد بود، اما نه به شدت تورم‌های قبلی در اقتصاد. پس دولت با اجرای سیاست‌های هدف‌گذاری تورمی، می‌تواند اقتصاد را در شرایط با ثباتی قرار داد. با این چند سناریو می‌توان برآوردهایی از نرخ تورم سال آینده داشت، اما اینکه کدام سناریو محقق خواهد شد به متغیرها و تحولات اقتصادی، سیاسی و روند متغیرهای اقتصاد ایران در سال آینده بستگی دارد. با همه اینها، چنانچه دولت نتواند کسری بودجه را با یک بودجه متوازن ببندد و کسری بودجه ادامه پیدا کند و اصلاحات ساختاری برای کنترل رشد نقدینگی صورت نگیرد، نمی‌توان امیدوی به کاهش میزان تورم در سال آینده داشت. اینکه میزان تورم به کدام سمت می‌رود به مجموعه عوامل و سیاست‌های داخلی، عوامل بیرونی و برون‌مرزی وابسته است و بحث ادامه مذاکرات هسته‌ای و تحولات پیش رو در این قضیه بسیار مهم است.

رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون

تصویری واقعی از اقتصاد ایران



حسین حقگو
تحلیلگر اقتصادی

سویه سیاسی عامل تعیین کننده وضعیت اقتصادی کشور در کوتاه مدت و راهبرد و سیاست اقتصادی عامل اصلی در عملکرد اقتصادی این سرزمین است. این جان کلام تحلیل مختصری است که در ادامه ارائه خواهد شد.

بحرانی شدن وضعیت اقتصادی و صعود شاخص‌هایی همچون: «نقدینگی، تورم، بیکاری و ضریب جینی و...» و همچنین

سقوط رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری و تبادلات تجاری و... با آغاز تحریم‌های آمریکا در سال ۹۷ آغاز و همچنان ادامه دارد. میانگین تورم در سه سال اخیر حدود ۴۰ درصد - تورم اقتصاد ایران که در سال ۹۶، برابر با ۹/۶ درصد بود در سال ۹۷ به ۳۱/۳ درصد و در سال‌های ۹۸ و ۹۹ به ترتیب به ۴۱/۲ درصد و ۴۷/۱ درصد رسید و رشد اقتصادی نزدیک به صفر (سال ۹۷ منفی ۴/۹ درصد، سال ۹۸ منفی ۰/۶ درصد و سال گذشته ۳/۶ درصد) و منفی شدن نرخ سرمایه‌گذاری (نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، در سال ۹۷ منفی ۱۲.۳ و در سال ۹۸ منفی ۵.۹ درصد و در مجموع ۲

سال حدود ۱۷.۵ درصد رشد منفی داشته است) و بیکاری بالای ۱۱ درصد و افزایش شکاف طبقاتی از ۳۴/۰ به ۴ و کاهش حجم واردات و صادرات به حدود هشتاد میلیارد دلار و... وضعیتی که سبب شد تا بانک جهانی میزان تولید ناخالص داخلی ایران را از ۴۹۰ میلیارد دلار سال قبل به ۱۹۲ میلیارد دلار (تنزل رتبه از ۲۳ به ۵۱ در جهان) کاهش دهد تا به گمان این نهاد، وضعیت واقعی اقتصادی کشورمان را تصویر کند. اکنون تمام نگاه‌ها به مذاکرات هسته‌ای در وین دوخته شده است تا احیاناً با تفاهماتی در رفع یا کاهش تحریم‌ها، امکان افزایش صادرات نفت، آزاد شدن دارایی‌های بلوکه شده، کاهش ریسک‌های اقتصادی و افزایش تبادلات تجاری و نقل و انتقال پول فراهم شود و جان تازه‌ای در پیکره اقتصاد کشور دمیده شود. پیش‌بینی نهادهای اقتصادی داخلی همچون پژوهشکده آمار که از رشد ۳/۴ درصدی در سالجاری خبر می‌دهد و یا پیش‌بینی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که از رشد ۲/۵ تا ۳ درصدی و تورم بین ۲۵ تا ۳۰ درصدی خبر می‌دهند بیانگر نگاه خوشبینانه و تداوم نه جنگ و نه صلح امروز است که به گمان نگارنده امکان تحقق آن بسیار بعید است و کشورمان مجبور به تعیین تکلیف رابطه خود با جهان و پرونده هسته‌ای طی دو سه ماه پیش رو است و وضعیت امروز تنها وضعیتی موقتی است. ناامیدی از برقراری یک تفاهم بین‌المللی بی‌شک تورم‌های بالای ۵۰ درصدی و منفی شدن باز هم بیشتر رشد اقتصادی و گسترده‌تر شدن رکود تورمی در ماه‌های آتی را تشدید و کشور را با خطر فروپاشی اقتصادی مواجه می‌کند. اما در صورت تفاهم برای رفع تحریم‌ها، آنچه عامل تعیین‌کننده وضعیت اقتصادی کشور ظرف دو سه سال آتی و سال‌های بعدتر خواهد بود، راهبرد و گفتمان حاکم بر سیاست اقتصادی است.

بررسی عملکرد اقتصادی کشورمان طی چهار دهه پس از انقلاب و اجرای ۶ برنامه





نامیدی از برقراری یک تفاهم بین‌المللی بی‌شک تورم‌های بالای ۵۰ درصدی و منفی شدن باز هم بیشتر رشد اقتصادی و گسترده تر شدن رکود تورمی در ماه‌های آتی را تشدید و کشور را با خطر فروپاشی اقتصادی مواجه می‌کند

توسعه از میانگین تورم ۲۰ درصد و رشد اقتصادی حدود ۲ درصدی و سرمایه‌گذاری و بهره‌وری اندک و بیکاری بالای ۱۰ درصد حکایت می‌کند. واقعیت آن است که سلطه چند دهه مدل اقتصادی «خودکفایی» و «جایگزینی واردات» عملابنیه‌های اقتصادی کشور را به شدت تحلیل برده و عمده بار تولید و رشد اقتصادی را بر دوش فروش و صادرات نفت و مواد نفتی و محصولات منبع محور نهاده است. چنانکه علاوه بر آنکه سهم ارزش افزوده صنعتی کشور در فاصله دهه ۷۰ تا ۹۰ در مجموع روندی نزولی را طی کرده و از ۱۹/۹ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۵/۳ درصد در سال ۹۳ کاهش یافته است. همچنین کفه تولیدات صنعتی در طی این مدت بشدت به ضرر صنایع ساخت محور و کشاورزی پایه (غذایی و نساجی) و به نفع صنایع متکی به مواد خام معدنی و انرژی سنگینی کرده است. چنانکه سهم صنایع متکی به دانش فنی و منابع کشاورزی به ترتیب از ۱۲ درصد و ۳۸ درصد به ۸/۱۰ درصد و ۱۶/۵ درصد در سال ۹۳ سقوط کرده است. در حالی که در این مدت سهم صنایع هیدروکربوری به سرعت رشد کرده و از ۱۲/۵ درصد در سال ۸۳ به ۳۸/۵ درصد در سال ۹۳ رسیده است. رابطه مبادله صنعت با سایر بخشهای اقتصادی نیز از ۲۱/۱ در سال ۱۳۷۴ به ۰/۹۳ درصد در سال ۹۵ کاهش یافته است که معرف نزول ارزش محصولات صنعتی در نسبت با محصولات سایر بخش های اقتصادی است (موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی ۱۳۹۷).

این ساختار و سیاست اقتصادی مبتنی بر صادرات مواد خام و نیمه فرآوری شده از یک سو و حجم عظیم یارانه‌ها (آخرین رقم اعلامی ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان طبق گزارش تفریغ بودجه) و محدود شدن صنایع به بازار داخلی و بسته و یا نیمه بسته بودن مرادات و تعاملات با جهان جهت جذب سرمایه و دانش فنی و... حال و رمقی برای خروج از این دایره بسته برای بازیگران اصلی اقتصادی یعنی خانوار، بنگاه، دولت و نظام بانکی نگذاشته است. این چهار بازیگر عمده اقتصادی در وضعیت نامناسبی برای انباشت

سرمایه و سرمایه‌گذاری قرار دارند. دولت به واسطه کاهش درآمدهای نفتی و تحریم‌ها و سوء سیاست‌ها با کسری بودجه بالا و بدهی‌های انبوه مواجه است. نظام بانکی سال‌ها است که از دارایی‌های سمی دچار حرکت لاک پشتی است. خانوارها با کاهش بسیار درآمدها امکان افزایش مصرف را نداشته و اندوخته خود را به سبب شرایط تورمی و تورم انتظاری و... به راه‌های غیر از سرمایه‌گذاری مولد و عمدتاً خرید دلار و سکه و زمین و... بکار می‌اندازند. بنگاه‌ها نیز که مهمترین بازیگر در این میان هستند هم به سبب فضای نامناسب در این سال‌ها و انواع مداخله‌گرایی‌های دولت و قیمت‌گذاری‌ها و... توان بازیگری ندارند. بنگاه‌های بزرگی که بهره‌وری پائینی دارند و بنگاه‌های کوچک و متوسطی که ضعیف هستند و نمی‌توانند بار چنین سنگینی را به دوش کشند. متأسفانه براساس قاعده وابستگی به مسیر (path dependency) تحول در این وضعیت بسیار دشوار و به قول اقتصاددان برجسته، دکتر نیلی نیاز به «تصمیمات سخت» دارد. تصمیماتی که منجر به تغییر ریل اقتصاد از الگوهای آزمایش شده و امتحان پس داده و نابود کننده خودکفایی و درون‌گرایی به الگوی رقابتی و مبتنی بر اقتصاد آزاد شود. تنها در چارچوب چنین تغییر ریلی و رفتن به سوی تعامل مثبت خارجی، سیاست‌گذاری دولت و نه تصدیگری آن، تضمین حقوق مالکیت و محوریت بخش خصوصی و رفع انحصارات و ثبات مولفه‌های اقتصاد کلان و بهبود فضای کسب و کار و در یک کلام بهره‌گیری از دانش روز اقتصاد و تجارب کشورهای موفق در توسعه اقتصادی و صنعتی می‌توان به تحول این وضعیت و بهبود مولفه‌هایی همچون رشد اقتصادی پایدار و اشتغالزا و تورم تک رقمی و انضباط مالی و بودجه‌ای دولت - بعنوان ام‌الفساد وضعیت وخیم امروزی اقتصاد کشور - امیدوار بود. دستیابی به این اهداف دشوار نیز از طریق صدور دستور از بالا و حاکمیت دیوانسالاری دولتی امکانپذیر نیست، بلکه مشارکت جامعه و فعالیت نهادهای مدنی و انجمن و تشکلهای صنفی و صنعتی و احزاب و نهادهای مردم نهاد را می‌طلبد. چنانکه «عجم‌اوغلو» و «رابینسون» در آخرین اثر بسیار ارزشمند خود «راه باریک آزادی» نشان داده‌اند: «برای ظهور و شکوفایی آزادی و رفاه و پیشرفت حکومت و جامعه هر دو باید قوی باشند. به حکومت قوی نیاز است تا خشونت را مهار کند و قوانین را به اجرا بگذارد و به ارائه خدمات عمومی بپردازد، به جامعه قوی بسیج شده نیز نیاز داریم تا حکومت قوی را منقاد سازد و به بند بکشد.» از این منظر بی‌هیچ تردیدی تغییر وضعیت حاضر و بهبود معیشت و کار و کسب و ایجاد شغل و غیره در کوتاه مدت و به صورت پایدار ممکن نیست و هر کس چنین وعده‌ایی می‌دهد یا جاهل است و یا شیاد.



فصل دوم بازار ارز



توصیه دلاری به دولت



آلبرت بغزیان
اقتصاددان

با توجه به اینکه بانک مرکزی با عنوان بازار متشکل ارزی و در ساختمان شیشه‌یی نرخ ارز را اعلام می‌کند، پس نمی‌توان گفت خیلی تابع اخبار خوش و کاهش نرخ ارز است. این در شرایطی است که با انتشار اخبار منفی فوری و آنی نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند. همین امر مهر تاییدی بر نظام کنترلی بانک مرکزی روی نرخ ارز است.

حال اگر بخواهیم به این پرسش پاسخ بدهیم

که چرا نرخ ارز افزایش می‌یابد؟ می‌توان اذعان کرد، افزایش نرخ از سوی دولت یا همان بانک مرکزی یا نیروهای بازار اعم از بازار متشکل ارزی صورت می‌گیرد. چراکه این اتفاق می‌تواند عوایدی برای دولت به همراه داشته باشد که جبران کسری بودجه یکی از آن فواید آن است.

البته ذکر این نکته ضروری است، که در شرایط کنونی، بازار ارز هم مانند هر بازار دیگری، تحت تاثیر اخبار مرتبط با احیای برجام یا عدم احیای آن است. چنانچه توافق حاصل شود، بانک مرکزی به عنوان سیاستگذار می‌تواند نرخ ارز را در محدوده ۲۰ هزار تومان نگه دارد. اما در شرایطی که برجام احیا نشود و شکست بخورد، نرخ ارز در گام نخست بین ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان قرار می‌گیرد و بعد از آن به این بستگی دارد که بخواهیم این نرخ را رها کنیم یا خیر؛ چراکه برخی معتقدند، تحت هر شرایطی در پایان دوره ریاست جمهوری، نرخ ارز دوبرابر می‌شود. از این منظر، همه انتظار دارند، در پایان این دوره هم قیمت دلار به ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان هم برسد. با این حال، ارزیابی‌ها از وضعیت اقتصاد ایران حاکی از این است که در یکسال پیش رو، نرخ دلار تا ۳۵ هزار تومان افزایش پیدا خواهد کرد. با این حال، اینکه سیاست‌های ارزی دولت برای سامان‌دهی بازار چگونه باشد، مساله مهمی است که قطعاً بر روند حرکتی نرخ دلار اثرگذار خواهد بود. با ترسیم چنین وضعیتی، شاید گزینه مناسب برای مدیریت بازار در برابر تک‌نرخ کردن ارز، تزریق ارز به بازار باشد. البته نباید، تزریق ارز را به منزله

ارزپاشی در نظر بگیریم؛ بلکه باید آن را تخصیص بهینه نام‌گذاری کرد. به طور نمونه، دلار ۴۲۰۰ تومانی به واردکنندگان نهاده‌های دامی تخصیص داده شود، اما قیمت‌گذاری آن محصول وارداتی، تحت نظارت دولت باشد. حال اینکه بخواهیم در یک فضای رانتی، ارز ارزان را در اختیار گروهی خاص قرار بدهیم و آنها در عوض محصولاتشان را گران‌تر عرضه کنند؛ این مصداق همان ارزپاشی است که بار منفی در چرخه اقتصاد دارد، اما اینکه دولت دلار دولتی را به شیوه مناسب و در اختیار گروه هدف قرار دهد، قطعاً روی سفر مردم اثر خواهد گذاشت.

مساله دیگری که باید مدنظر قرار گیرد، اینکه بحث نقدینگی و تورم متأثر از نرخ ارز است؛ یعنی معلول تغییرات نرخ ارز است و نه علت آن. این تئوری که تورم باعث تغییر نرخ ارز می‌شود، برای کشورهای صادقی است که ارزشان قوی باشد، اما برای کشور ما، این نرخ ارز است که تورم ایجاد کرده است. در پاسخ به کسانی که می‌گویند، چون نرخ ارز عقب مانده، باید نرخ ارز را تغییر دهیم، باید گفت، تغییر نرخ ارز در یک چرخه باعث ایجاد تورم می‌شود؛ بنابراین اینطور نیست که ما به اندازه نرخ تورم، نرخ ارز را اصلاح کنیم و این کار در ایران شکست خورده و به نتیجه نرسیده است. زمانیکه تورم بالا وجود دارد، نرخ ارز از آن عقب می‌ماند و نمی‌تواند خود را با نرخ تورم تطبیق بدهد به همین دلیل نمی‌توان نرخ ارز را رها کرد تا براساس بازار تعیین شود، بلکه باید با تعیین یک محدوده برای آن، بازار ارز را مدیریت کرد.

با این اوصاف، به دولت توصیه و پیشنهاد می‌کنم که رژیم ارزی خود را مشخص کند و محدوده ۱۵ تا ۲۰ هزار تومانی برای نرخ دلار مناسب می‌دانم. حال اگر دولت بتواند بازار ارز حفظ کند و به تدریج آن را کاهش دهد، برد کرده است. متأسفانه تاثیر نوسانات نرخ ارز بر دیگر بازارها، موجب شده تا مردم زیر بار گرانی‌ها ناتوان‌تر از همیشه شوند. وقتی نوسانات بازار ارز وخیم می‌شود به صورت طبیعی روی بازارهایی چون «خودرو، لوازم خانگی خارجی، موبایل و حتی کالاهای اساسی» تاثیر می‌گذارد. اما هنگام کاهش نرخ ارز، بازارها با مقاومت در برابر این کاهش، ریزش قیمت ندارند.



بازار ارز هم مانند هر بازار دیگری، تحت تاثیر اخبار مرتبط با احیای برجام یا عدم احیای آن است. چنانچه توافق حاصل شود، بانک مرکزی به عنوان سیاستگذار می‌تواند نرخ ارز را در محدوده ۲۰ هزار تومان نگه دارد. اما در شرایطی که برجام احیا نشود، نرخ ارز بین ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان قرار می‌گیرد

وضعیت بازار ارز در دو سناریو مورد تحلیل قرار گرفت

آینده دلار

نداشتند؛ بنابراین، ممکن است این بار دلار در مسیر صعودی با احتیاط حرکت کند. نکته دیگر اینکه با آزاد شدن دلارهای بلوکه شده، ممکن است عرضه‌های سنگینی در بازار ارز صورت گیرد، که بر نرخ ارز اثرگذار باشد. با این حال، کارشناسان کاهش قیمت دلار در سالجاری را منوط به برداشتن تحریم‌ها، آزادسازی منابع ارزی و تزریق آن به بازار می‌دانند، اما معتقدند اگر نرخ دلار در مسیر کاهشی قرار بگیرد، با توجه به تورمی که بر اقتصاد حاکم است، موقتی خواهد بود.

روایتی از سرنوشت اسکناس آمریکایی

پس از آنکه در سال ۱۳۹۲ حسن روحانی به ریاست جمهوری رسید، بازار ارز به سرعت در مسیر کاهشی قرار گرفت، بدون آنکه تحریم‌ها لغو شده باشد. در آن مقطع زمانی بازار با احتمال شروع مذاکرات به استقبال کاهش قیمت‌ها رفت. هرچند دولت روحانی تا حدودی توانست قیمت دلار را در چهار سال ابتدایی خود و به لطف برجام کنترل کند، اما با روی کار آمدن «دونالد ترامپ» در کاخ سفید، ورق برگشت و تهدید چند باره رئیس جمهور سابق آمریکا برای خروج از برجام، در اواسط اردیبهشت ماه سال ۹۷ عملی شد. ترامپ در آن مقطع زمانی اعلام کرد که تحریم‌های ایران در مدت ۹۰ روزه

دلار در سالی که گذشت، نوسانات قیمت زیادی را تجربه کرد و تا پایان سال در انتظار نتیجه روابط سیاسی ایران و آمریکا، تحریم‌ها و آزادسازی منابع ارزی باقی ماند. اما ورود به سالجاری، این اسکناس آمریکایی قله‌های جدید قیمتی را نیز فتح کرد. حال اگر از وضعیت مقطعی بازار ارز عبور کنیم، بنابر نظر تحلیل‌گران، آینده دلار را می‌توان در دو سناریو ترسیم کرد. در یک نگاه گاو (انتظار صعود)، فعالان بازار ارز به وضعیت آمارهای اقتصادی و به طور خاص رشد نقدینگی و تورم تاکید می‌کنند و همچنین با شواهد فعلی احتمال لغو تحریم‌ها و جهش درآمدهای نفتی را پایین می‌بینند. بنابراین، رشد مجدد دلار تا سطوح ۳۰ هزار تومانی از سوی این گروه، سناریوی مورد انتظار است. اما سناریوی خرس‌ها (انتظار نزول) در بازار ارز را هم نباید نادیده گرفت که به چند نکته مهم درباره امکان افت مجدد نرخ دلار اشاره دارد؛ نخست اینکه صادرات نفت ایران روند افزایشی ملایمی گرفته که احتمالاً با انتظار کاهش سخت‌گیری‌ها و شاید معافیت‌ها در دولت «جو بایدن» صورت گرفته و می‌تواند منابع ارزی را تقویت کند. دومین مورد اینکه پیشرفت‌های سیاسی از جنس مذاکرات در بسیاری از مواقع در شرایطی رخ داده که شاید خیلی‌ها انتظار آن را



و ۱۸۰ روزه باز خواهند گشت. یکی از تحریم‌ها، تحریم خرید و فروش دلار با دولت ایران بود که در مدت ۹۰ روزه گنجانده شد. از این رو، دولت برای کنترل دخل و خرج ارزی و تعادل بخشی به بازار ارز، دست به یکسری اقدامات محدود کننده زد، که می‌توان به ممنوعیت واردات برخی کالاهای غیرضروری اشاره کرد. پس از آن یعنی در مردادماه ۹۷ تغییر رئیس در بانک مرکزی کلید خورد و سکان آن به عبدالناصر همتی سپرده شد، که به دنبال این جابجایی سیاست‌های این بانک هم برای حفظ ارزش پول ملی تغییر کرد و تلاش شد تا روند افسار گسیخته قیمت دلار کنترل شود. سیاست‌های کنترلی تا حدی موفق بود، اما فشارها بر اقتصاد ایران از ناحیه آمریکا بیشتر شد. در ادامه با شیوع ویروس کرونا، وضعیت خیلی از بازارها از جمله ارز بهم ریخت. به طوری که براساس آمار بانک مرکزی متوسط قیمت فروش یک دلار آمریکا در اسفندماه ۱۳۹۸ در بازار آزاد شهر تهران ۱۵ هزار و ۲۲۳ تومان اعلام شد. در همان سال، متوسط قیمت فروش یک دلار آمریکا در بازار آزاد شهر تهران ۱۲ هزار و ۹۱۸ تومان بود که نسبت به سال ۱۳۹۷ دلار آمریکا ۱۹.۸ درصد افزایش را نشان می‌داد. اما در فروردین ماه سال ۹۹، قیمت هر دلار ۱۴ هزار و ۹۰۳ تومان اعلام شد، این نرخ رفته رفته افزایش یافت و این افزایش از اواخر اردیبهشت ماه اتفاق افتاد. روند صعودی قیمت دلار با عدم بازگشت ارزهای حاصل از صادرات از اواخر تیرماه شدیدتر هم شد و حتی قیمت دلار در مهرماه ۹۹ کانال ۳۲ هزار تومان را لمس کرد. در پی افزایش قابل ملاحظه قیمت دلار، بانک مرکزی تصمیم گرفت سقف خرید در بازار متشکل ارزی را زیاد و روزانه ۵۰ میلیون دلار در بازار اسکناس ارز عرضه کند بر همین اساس، قیمت دلار در آبان و آذرماه سال گذشته به ۲۶ هزار و ۹۳۲ و ۲۵ هزار و ۵۱۳ تومان رسید و از آنجا که برای تزریق‌های ارز در بازار در آن زمان تقاضایی وجود نداشت، این امر تنها بر اثر تاثیر روانی مبنی بر وجود منابع ارزی و تزریق آن، توانست مقداری بازار را به روند کاهشی ببرد. فصل آخر سال ۹۹، اما فصلی سرنوشت ساز برای بازار ارز کشور بود؛ چراکه بازار ارز یک‌طرف چشم انتظار نتیجه انتخابات آمریکا و از سویی، برجام و آزادسازی منابع ارزی بلوکه بود. با قوت گرفتن احتمال ریاست جمهوری «جو بایدن» دلار در سراسری قرار گرفت و در اواسط دیماه با پیروزی دموکرات‌ها در این انتخابات و کنار رفتن ترامپ از قدرت، امیدها برای بازگشت آمریکا به برجام و برداشته شدن تحریم‌ها بیشتر شد و دلار، کانال‌های قیمتی را یکی پس از دیگری از دست داد؛ به طوری که قیمت دلار به ۲۵ هزار تومان کاهش یافت. بنابراین، سقوط قیمت دلار موجب شد تا مسئولین از جمله شخص رئیس جمهور وقت قیمت‌های جدیدی را برای دلار در آینده اعلام کنند. به عنوان نمونه حسن روحانی در اواخر دیماه سال گذشته طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: امروز منابع ارزی ما بلوکه شده و اگر منابع در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد،

قیمت دلار به ۱۶ و ۱۷ هزار تومان می‌رسد.» اظهارنظری که با واکنش‌های مختلفی همراه شد و بسیاری این نرخ را غیرواقعی قلمداد کردند و نسبت به آن موضع گرفتند. پس از آن همتی رئیس کل بانک مرکزی هم میانه بهمن ماه که در یک برنامه تلویزیونی حاضر شده، گفته بود، بازار ارز روند کاهشی در پیش خواهد گرفت. او همچنین اعلام کرد: «جو روانی بازار گاه موجب تلاطم ارز می‌شود، اما معتقدم نرخ دلار به زیر ۲۰ هزار تومان خواهد رسید!» با این حال، عمر کاهش قیمت دلار کوتاه بود و با ورود به بهمن و رشد تقاضا در بازار، قیمت دلار به ۲۳ هزار تومان افزایش یافت. این اسکناس آمریکایی که طی سال‌های ۹۷ تا ۹۹ فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشت، در نهایت در آخرین روز سال ۹۹ بر قله ۲۳ هزار و ۹۶۳ تومان ایستاد، که می‌توان میزان رشد نرخ دلار در سال ۹۹ را ۶۱ درصد عنوان کرد. اما در ادامه این دلار آمریکایی در سالجاری هم قله‌های جدیدی از قیمت‌ها را فتح کرد. به نحوی که آخرین رصد بازار، قیمت هر دلار را در کانال ۲۸ هزار تومان نشان می‌دهد.

دلار در گرو چند عامل

آنچه از بازار ارز برداشت می‌شود آن است که به شدت آینده‌ای مبهم در پیش دارد و این موضوع را در بسیاری از تحلیل‌ها می‌توان استخراج کرد. در شرایطی، دلار وارد کانال ۲۸ هزار تومان شده که به باور برخی تحلیلگران و کارشناسان، بعید است بازار ارز رقیمی پایین تر را به خود ببیند. در این شرایط اما از سوی برخی صاحب‌نظران اقتصادی، اعدادی بالاتر از نرخ کنونی ارز، در ماه‌های آتی شنیده می‌شود. کارشناسان معتقدند شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای است که دیگر توان تثبیت بلندمدت نرخ ارز وجود ندارد و دلار در بازه‌های کوتاه مدت روندی صعودی را در پیش می‌گیرد. دسته‌ای دیگر از معامله‌گران اعتقاد دارند، به دلیل احتمال شروع مذاکرات هسته‌ای در آینده نزدیک، فضا برای افزایش معنادار قیمت دلار وجود ندارد و ممکن است به سرعت اسکناس آمریکایی به سوی سطوح پایین‌تر حرکت کند. برخی اما بر این باورند که دلار همچنان در گرو چند عامل بسیار مهم از جمله «برجام»، FATF، توانایی دولت در فروش نفت و بازگرداندن ارز حاصل از آن، بازگشت ارز صادرات غیرنفتی، اثرات بودجه ۱۴۰۰ و موفقیت دولت در آزادسازی منابع بلوکه شده در دیگر کشورها» است. در همین حال، بانک مرکزی نیز در گزارشی، تیرماه سال جاری اعلام کرد که نوسانات کوتاه‌مدت نرخ ارز طی سال‌های اخیر در کوتاه‌مدت متاثر از تغییر انتظارات نسبت به تحولات بخش خارجی اقتصاد کشور در افق آینده بوده؛ به نحوی که در این خصوص اخبار مرتبط با برجام در هدایت مسیر حرکتی نرخ ارز موثر بوده است. اما آنچه در نهایت تعیین‌کننده مسیر تحولات نرخ ارز خواهد بود، متغیرهای بنیادین اقتصاد است. با توجه به اظهارنظر بانک مرکزی کارشناسان اقتصادی بر این



کوتاه مدت‌تر شده و انتظاراتها بر این است که بازار ارز کماکان روبه رشد باشد. برخی هم می‌گویند که نرخ را همواره عرضه و تقاضا و نرخ برابری ارزها تعیین می‌کند. بنابراین تضعیف یا تقویت پول به نرخ تورم آن بستگی دارد. نرخ تورم ما در برابر نرخ تورم دلار قرار می‌گیرد؛ مثلاً تورم ما ۴۰ درصد و تورم آمریکا ۵ درصد است، ۳۵ درصد مابه‌التفاوت این دو در واقع ۳۵ درصد تضعیف ریال در برابر دلار در سال آینده است. اگر شرایط فعلی ماندگار باشد، یعنی تحریم باشیم و منابع ارزی مان کمتر باشد، در برابر تقاضا هم مثل همیشه رو به افزایش برود، ممکن است سال آینده ریال ۳۰ تا ۳۵ درصد تضعیف شود. گروهی دیگر از تحلیلگران هستند که آینده دلار را منوط به توان صادرات نفت ایران می‌دانند؛ زیرا بسیاری از متغیرهای اقتصادی که اکنون اقتصاد ایران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند با روندهای تاریخی خود همخوانی دارند، تنها تفاوت ماجرا صادرات نفت است. محاسبات این گروه نشان از این دارد که با صادرات بیش از دو میلیون بشکه نفت در روز قیمت دلار می‌تواند بین ۱۵ تا ۱۸ هزار تومان قرار بگیرد. صادرات نفت در محدوده یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار قیمت دلار را تا محدوده ۲۰ هزار تومان پایین خواهد آورد و حتی احتمال کاهش به زیر این مرز نیز وجود دارد. گرچه در این سناریو بعید است از قیمت دلار از ۱۸ هزار تومان پایین‌تر رود. البته با روند کنونی صادرات، قیمت دلار در محدوده ثبت‌شده در آخر سال نوسان خواهد کرد. در این میان عامل دیگری که می‌توانست بازار ارز را در ماه‌های پیش رو، تحت تاثیر قرار دهد، انتخاب رئیس کل جدید بانک مرکزی بود. پس از آنکه علی صالح‌آبادی، رئیس جدید بانک مرکزی سکان این نهاد را به دست گرفت، عنوان کرد: «کنترل تورم، ثبات در بازار ارز، نظارت بر شبکه بانکی، جلوگیری از افزایش پایه پولی، هدایت منابع بانکی به بخش‌های مولد، ارائه مشوق‌ها برای توسعه صادرات غیرنفتی و تعامل با کشورهای همکار در حوزه مبادلات ارزی» مهم‌ترین برنامه‌های بانک مرکزی در آینده است. برخی از معامله‌گران صحبت‌های صالح‌آبادی را اینگونه تفسیر کردند که ممکن است ریاست جدید در آغاز دوران کاری خود عرضه ارز را افزایش دهد. شاید به همین دلیل بود، که در همان بازه زمانی برخی معامله‌گران از بازار خارج شدند. با این حال، در ادامه اتفاق خاصی در سمت عرضه رخ نداد.

دلار و مذاکرات

اقتصاد ایران در یک دهه اخیر با چالش جدی چون تحریم‌ها روبرو بوده است؛ موضوعی که اثرش را می‌توان در «کسری شدید بودجه، تورم بالا و جهش نرخ ارز در بازار» دید. بنابر گفته تحلیل‌گران، هرگاه چشم‌انداز تحریم پیش روی اقتصاد بوده، شاهد اوج‌گیری قیمت‌ها بودیم. با این حال، در این سال‌ها نتیجه مذاکرات، توافق برجام را هم رقم زد. توافقی که با اجرای آن فروش نفت، افزایش

باورند که در مقطع کنونی با توجه به چشم‌انداز مثبتی که نسبت به نتیجه دادن مذاکرات در آینده نزدیک و گشایش در وصول منابع نفتی وجود دارد، انتظارات غالب در مورد نرخ ارز، کاهش است. حال از آنجایی که اقتصاد ایران در سالجاری علاوه بر چالش‌های مزمن اقتصادی و عدم تعادل‌ها بانااطمینانی از آینده تحریم‌ها نیز مواجه است، به گفته تحلیل‌گران چشم‌انداز آینده دلار در این فضای نامطمئن مبهم است. به طوری که با روی کار آمدن دولت جدید، مذاکرات وین متوقف و احتمال لغو تحریم‌ها کاهش یافت. همین موضوع موجب شد تا در تابستان، اسکانس آمریکایی افزایش ۳۵۰۰ تومانی را به ثبت برساند. با این حال آنچه مشهود است اینکه دولت در سال‌های اخیر در نتیجه افزایش نرخ تورم با هزینه‌های رو به رشدی مواجه بوده است؛ به خصوص هزینه‌هایی که دولت در قالب یارانه‌های پنهان و حامل‌های انرژی به آنها پایبند است و در سطح کلان دولت، روز به روز در حال بدهکارتر شدن است. این خود به تنهایی به افزایش رشد نقدینگی و آثار تورمی آن دامن می‌زند. از سوی دیگر، برخی تحلیل‌گران می‌گویند، اقتصادی که ۴۰ درصد تورم دارد، به طور قطع در همه بخش‌های کالا و خدمات فشار تورم احساس می‌شود و در بازار ارز نیز پیش از این قابلیت تثبیت نرخ در دوره‌های طولانی مدت وجود داشت، اما حالا به دلیل رشد فزاینده کسری بودجه دولت، افزایش افسارگسیخته نقدینگی، کاهش امکانات بانک مرکزی در کنترل بازار ارز دوره‌های تثبیت



دسته‌ای از معامله‌گران باور دارند، بازار بیشتر به اخبار مذاکرات واکنش نشان خواهد داد. از نگاه آن‌ها اگر مذاکرات به نتیجه مثبتی برسد، قیمت دلار با افزایش عرضه شدید مواجه خواهد شد و در صورتی که توافقی صورت نگیرد، تقاضای خفته، بار دیگر به بازار باز خواهد گشت

نرخ‌ی شدن ارز را در پیش بگیرد تا در بلندمدت بازار ارز به سمت تعادل حرکت کند. غلامعلی سلیمانی فعال اقتصادی هم درباره آینده دلار به «بازار پول» می‌گوید: اگر شرایط اقتصادی در همین وضعیت باقی بماند، نمی‌توان به آینده دلار خوش بین بود و باید منتظر نرخ‌های بالاتر از محدوده کنونی باشیم. این فعال اقتصادی، با سیاست تک‌نرخ‌ی کردن ارز از سوی دولت با قنبری و مقیمی هم نظر است. چراکه به گفته او، اختصاص ارز ارزان برای واردات کالاهای اساسی، تنها باعث توزیع رانت در اقتصاد شده است. فریال مستوفی دیگر فعال اقتصادی هم درباره اینکه نرخ دلار در چه مسیری قرار بگیرد، به «بازار پول» اینطور می‌گوید: آینده دلار بستگی به سیاست‌های دولت و وضعیت منابع ارزی کشور دارد، اما بازار ارز هم مثل سایر بازارها چشم به مذاکرات برجامی دوخته است؛ چنانچه برجام احیا شود، دلار در مسیر کاهش قرار می‌گیرد، اما افت آن به پایین کانال ۲۰ هزار تومان بعید است. به گفته او، حال چنانچه مذاکرات برجامی به بن بست برسد، پیش‌بینی‌ها از این حکایت دارد که دلار رقم‌های بالاتری را به خود خواهد دید. این فعال اقتصادی تاکید می‌کند با در نظر گرفتن هر دو سناریو، دولت نباید در بازار ارز دخالتی داشته باشد و اجازه بدهد که نرخ ارز را عرضه و تقاضا تعیین کند. بنابه اظهارات مستوفی، دولت نباید به صورت دستوری اقدام به تصمیم‌سازی کند و تنها باید ناظر بر بازار باشد. البته مسعود خوانساری، رئیس اتاق تهران نیز قبلا پیش‌بینی کرده بود که جهش قیمت ارز در سال ۱۴۰۰ محتمل است. او گفته بود: «این امکان وجود دارد که در سال جاری با توجه به بودجه‌ای که دولت ارائه داده و مجلس در حال تصویب آن است، تورم بالایی داشته باشیم و مجدداً فنر ارز از جا در رود و مجدداً شاهد افزایش قیمت‌ها باشیم.» با همه اینها، در مقابل تحلیلگرانی که انتظار بالا رفتن تنش‌های هسته‌ای را دارند، دسته دیگری از فعالان باور دارند که ایران به زودی به یک توافق هسته‌ای با طرف آمریکایی و اروپایی‌ها خواهد رسید. از نگاه آنها طرفین در حال حاضر سعی می‌کنند بیشتر قدرت چانه‌زنی خود را بالا ببرند. با این حال به نظر می‌رسد سطح اختلاف‌ها به اندازه‌ای رسیده، که به زودی سرنوشت مذاکرات هسته‌ای مشخص شود و معامله‌گران بر اساس آن، موقعیت خرید و فروش خود را در حجم‌های بزرگ‌تر تعیین کنند.

صادرات و ثبات اقتصادی و کنترل بازارها را می‌توان انتظار داشت. از این رو، برخی اینگونه تحلیل می‌کنند که با بازگشت ایران و طرفین به برجام، رفع تحریم‌ها موجب کاهش انتظارات تورمی و به دنبال آن کاهش قیمت دلار در بازار ارز خواهد شد. با نگاه به همین مسائل، دسته‌ای از معامله‌گران باور دارند، بازار بیشتر به اخبار مذاکرات واکنش نشان خواهد داد. از نگاه آن‌ها اگر مذاکرات به نتیجه مثبتی برسد، قیمت دلار با افزایش عرضه شدید مواجه خواهد شد و در صورتی که توافقی صورت نگیرد، تقاضای خفته، بار دیگر به بازار باز خواهد گشت.

آینده دلار از منظر تحلیلگران

در همین راستا، «بازار پول» در گفت و گو با کارشناسان آینده دلار را بررسی کرده است. آنچه از برآیند نظرات فعالان اقتصادی برمی‌آید اینکه نمی‌توان عدد یا محدوده مشخصی را برای دلار با توجه به ناپاطمینان‌هایی که در اقتصاد ایران چه در بعد داخلی و خارجی وجود دارد، در نظر گرفت، اما با این حال انتظار کاهش قیمت جدی و رسیدن قیمت دلار به کمتر از ۲۰ هزار تومان را اصلاً نمی‌توان داشت؛ چراکه اگر به این محدوده برسد، مجدداً فشار برای در رفتن فنر نرخ دلار وجود دارد. سیده فاطمه مقیمی عضو هیات رئیسه اتاق تهران در گفت و گو با «بازار پول» دو فرضیه برای آینده دلار مطرح می‌کند؛ یکی با برجام و دیگری بدون برجام. بنابه اظهارات این فعال اقتصادی، اگر برجام احیا شود، فروش نفت افزایش یافته، که به تبع آن درآمدهای ارزی حاصل از آن افزایش یافته و بر نرخ ارز اثرگذار خواهد بود. البته در این فرضیه اینکه نرخ ارز در چه مسیری قرار بگیرد، بازهم بسته به سیاست‌های ارزی دولت دارد؛ یعنی دولت بخواهد در بازار ارز دخالت کند یا اجازه بدهد بازار نرخ ارز را تعیین کند. به گفته مقیمی با فرض شکست برجام، یک تحلیل این است که نرخ دلار در مسیر افزایشی قرار می‌گیرد؛ چراکه با سنگینی سایه تحریم‌ها بر اقتصاد ایران، صادرات به سختی صورت می‌گیرد و درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و صادرات غیرنفتی قطعاً کاهش می‌یابد. از این منظر، با محدودیت منابع ارزی، عرضه ارز محدود و تقاضا برای ارز در بازار بیشتر می‌شود. همین امر نرخ دلار را به سمت بالا رفتن سوق می‌دهد. عضو هیات رئیسه اتاق تهران، در عین حال بهترین گزینه برای مدیریت بازار ارز را تک‌نرخ‌ی کردن از سوی دولت می‌داند. علی قنبری اقتصاددان هم آینده بازار ارز را اینگونه تحلیل می‌کند که اگر برجام احیا و امکان فروش نفت ایران فراهم شود، درآمدهای ارزی و منابع درآمدی کشور افزایش می‌یابد، که قطعاً بر روی نرخ دلار اثرگذار خواهد بود و آن را در مسیر کاهش قرار می‌دهد، اما چنانچه این توافق بین المللی به سرانجام مشخصی نرسد، قیمت دلار مسیر افزایشی را در پیش خواهد گرفت. قنبری در گفت و گو با «بازار پول» تاکید می‌کند که دولت باید سیاست ارزی تک

پیش بینی نرخ دلار از دو منظر

جلوی جهش نرخ دلار را بگیرد. از سوی دیگر، با توجه به تاکید مدیران بالادستی، مبنی بر حفظ ارزش پول ملی و یا برگشت هویت پول ملی به جایگاه اصلی اش، یکی از سیاست‌های دولت می‌تواند کاهش نرخ دلار باشد.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که این سیاست ارزی مادامی می‌تواند نتیجه بخش باشد، که سیاست کاهش تورم نیز در دستور کار تصمیم سازان و تیم اقتصادی دولت قرار گیرد. از

اگر ارز را به مثابه یک کالا در نظر بگیریم، طبیعی است که با عرضه بالا، قیمت آن نیز کاهش می‌یابد. حال در مقابل، چنانچه سمت عرضه به هر دلیلی کاهشی شود، بالطبع بر نرخ ارز اثرگذار و افزایشی می‌شود. اما مساله مهمی که در شرایط فعلی در بازار ارز اثرگذار است اینکه به دلیل تحریم‌های ظالمانه علیه

ایران، اقتصاد کشور از کاهش درآمدهای ارزی رنج می‌برد. موضوعی که هم بر سمت عرضه و هم تقاضا در بازار ارز اثر منفی گذاشته و موجب شده تا نرخ دلار در محدوده فعلی قرار بگیرد. البته با توجه به ذخایری ارزی موجود و سیاست کنترلی بانک مرکزی، چند ماهی است که نرخ ارز به سمت ثبات پیش رفته و دیگر شاهد نوسانات شدید در بازار نیستیم. اما فاکتور دومی که بر روند افزایشی یا کاهشی نرخ دلار اثرگذار است، اینکه تولید ناخالص داخلی اثر مستقیمی بر تورم دارد؛ حال چنانچه جذب سرمایه و رشد اقتصادی محقق شود، تورم کاهشی و در چنین شرایطی قطعاً نمودار قیمتی دلار به سمت سرازیری و کاهش میل پیدا می‌کند.

بنابراین آینده قیمتی دلار را باید از دو منظر نگریست؛ «درآمدهای ارزی و دیگری تورم.» اما نکته قابل تامل اینجاست که در شرایط کنونی، اقتصاد کشور در هر دو زمینه با مشکل مواجه است. حال چنانچه مذاکرات برجانی به نتیجه مطلوبی برسد؛ منابع بلوکه شده ایران آزاد شود، و همچنین ایران بتواند روزانه سهم نفتی که از طریق اوپک در اختیارش قرار می‌گیرد را به راحتی بفروشد و منابع ارزی حاصل از آن را دریافت کند، قطعاً دولت بهتر می‌تواند بازار ارز را مدیریت کند. به عبارتی دیگر، دولت با تزریق بخشی از این منابع درآمدی می‌تواند



محمد لاهوتی
رئیس کنفدراسیون
صادرات ایران



این رو، اگر دولت بخواهد به صورت دستوری و با تزریق منابع ارزی به اقتصاد، نرخ ارز را کاهش دهد، در حالیکه تورم کماکان افزایشی یا در همین محدوده فعلی باشد، حتی اگر نرخ ارز مسیر کاهش را در پیش بگیرد، موقتی خواهد بود و پس از گذشت مدت کوتاهی، مجدداً فنر دلار در خواهد رفت.

برهمن اساس، سیاستگذار پولی اگر بخواهد نرخ دلار را به صورت دستوری پایین نگه دارد، خطر رها شدن آن وجود دارد و قطعاً تبعات منفی بیشتری بر اقتصاد تحمیل خواهد شد. اما در پاسخ به این پرسش که نرخ واقعی دلار چقدر باید باشد؛ ذکر این نکته ضروری است که با توجه به تورم بالای اقتصاد ایران، نرخ فعلی دلار نرخ بالایی نیست و حتی می‌توان گفت تا حدودی از تورم عقب‌تر است. بنابراین اگر از بعد اقتصادی به قضیه نگاه



ذکر این نکته ضروری است که سیاست ارزی مادامی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد، که سیاست کاهش تورم نیز در دستور کار تصمیم‌سازان و تیم اقتصادی دولت قرار گیرد

کنیم، نرخ فعلی دلار نسبت به نرخ سایر کالاها ارزان‌تر است. با این‌همه اگر تورم کاهش و منابع ارزی کشور افزایشی شود، نرخ دلار به پایین‌تر از اعداد فعلی میل پیدا می‌کند.

اما مساله‌یی که می‌تواند در کنترل تورم اثرگذار باشد، بحث هدایت نقدینگی به سمت تولید هست. متأسفانه ارزیابی‌ها نشان از افزایش سرسام‌آور نقدینگی در اقتصاد ایران دارد. به طوری که بنابر آمارها به طور میانگین در سال حدوداً با افزایش ۲۰ درصدی نقدینگی مواجه هستیم؛ پول‌های پرقدرت و سرگردان در هر حوزه‌یی که وارد شوند، آثار مخربی بر جای خواهند گذاشت. از این منظر، چاره کار این است که محیط کسب و کار را بهبود بخشید و با ثبات بخشی به قوانین، فضای امنی را برای سرمایه‌گذار فراهم کرد؛ چراکه تنها با طی این مسیر است که می‌توان پول‌های سرگردان به سمت بازارهای مالی و تولید هدایت و خلق ثروت کرد. در غیراین‌صورت، این منابع به سمت سفته‌بازی و دلالی سرریز شده و بر تب تورم بالا و نرخ ارز افزوده خواهد شد.

با نگاه به مباحثی که گفته شد، دولت چنانچه بخواهد از مسیر تزریق ارز یا همان ارزپاشی و بدون مهار تورم و نقدینگی، بازار را مدیریت کند، شاید در مدت کوتاهی بتواند نرخ دلار را کاهش دهد، اما همانطور که پیشتر هم گفته شد، این فنر ارزی با هر تکانه جدید یا اخلال در درآمدهای ارزی مجدداً رها شده و آثار مخرب به مراتب بدتری در اقتصاد ایران برجای خواهد گذاشت. در پایان ذکر این نکته ضروری است که توافق برجامی بر کاهش نرخ دلار و بهبود وضعیت اقتصادی اثرگذار خواهد بود و عدم احیای آن، قطعاً شرایط فعلی را تشدید خواهد کرد.





حسین سلاح ورزی، نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران در گفت و گو با «بازار پول»:

دولت در تله ساده‌انگاری تحریم نیافتد

در دوره خشکسالی ارزی، دلار ارزان توزیع می‌شود

گرفتن چنین سیاستی است، که نرخ دلار طغیان کرده و تنها دو قدم مانده که به کانال ۳۰ هزار تومان برسد؛ این یعنی تقاضا بالا و عرضه کم. حسین سلاح ورزی در گفت و گو با «بازار پول» با در نظر دو سناریوی احیای برجام یا شکست آن، به پیش‌بینی آینده دلار می‌پردازد و آینده چندان روشنی برای اسکناس آمریکایی متصور نیست. او همچنین معتقد است، تحریم‌ها و به تبع آن

نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران می‌گوید: تمامی دولت‌هایی که تا کنون سرکار آمده‌اند، به دلارهای نفتی عادت کرده و آن را خیلی ارزان در اختیار متقاضیان قرار داده‌اند. اما حالا هم که دیگر از آن درآمدهای نفتی خبری نیست و دوره خشکسالی ارزی را سپری می‌کنیم، سیاستگذار پولی و دولتمردان همچنان سیاست توزیع دلار ارزان را در دستور کار دارند؛ غافل از اینکه با در پیش

کاهش درآمدهای نفتی و صادراتی موجب شده تا دولت برای جبران کسری بودجه، دست در جیب بانک مرکزی یا بانک‌ها بکند؛ اقدامی که هم رشد پایه پولی را رقم زده، هم تب تورم در اقتصاد را به درجه فزاینده‌ایی رسانده است. سلاح ورزی، تنها راه چاره برای مهار تورم و سامان دادن به وضعیت فعلی اقتصاد را رفع تحریم‌ها و بازگشت درآمدهای ارزی می‌داند. او معتقد دولت‌مردان نباید در تله این ساده‌انگاری که بدون رفع تحریم و با هم‌بین منابع ارزی محدود می‌شود، بر تورم مهار زد و اقتصاد را اداره کرد، بیافتند.

چرا تمامی دولت‌هایی که روی کار آمدند به تزریق دلار

ارزان به اقتصاد تمایل داشتند؟

سیاستمداران ایرانی از دهه ۱۳۴۰ در دونظام سیاسی گوناگون اقتصاد ایران را به درآمد حاصل از صادرات نفت معتاد کرده اند و این اعتیاد به خوبی در فراز و فرودهای دوره های گوناگون خود را بازتاب داده است. دوره فراز اقتصاد ایران هنگامی بوده وهست که خریداران نفت در جهان دست در خزانه دولت‌ها کرده و نفت بیشتری می‌خریدند و دولت‌های ایران ثروتمند و سرمست و سرخوش می‌شدند. دولت‌ها در دوره سرمستی و فروش فوق العاده نفت، دلار را ارزان و با دست و دلبازی به متقاضیان ارز تخصیص می‌دادند. نکته شگفت‌انگیز رفتار اقتصاد معتاد به نفت که از سوی سیاستمداران تحمیل می‌شد و می‌شود این است که می‌خواهند در دوره خشکسالی درآمد حاصل از صادرات نفت همین کار را با چشم بستن بر واقعیت‌ها باز هم دلار ارزان تخصیص بدهند تا بگویند ما کمبود ارز نداریم. این اتفاق بارها در اقتصاد ایران و به وسیله مدیران سیاسی با گرایش‌های گوناگون رخ داده است و پیامدهای آن از اقتصاد کلان عبور کرده و به خانواده‌ها و بنگاه‌ها رسیده است. اتفاق دوم درست در سال ۱۳۹۷ رخ داد و در



در صورتی که دولت سیزدهم، مجلس یازدهم و سایر نهادهای قدرت بر این اندیشه اصرار کنند و نقش تحریم و کاهش درآمدهای ارزی را در رشد نرخ ارز و نیز تورم نادیده بگیرند و دولت برای تامین کسری بودجه به منابع بانک مرکزی چشم بدوزد؛ به نظر می‌رسد، نرخ تورم باز هم فزاینده باشد

حالی که زمزمه خروج آمریکا از برجام در سپهر اقتصاد و سیاست ایران به گوش می‌رسید، اقتصاد ایران با شورش ارزهای معتبر روبه رو شد. در فروردین ۱۳۹۷ بود که دلار طغیان کرد و هر دلار ۳۵۰۰ تومان در چند روز به هر دلار ۶ هزار تومان رسید. این شورش دلار از ۱۳۹۷ تا امروز ادامه دارد و حال هر دلار به ۲۸ هزار تومان صعود کرده است.

طیف زیادی از مردم این پرسش را مطرح می‌کنند، که اگر برجام زنده شود و

مناسبات ایران با غرب به پیش از خروج آمریکا برگردد برای نرخ ارز چه اتفاقی

می‌افتد؟ برخی باور دارند که دلار در مسیر سرازیری قرار می‌گیرد؛ آیا چنین

پیش‌بینی قابل اتکا است؟

در حالی که سیاستمداران ایرانی به ویژه جناح سیاسی که در حال حاضر دولت و مجلس را در اختیار دارند و در سال ۱۳۹۷ منتقد دولت وقت بودند، باورشان نمی‌شد «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور قبلی آمریکا از برجام خارج شود، اما این اتفاق افتاد و پس از خروج از برجام، آمریکا سیاست تحریم و فشار حداکثری بر اقتصاد ایران را در دستور کار قرار داد. با ادامه تحریم‌های «ترامپ»، کاهش صادرات نفت ایران رقم خورد و به مرور آثار کمبود درآمد ارزی در ایران آشکار شد. تحریم بانک مرکزی ایران از سوی آمریکا و کشورهای دیگر، موجب شد تا انتقال دلار به ایران به بن بست بخورد. از این رو، تنها یکی از پیامدهای این تحریم، افزایش نرخ تبدیل دلار به ریال بود. با پیروزی «جو بایدن» دموکرات بر «دونالد ترامپ» و بر اساس وعده‌ای که او داده بود، بحث احیای برجام در مذاکرات وین کلید خورد. ایران و کشورهای ۴+۱ از زمستان ۱۳۹۹ تا خرداد ۱۴۰۰، شش دور مذاکره را با راهبرد احیای برجام و برگشت کشورها به تعهدات آن آغاز کردند، اما به دلایل گوناگون این احیا تا کنون به نتیجه نرسیده است. واقعیت این است که آنچه بر زبان مدیران سیاسی ایران و آمریکا جاری شد و می‌شود، بر ابهامات بیشتر احیای برجام می‌افزاید. در این میان تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که با احیای برجام، احتمال اینکه قیمت دلار به اندازه قابل اعتنائی فرو بریزد، بالا است. اما پرسش اصلی اینجاست که این فروریختن دلار تا کی ادامه دارد؟ از این منظر، کارشناسان و فعالان سیاسی اما به ادامه این وضعیت امیدوار نیستند. فعالان اقتصادی با توجه به اینکه بازار نفت ایران از دست رفته است و با توجه به اینکه برگشت دلار با شتاب به بازار سخت شده است، معتقدند که قیمت ارزهای معتبر به جای نخست برمی‌گردد. از این رو، این تحلیل که در میان کارشناسان و فعالان اقتصادی هواداران مستحکمی دارد، نرخ دلار به ریال با توجه به

وضعیت بازارهای نفت و اینکه با شروع به ریزش ارزشها، تقاضا برای خرید آن به منظو ذخیره سازی رخ می‌دهد، برگشت به قیمت‌های کنونی را با احتمال بیشتری همراه می‌کند.

چنانچه برجام به هر دلیلی شکست بخورد؛ چه آینده ای

می‌توان برای اقتصاد و بازار ارز متصور بود؟

در میان ایرانیان و کسانی که تحولات سیاست خارجی را دنبال می‌کنند، نسبت به احیای برجام همانطور که در بالا اشاره کردم امیدواری چندانی وجود ندارد؛ زیرا ایران می‌گوید برای رسیدن به برجام باید همه انواع تحریم‌های ایران برطرف شود و آمریکا نیز می‌گوید ایران باید از نظر فنی و نظامی و نیز همکاری منطقه ای باید در سیاست‌های خود تغییرات اساسی ایجاد کند. در این صورت و با ادامه این شرایط احتمال اینکه ایران بتواند صادرات نفت خود را افزایش داده و با خیال راحت درآمد ارزی را به ایران انتقال دهد، کاهش می‌یابد. در این صورت حتی اگر تقاضای اضافی برای دلار به بازار نیاید، همین میزان تقاضا برای واردات کافی است تا بیشتر از عرضه باشد و قیمت دلار در همین اندازه و حتی بیشتر افزایش یابد. به این ترتیب کارشناسان و فعالان اقتصادی باور دارند در صورت شکست برجام روند نرخ دلار و ارزشهای معتبر در بازار ایران افزایشی خواهد بود.

تورم بالا در حال حاضر یکی از ابرچالش‌های اقتصاد ایران است؛ وجود چنین تورم

فزاینده‌ایی را ناشی از چه می‌دانید؟

ایران در شروع دهه ۱۳۹۰ و با شروع دور نخست تحریم با نرخ تورم فزاینده روبه روشد. به طوریکه قیمت هر دلار آمریکا در بازار ارز با جهش روبه روشد. هم مسیر شدن و نرخ‌های صعودی تورم



با این ساده‌انگاری که می‌شود بدون رفع تحریم و با همین میزان درآمد ارزی بر تورم مهار زد، سم مهلکی است و نباید اسیر این تله‌ها شد. چراکه براساس پیش‌بینی اقتصاددانان، تورم آتی با تورم دوره‌ایی که در آن هستیم تفاوت‌های اساسی دارد

و نرخ ارزهای معتبر به ریال ایران و همزمانی آنها در شروع دهه ۱۳۹۰ و نیز از سال ۱۳۹۷ این داوری را پدیدار کرده، که یک دلیل اصلی رشد نرخ تورم رشد نرخ ارزهای معتبر بوده است. مقام‌های بانک مرکزی ایران البته این داوری را باور ندارند و می‌گویند دلیل افزایش نرخ ارز به هزینه‌های مهار نشده دولت در بودجه و عدم تحقق در فروش نرفتن درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه بر می‌گردد. به گفته آنها، دولت برای تامین کسری بودجه که ناشی از فروش نرفتن نفت و عدم صادرات نفت بوده، به منابع بانک مرکزی و نیز منابع بانک‌ها وصل شده و به رشد نقدینگی و پایه پولی دامن زده و به همین دلیل است که نرخ تورم افزایش یافته است. واقعیت این است که این استدلال‌ها به هر حال نشان دهنده این است که تحریم نفتی و بانکی ایران بر رشد تورم موثر بوده است. اما از سوی دیگر، کسانی که میدان سیاست و اقتصاد ایران را در دست دارند، بر این گفته خود اصرار دارند که تورم در ایران به تحریم ربطی ندارد و نباید هر رخدادی در اقتصاد را به تحریم گره زد. سیاستمداران و اقتصاددانان نزدیک به آنها نیز می‌گویند سیاست‌های اقتصادی نادرست دولت دوازدهم به رشد تورم دامن زده است.

به نظر تان سهم تحریم‌ها در تورم فزاینده ایران چقدر است؟

تجربه دوره‌های تورمی در ایران به ویژه در دهه ۱۳۷۰ که تحریم در آن نقش و سهم نداشت و نیز شروع دهه ۱۳۹۰ که درآمد نفت جاری بود، این گمانه زنی را پدیدار کرده، که تحریم در تورم نقش نداشته است. دولت سیزدهم به طور خاص اعتقاد دارد نرخ تورم بیشتر به رفتار متغیرهای داخلی و سیاست‌های اقتصادی دولتی و نیز طمع ورزی بازرگانان ارتباط دارد و نباید با پررنگ کردن نقش تحریم در تورم آمریکا را تشویق کرد که از این حربه با گستردگی بیشتر استفاده کند. در صورتی که دولت سیزدهم، مجلس یازدهم و سایر نهادهای قدرت بر این اندیشه اصرار کنند و نقش تحریم و کاهش درآمدهای ارزی را در رشد نرخ ارز و نیز تورم نادیده بگیرند و در صورتی که شرایط سیاسی داخلی و نیز سیاست خارجی بر این روال باشد و دولت برای تامین کسری بودجه به منابع بانک مرکزی چشم بدوزد؛ به نظر می‌رسد، نرخ تورم باز هم فزاینده باشد.

دولت برای جلوگیری از بروز تورم بالا چه سیاست با

تصمیمی را باید اتخاذ کند؟

برخی از اقتصاددانان باور دارند، به دلیل «کسری بودجه ادامه‌دار، شرایط نامساعد برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نبود علاقه برای خرید سهام دولتی، نبود چشم انداز روشن در



بودجه و مهار تورم و یا گرفتن سرعت رشد آن برطرف شدن تحریم و برگشت درآمد ارزی به بودجه است. در غیر این صورت، ایران باید بتواند از بازارهای سرمایه به ویژه از کشورهایی که آنها را دوست راهبردی خود می‌داند - مثل چین و روسیه - وام ارزی بگیرد. در این شرایط برای مهار تورم و رشد اقتصادی و جلوگیری از تعمیق فقر به دلیل کاهش قدرت خرید شهروندان راه دیگری که در کوتاه مدت اثر فوری داشته باشد، به ذهن نمی‌رسد. بنابراین با این ساده‌انگاری که می‌شود بدون رفع تحریم و با همین میزان درآمد ارزی بر تورم مهار زد، سم مهلکی است و نباید اسیر این تله‌ها شد. چراکه براساس پیش‌بینی اقتصاددانان، تورم آتی با تورم دوره‌ایی که در آن هستیم تفاوت‌های اساسی دارد.

جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ناچار بودن دولت و نظام سیاسی برای هزینه کردن برخی مقوله‌های دفاعی، حمایت از مقاومت و پرداخت حقوق و دستمزد کارمندان و هزینه امنیت داخلی» جمع کردن بودجه در شرایط فعلی سخت است. بنابراین باید منتظر باشیم دولت یا به سیاست پایان ناپذیر اوراق قرضه ادامه دهد یا اینکه با نرخ رشد فزاینده کسری بودجه روبه‌رو شود. در این صورت فزاینده شدن نرخ تورم حتمی است. پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران و اقتصاددانان خارج از دولت نیز این است که اگر سیاست‌های اقتصادی به طور ساختاری تغییر نکند یا در کوتاه مدت بر نقدینگی و رشد پایه پولی مهارزده نشود نرخ تورم فزاینده خواهد شد. چاره کار در کوتاه مدت برای توازن و تعادل

مکانیزم کشف قیمت دلار



عباس آرگون
عضو هیات
نمایندگان اتاق تهران

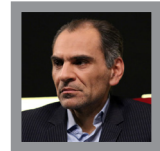
نرخ ارز یکی از مهم ترین و موثرترین متغیرهای اقتصادی است و بیانگر شرایط اقتصادی کشور و یک عاملی برای مقایسه بین اقتصاد ملی و اقتصاد دنیا است. همچنین تاثیر مهم دیگری هم بر متغیرهای اقتصادی همچون تورم، اشتغال، صادرات و واردات دارد. در واقع یکی از مسائل مهمی که دولت با آن مواجه است، کنترل نرخ ارز و ایجاد یک فضای مناسب اقتصادی است، برای

اینکه تولید داخلی را بتوانیم حفظ کنیم و از افزایش تورم جلوگیری شود و در نهایت فراهم کردن شرایط ورود سرمایه گذاران خارجی به کشور است. نوسان شدید نرخ ارز در واقع عدم تعادل و بی ثباتی در اقتصاد کشور را نشان می دهد و فعالیت بنگاه های اقتصادی را با ریسک های مهمی مواجه می سازد. در حقیقت جریان مالی بنگاه های اقتصادی را تحت تاثیر خودش قرار می دهد. البته کنترل نرخ ارز با قیمت گذاری نرخ ارز متفاوت است. به بیان دیگر، ما باید شرایط را پیش بینی پذیر کنیم. حال براساس سناریوی احیای برجام و فروش نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن، می توان پیش بینی کرد که عرضه ارز افزایش و به دنبال آن نرخ دلار کاهش پیدا می کند. در این میان، دولت به عنوان بزرگترین عرضه کننده ارز در بازار می تواند نرخ دلار را سرکوب و کاهش دهد، که این اقدام اثر منفی خودش را بر اقتصاد خواهد گذاشت؛ هم سبب خروج ارز و سرمایه از کشور شده و هم تولید نیز از این محل آسیب می بیند. به عبارتی دیگر، با دستکاری نرخ ارز، امتیاز و یارانه ای برای تولیدکننده خارجی خواهد بود. واردات توجیه بیشتری پیدا کرده و صادرات از رونق می افتد. بنابراین بهترین مکانیزم مدیریت بازار ارز، همان مکانیزم عرضه و تقاضا است؛ یعنی کشف قیمت از طریق بازار. چراکه اگر سرکوب نرخ ارز طی سال های ۹۲ تا ۹۶ رخ نمی داد، جهش بعدی نرخ ارز در سال های اخیر را نداشتیم. بر این اساس، باید هر سال نرخ ارز را مطابق با نرخ تورم تعدیل و افزایش می دادیم. روندی که هم توسعه صادرات را می توانستیم دنبال کنیم و هم از واردات بی رویه جلوگیری می کردیم؛ چون وقتی نرخ ارز پایین

باشد، واردات کالا به جای تولید آن، توجیه پذیر می شود. در حقیقت به نوعی باعث رشد قاچاق کالا به داخل کشور می شود. حال در سناریوی دیگر، اگر احیای برجام به بن بست بخورد، می توان پیش بینی کرد، نرخ دلار در مسیر افزایشی قرار می گیرد. در چنین شرایطی، عرضه ارز محدود می شود؛ توسعه صادرات غیرنفتی و درآمدهای ارزی حاصله با مشکل مواجه شده و به دلیل عدم رفع تحریم ها از محل فروش نفت دچار مشکل شویم و منابع درآمدی کاهش می یابد. بنابراین دولت با کسری شدید بودجه مواجه می شود؛ در این صورت دولت ناچار به استقرار از بانک مرکزی شده، که این اقدام رشد نقدینگی و پایه پولی را رقم می زند و در نهایت سبب افزایش تورم می شود. رشد نقدینگی و تورم بالا هم موجب بالا رفتن دلا خواهد شد. بنابراین به هر میزانی که ما رشد نقدینگی داریم، تورم داریم و به همان میزان رشد قیمت ارز را هم خواهیم داشت؛ از این رو، برای اینکه نرخ دلار دوباره با جهش مواجه نشد، باید تحریم ها رفع شود، صادرات غیرنفتی رونق گیرد تا دولت از محل درآمدهای پایدار بتواند بازار ارز و نرخ دلار را مدیریت کند.

اقدام دیگری که باید در دستور کار قرار گیرد اینکه ناطمینانی ها را در فضای کسب و کار به حداقل برسانیم و شرایط را پیش بینی پذیر کنیم. حتی در شرایط کنونی که امیدوار هستیم تحریم ها برداشته شود، باید به این نکته مهم توجه داشت که دسترسی به منابع ارزی و افزایش صادرات، نباید باعث شود که دوباره همان سیاست های گذشته مبنی بر ارزپاشی و سرکوب نرخ ارز را دنبال کنیم، زیرا آثار مخربی از خود به جای خواهد گذاشت و منجر به افزایش واردات و از بین رفتن تولید و صادرات می شود و صادرکننده ها هم نمی توانند با رقبایشان، به رقابت بپردازند و در نهایت موجب آسیب به چرخه تولید و اقتصاد داخلی خواهد شد. با همه اینها، بهترین گزینه برای مدیریت اقتصاد و اتخاذ سیاست های ارزی، برداشته شدن تحریم ها است. چراکه اگر تحریم ها رفع نشود، محدودیت های زیادی در چرخه تجارت ایران ایجاد خواهد شد. از سوی دیگر، دسترسی ایران به منابع ارزی حاصل از صادرات نفت محدود شده و مشکلات بیشتری برای کشور حادث می شود.

سیاستگذار پولی و نرخ دلار



کامران ندیری
اقتصاددان

در یک سناریوی خوش بینانه چنانچه برجام احیا، امکان فروش ۲.۵ بشکه نفت فراهم شود؛ و به تبع آن میزان درآمدهای ارزی افزایش یابد، قطعاً در کوتاه مدت نرخ ارز کاهش پیدا می کند. البته نرخ دلار قطعاً به به پایین تر از کانال ۲۰ هزار تومان میل پیدا نخواهد کرد. در مقابل، با طراحی یک سناریوی بدبینانه و با فرض شکست برجام و عدم احیای آن تا پایان سال ۱۴۰۱، احتمال

اینکه نرخ ارز از مرز ۵۰ هزار تومان هم عبور کند، بالاست. حال اگر فرض را بر این بگیریم که تحریمها لغو می شوند، مسیر سیاستهای ارزی دولت سیزدهم برای سروسامان دادن بازار ارز، بستگی به این دارد که بانک مرکزی چه نوع چارچوب سیاستی برای کنترل تورم در پیش خواهد گرفت. به عبارتی دیگر، اینگونه نیست که اگر بانک مرکزی تورم را کنترل کند، ارز هم مهار شود. برای کنترل نرخ ارز، بانک مرکزی باید چارچوب سیاستی هدف گذاری تورمی را انتخاب کند. یک وقتی هست، بانک مرکزی چارچوب سیاستی اش این است که نرخ ارز را کنترل می کند تا تورم کنترل شود، اینجاست که بانک مرکزی باید در بازار ارز مداخله فعال کند و نرخ ارز را میخکوب کند. بنابراین اینکه دولت بخواهد با تعیین یک محدوده برای نرخ ارز، بازار ارز را مدیریت کند یا نه، بسته به سیاست های

بانک مرکزی برای کنترل تورم دارد. البته ممکن مانند برخی کشورها از جمله عربستان سعودی، چارچوب سیاستی بانک مرکزی برای سرکوب تورم، میخکوب کردن نرخ ارز باشد؛ یعنی ریال را به یک پول قوی مانند دلار میخکوب می کند. اینجا دیگر بانک مرکزی آمریکا سیاست گذار پولی می شود و دولت تنها کاری که کرده اینکه پول را میخکوب به دلار کرده است. در این حالت، تورم براساس تورم آمریکا تعیین می شود. مثل نرخ تورم عربستان سعودی که متناسب با نرخ تورم دلار در آمریکا است؛ به طور نمونه، اگر در آمریکا نرخ تورم بالا برود، در عربستان هم بالا می رود. بنابراین یک زمانی ممکن سیاستگذار پولی بخواهد برای کنترل تورم، نرخ ارز را میخکوب کند به یک پول قوی که عمدتاً دلار است. اما یک زمانی ممکن است بخواهید سیاست گذاری مستقل پولی در اقتصادتان داشته باشید؛ بنابراین این یک انتخاب است و باید اول این پرسش را مطرح کرد که انتخاب سیاست گذار برای کنترل تورم چیست؟ از دیدگاه بنده، در شرایط فعلی اگر تحریمها ادامه پیدا کند، چون نمی توان ریال را به دلار میخکوب کرد، بانک مرکزی بهتر است دلار را آزاد بگذارد و مداخله نکند. البته نمی تواند محدوده ای هم برای دلار در نظر بگیرد، حتی اقدام به چنین اقدامی هم بی فایده است. بر همین اساس، بهترین کار این است که از مداخله در بازار ارز خودداری کند و سراغ کنترل نرخ تورم برود.



آیا بین نرخ دلار و تورم همبستگی وجود دارد؟

مواجهه سیاستگذار با بازار ارز

برابری ارز یک جهش را تجربه کرده است. نرخ رشد ارز در ۲۰ سال اخیر نشان می‌دهد، نرخ رشد از در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ اندک و زیر ۱۰ درصد بوده است؛ یعنی تثبیت نرخ ارز رسمی. در سال ۱۳۹۱ با تشدید تحریم‌ها و ناتوانی بانک مرکزی در مهار نرخ ارز اسمی به واسطه محدودیت‌های ذخایر ارزی، یک جهش و رشد ۹۲ درصدی را تجربه کرد. در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ نیز نرخ ارز در بازار رشد کمتر از ۵ درصدی را تجربه کرد. اما مجدداً با زمزمه‌های خروج از آمریکا در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شاهد جهش ارزی بودیم تا جایی که در اسفند ماه سال ۱۳۹۷ شدیدترین جهش ارزی ۲ دهه اخیر یعنی معادل ۱۵۵ درصد رشد در نرخ برابری اما چرا مردم نسبت به افزایش نرخ ارز حساس هستند؛ علت اصلی آن را می‌توان، همبستگی بالای آن با تورم کوتاه مدت دانست. به عبارت روشن‌تر، وقتی نرخ ارز افزایش می‌یابد، انتظارات تورمی ایجاد شده و تورم کوتاه مدت بالایی تجربه می‌شود. بنابراین، علت حساسیت بالای عموم جامعه به نرخ ارز ریشه در همگرایی بالای آن با نرخ تورم کوتاه مدت دارد. بانک مرکزی در سال‌های گذشته، همواره نرخ ارز اسمی را به طور ضمنی به عنوان لنگر اسمی هدف‌گیری کرده است. وقتی یک متغیر به عنوان لنگر اسمی در اقتصاد تعریف می‌شود، راهبر انتظارات تورمی بوده و همگرایی بالایی با نرخ تورم کوتاه مدت پیدا می‌کند. از آنجایی که تورم و افزایش سطح عمومی قیمت، موجب نارضایتی مردم و مشکلات عدیده برای دولت

نرخ ارز و فراز و فرودهای آن یکی از موضوعاتی است که در کانون توجهات عموم مردم و سیاست‌گذاران قرار دارد. شاید با قدری تسامح بتوان گفت نرخ ارز مهمترین و حساس‌ترین متغیر در نظر دولت‌های مختلف ایران در حوزه اقتصاد بوده و از سوی عموم مردم نیز عملکرد اقتصادی دولت‌ها با تفاضل نرخ ارز در انتها و ابتدای دولت‌ها و نوسانات آن طی دوره مسئولیت دولت، ارزیابی می‌شود. حساسیت بالای عموم مردم و سیاستمداران درباره یک متغیر اقتصادی، از زاویه اقتصاد سیاسی به منزله یک هشدار جدی تلقی می‌شود؛ چراکه می‌تواند مطمئن نظر سیاسی قرار گرفته و منافع اقتصادی قربانی اهداف سیاسی کوتاه مدت دولت‌ها قرار گیرد. از این رو، مراقبت از کیفیت سیاستگذاری در مورد بازار ارز و درس آموختن از تجربه مواجهه با این بازار یک ضرورت انکارناپذیر و حتمی برای حکمرانان اقتصادی کشور تلقی می‌شود.

تغییرات نرخ ارز در ۲۰ سال

مشاهده آمارها و روند نرخ ارز اسمی نشان می‌دهد، راهبرد تمامی دولت‌ها و از جمله دولت‌های نهم تا دوازدهم در مواجهه با بازار ارز، تثبیت نرخ ارز اسمی بوده است. جهش نرخ ارز اسمی کشور به این معناست که بانک مرکزی و دولت تا جاییکه مقدور بوده سعی کرده اند، نرخ ارز را در سطح مشخصی با حداقل نوسان مهار کنند، اما هر از چندگاهی به دلایل مختلف از جمله تحریم یا بحران بدهی خارجی و... نرخ

می‌گردد همواره دولت‌ها سعی می‌کنند حتی اگر در کنترل رشد نقدینگی به عنوان عامل اصلی تورم در بلندمدت، موفق نبوده‌اند، با مهار لنگر اسمی، انتظارات تورمی را کنترل نموده و حداقل تورم را به آینده موکول نمایند. با وجود این حساسیت عموم مردم و دولت‌ها به نرخ ارز، اتخاذ راهبرد تثبیت نرخ ارز اسمی یک راهبرد مناسب تلقی شده و توسط دولت و بانک مرکزی دنبال شده و پیامدهای منفی آن به اقتصاد و مردم تحمیل شده است.

پیامدهای تثبیت نرخ ارز

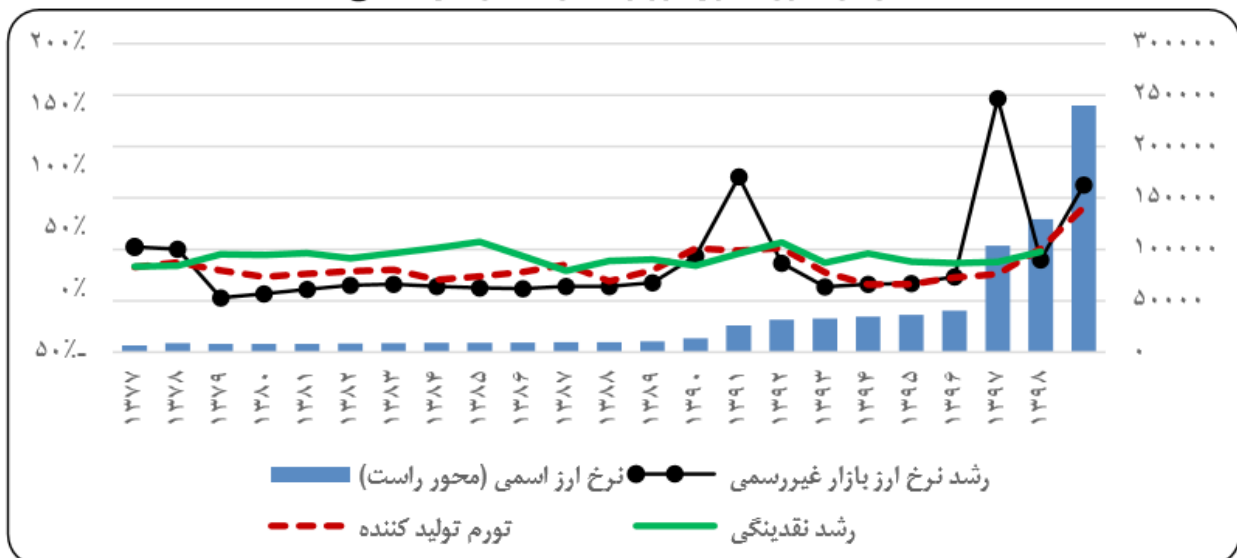
با توجه به اهمیت موضوع، مرکز پژوهش‌های مجلس، اخیراً طی گزارشی به تحلیل پیامدهای تثبیت نرخ ارز اسمی پرداخته و این سیاست را تضعیف‌کننده تولید داخلی و رقابت‌پذیری این محصولات و همچنین عامل از دست رفتن بازارهای صادراتی معرفی کرده است. این مرکز در گزارش خود آورده است: حساسیت بالای افکار عمومی و توجه خاص سیاست‌گذاران به نوسانات نرخ ارز، حاکی از این واقعیت انکارناپذیر است که این نرخ یک متغیر کلیدی در اقتصاد ایران است. پیگیری تعجب برانگیز تحولات سیاسی خارجی اما مؤثر در نرخ ارز توسط افکار عمومی نیز شاهد دیگری است که علاوه بر تأکید بر اهمیت نرخ ارز برای افکار عمومی، نشان می‌دهد تا چه اندازه، انتظارات و کیفیت افق دید عوامل اقتصادی وابسته به نرخ ارز شده است. همچنین، رفتار سیاستگذار (غالب دولت‌ها و بانک



وقتی نرخ ارز افزایش می‌یابد، انتظارات تورمی ایجاد شده و تورم کوتاه‌مدت بالایی تجربه می‌شود. بنابراین، علت حساسیت بالای عموم جامعه به نرخ ارز ریشه در همگرایی بالای آن با نرخ تورم کوتاه‌مدت دارد

مرکزی) و فقدان چارچوب سیاست‌گذاری پولی، عملاً تغییرات نرخ ارز را بعنوان راهبر انتظارات تورمی و عاملی مؤثر بر بازده اسمی انتظاری سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است. در این شرایط افزایش نرخ ارز غالباً به مثابه یک خبر بد برای عوامل اقتصادی (وقوع تورم در آینده‌ای نزدیک) تفسیر خواهد شد و کاهش آن یک خبر خوب. توضیح بیشتر اینکه دولت در مواجهه با بازار ارز، راهبرد ممانعت از افزایش نرخ ارز را به‌رغم رشد قابل توجه نقدینگی و کاهش بهره‌وری به طور ضمنی دنبال می‌کند و زمانیکه نرخ ارز افزایش می‌یابد، غالب عوامل اقتصادی آن را به عنوان یک خبر بد تلقی می‌کنند. این گزارش با اشاره به اینکه «راهبرد ممانعت از افزایش نرخ ارز بدون توجه به شرایط اقتصادی و متغیرهای اقتصاد کلان که توسط غالب دولت‌ها دنبال شده، پیامدهای بسیار منفی نظیر تضعیف تولید داخلی و وابستگی آن به واردات به همراه داشته» در ادامه آورده است:

نمودار ۱. روند نرخ ارز و سایر متغیرهای اسمی^۱



«کاهش توان رقابت و فروش کالای ایرانی در بازارهای جهانی و در نتیجه تضعیف صادرات و کاهش تولید، کاهش توان رقابت کالای ایرانی با محصولات وارداتی در داخل کشور و در نتیجه تقویت واردات و تضعیف تولید (کاهش تولید یا عدم تولید به دلیل عدم صرفه اقتصادی) و همچنین ایجاد ناطمینانی و بی ثباتی اقتصاد کلان به دلیل ممانعت از تعدیل تدریجی ارز که منجر به تشدید اثر شوک‌های ارزی وارده خواهد شد» از جمله پیامدهای این سیاست است. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، «کاهش توان درآمدزایی ارزی در کنار افزایش مصارف ارزی و هدررفت ذخایر ارزی و به تبع تضعیف قدرت چانه‌زنی کشور در تعاملات بین‌المللی» از دیگر پیامدهای سیاست ارزی عنوان شده است. در عین حال به این نکته اشاره شده، که ممانعت از افزایش نرخ ارزی، در حالیکه وضعیت متغیرهای بنیادین نظیر رشد اقتصادی و رشد نقدینگی مستلزم افزایش آن هستند، در دو مقطع بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد؛ در مقطع اول که بانک مرکزی ذخایر ارزی کافی برای مداخله دارد و نرخ ارز را سرکوب می‌کند، منجر به تضعیف تولید داخلی و



مسیر اصلی تقویت ارزش پول ملی، کنترل تورم و تقویت بهره‌وری و ایجاد رشد بالا و پایدار اقتصادی است که از قضا راهبرد تثبیت نرخ ارزی خود یکی از موانع تحقق آن به شمار می‌رود

عدم امکان رقابت آن با محصولات خارجی در داخل کشور و همچنین از دست دادن بازارهای صادراتی می‌شود. براساس تحلیل کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس، این راهبرد با تضعیف صادرات و ترغیب واردات (کاهش عرضه ارز حاصل از صادرات و افزایش تقاضای ارز بابت واردات) و همچنین تزریق ارز به بازار برای جلوگیری از افزایش نرخ، در مقطع اول ذخایر ارزی کشور را نیز کاهش می‌دهد؛ در مقطع دوم که با عدم



مدیریت صحیح ذخایر ارزی یا کاهش درآمد ارزی کشور ناشی از شوک خارجی، امکان تزریق مداوم ارز به بازار از بین می‌رود، جهش ارزی و افزایش نااطمینانی و بی‌ثباتی در اقتصاد کلان به وقوع پیوسته و ناکامی در راهبرد دولت‌ها به وجود می‌آید. به عبارت روشن‌تر، در شرایطی که کشور از تورم بالا و سایر عوامل بنیادین مؤثر بر کاهش ارزش پول ملی رنج می‌برد، توفیق در این راهبرد، مقارن با تضعیف بخش واقعی اقتصاد و کاهش صادرات و افزایش واردات کشور خواهد بود و از آنجایی که منابع ارزی کشور محدود است و شوک‌های نفتی این محدودیت را تشدید می‌کند، به جای افزایش تدریجی، جهش ارزی اتفاق افتاده و لطمه بیشتری به ثبات اقتصاد کلان وارد می‌شود.

راهکار حفظ ارزش پول ملی؟

حال از آنجایی که برون‌گرایی یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی عنوان شده و برنامه ششم توسعه نیز تقویت رقابت پذیری محصولات داخلی را الزام کرده است، با عنایت به پیامدهایی که تثبیت نرخ ارز اسمی بر کاهش قدرت رقابت پذیری محصولات صادراتی و ترغیب واردات به کشور دارد، نمی‌توان تثبیت نرخ ارز اسمی را با اسناد بالادستی و سیاست‌های تجاری همسو و سازگار دانست. افزون بر این، راهکار حفظ ارزش پول ملی، ممانعت از افزایش نرخ ارز اسمی نیست؛ بلکه افزایش نرخ ارز، معلول و بروز بیرونی کاهش ارزش پول ملی است که به دلیل ناترازی‌های ساختاری موجب رشد نقدینگی بدون تناسب با بنیان‌های اقتصادی و کاهش بهره‌وری به اقتصاد تحمیل می‌شود. با رفع این ناترازی‌ها، نیروهایی که نرخ ارز را به سوی افزایش سوق می‌دهند، تحت کنترل درآمده و نیازی به تزریق گسترده ذخایر ارزی و تلاش همواره ناموفق برای جلوگیری از افزایش نرخ ارز اسمی نیست. به عبارت روشن‌تر مسیر اصلی تقویت ارزش پول ملی، کنترل تورم و تقویت بهره‌وری و ایجاد رشد بالا و پایدار اقتصادی است که از قضاء راهبرد تثبیت نرخ ارز اسمی خود یکی از موانع تحقق آن به شمار می‌رود.

چهار نکته برای سیاستگذاری ارزی

نکته اول و مهم در سیاستگذاری بهینه در بازار ارز این است که به جای نرخ ارز اسمی، روند نرخ ارز حقیقی مؤثر باید مبنای قرار بگیرد؛ به این معنا که دولت و حاکمیت باید نسبت به تغییرات

نرخ ارز حقیقی واکنش نشان دهند نه صرفاً نرخ ارز اسمی. نکته دوم در سیاستگذاری بهینه در بازار ارز این است که از آنجاییکه نرخ ارز مهمترین متغیر مؤثر بر تراز پرداخت‌ها شامل تجارت و مالیه بین الملل است، راهبرد بازار ارز باید تابعی از سیاست‌ها و راهبردهای تجاری و مالی کشور باشد.

نرخ ارز حقیقی توسط برخی از کشورها افزایش داده می‌شود (ارزش پول ملی را کاهش می‌دهند) به این دلیل که راهبرد تجاری و مالی آنها افزایش صادرات و تقویت رقابت پذیری محصولات صادراتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. سیاست‌های کلان اقتصادی کشور، راهبرد تجاری و مالی کشور را به شرح زیر تعیین کرده اند. ۱. برون‌گرایی به عنوان یکی از اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تعیین شده است؛ ۲. بند ۱۲ اقتصاد مقاومتی بر حمایت همه جانبه و هدفمند از صادرات کالاها و خدمات و استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات کالاها تأکید می‌کند؛ ۳. برنامه ششم توسعه نیز صادرات غیرنفتی در ۱۴۰۰ را معادل ۱۱۲ میلیارد دلار هدف‌گذاری کرده است و در بند «ذ» ماده ۴ نیز بر اصلاح سیاست‌های ارزی و تعرفه‌ای در راستای ارتقای رقابت‌پذیری کالاها داخلی برای صادرات تأکید کرده است.

بنابراین تردیدی وجود ندارد که برون‌گرایی، توسعه صادرات غیرنفتی و تقویت تولید داخلی، مهمترین مشخصه راهبردهای اقتصادی ایران است و به طور صریح بر اصلاح نظام ارزی برای ارتقای رقابت‌پذیری محصولات داخلی تأکید شده و رویه فعلی مواجه با بازار ارز (تثبیت نرخ ارز اسمی) مغایر با راهبرد اقتصادی کشور است.

نکته سوم و حائز اهمیت در سیاستگذاری بهینه در بازار ارز این است که نرخ ارز اسمی در ایران یک لنگر اسمی بوده و همگرایی بالایی با تورم کوتاه مدت دارد. اقتضای این موضوع این است که تغییر راهبرد در بازار ارز و وانهادن راهبرد تثبیت نرخ ارز اسمی، نیازمند پیش‌نیازهایی و تمهید مقدماتی برای ایجاد یک لنگر اسمی جایگزین است. نکته پایانی در خصوص سیاستگذاری بهینه در بازار ارز این است که از آنجاییکه نوسانات نرخ ارز اسمی نیز در تصمیم‌گیری‌های فعالان اقتصادی اخلاص ایجاد می‌کند، بانک مرکزی لازم است نوسانات حول روند نرخ ارز را حداقل کند، که در این راستا ایجاد نهادها و ابزارهای مالی ارز پایه را می‌توان پیشنهاد کرد.



دلارزدایی از صنعت شدنی نیست

محمد رضا حسینی

عضو اتاق بازرگانی خراسان رضوی

سال‌ها است که با دلار ارتباط تنگاتنگ دارد. به عنوان نمونه، در رابطه با فولاد همچنان شاهد این هستیم که شرکت‌های فولادی بزرگ در کشور محصولات تولیدی خود را مطابق با نرخ بازارهای جهانی و بر اساس دلار با صنایع داخلی محاسبه می‌کنند یا در صنعتی همچون خودرو، قیمت مواد اولیه و هر قطعه‌ای که در تولید خودرو استفاده می‌شود، با دلار در ارتباط است. حتی تعرفه‌ها و قیمت‌هایی که در سامانه گمرک درج شده نیز بر اساس دلار است. در واقع دلار یکی از ارزش‌های قدرتمند در جهان است که بسیاری از ارتباطات اقتصادی به وسیله این ارز انجام می‌شود. در شرایط فعلی علاوه بر مواد اولیه، بیشتر دستگاه‌ها و ماشین‌آلاتی که در کارخانه‌های کشور ما استفاده می‌شود نیز از خارج کشور وارد شده و به دلار و سایر ارزها وابسته است. بنابراین قطع ارتباط اقتصاد ایران با دلار یا سایر ارزها ایده‌ای نیست که بتوان به سرعت آن را عملی کرد و مستلزم این است که نیاز کشور برای تولیدات داخلی به واردات به حداقل میزان

وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت سیزدهم در حالی خارج کردن اقتصاد از دلاری بودن را به عنوان ایده جدید این وزارتخانه مطرح می‌کند که در گذشته نیز بارها با اعلام این اظهار نظر از سوی مسوولان مختلف کشور مواجه بودیم اما واقعیت این است که تلاش برای حذف دلار سیاستی شکست خورده است که در شرایط فعلی نمی‌تواند کمکی به وضعیت اقتصاد کشور کند. از این رو، به نظر می‌رسد، در حال حاضر به جای اینکه بار دیگر مسیرهایی را در پیش بگیریم که در گذشته ناموفق بوده است، باید روی مباحثی همچون ثبات نرخ ارز و کاهش دخالت دولت در بازارها تمرکز کنیم.

سیدرضا فاطمی امین البته پیش از این نیز در اظهار نظری اعلام کرده بود که مسیر دلارزدایی از اقتصاد ایران سهل الوصول است. او اما حالا درست در زمانی اعلام می‌کند که حذف قیمت دلاری و قطع ارتباط دلار با برخی صنایع همچون فولاد اتفاق افتاده است که قیمت مواد اولیه صنایع مختلف در کشور ما

برسد. نکته قابل تامل اینکه مبادلات ارزی و نقل و انتقالات مالی در شرایط کنونی با ریال امکان پذیر نیست و این موضوع به جای گسترش ارتباطات مالی با دنیا به انزوای کشور می انجامد در این خصوص البته مواردی همچون استفاده از ارز ملی برای تبادلات تجاری با برخی کشورها همچون ترکیه در سال گذشته مدنظر قرار گرفت و در دولت قبل بارها پیشنهاد تجارت بین دو کشور با ریال و لیر مطرح شد، اما در نهایت توجهی به آن نشد و این اقدام چندان جنبه عملیاتی پیدا نکرد. با این حال احسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز پیش از این درباره حذف دلار از مبادلات کشور پیشنهادهایی را مطرح کرده بود و حتی صحبت‌هایی در مورد معاملات تهاتری به میان آمده بود. این در حالی است که معاملات تهاتری نیز در حال حاضر که تکلیف ایران برای پیوستن به «اف ای تی اف» مشخص نشده، نمی تواند کاری از پیش ببرد؛ چرا که از یک سو بانک‌ها در بیشتر کشورهای دنیا در اختیار بخش خصوصی قرار دارند و دولت در این کشورها نمی تواند بانک‌ها را مجاب کند که تهاتر با بانک‌های ایرانی را بپذیرند و از سوی دیگر این بانک‌ها در صورتی که متوجه شوند بانک‌های ایرانی عضو FATF نیستند، با آنها کار نمی کنند. بنابراین ایده حذف دلار از مبادلات اقتصادی و قطع وابستگی

صنعت کشور به این ارز جهانی نه تنها در شرایط کنونی به صورت کلی عملی نیست بلکه موضوعی فرعی است که نمی تواند کمکی به فعالان اقتصادی کند. از این رو بهتر است که در شرایط کنونی دولت به جای تمرکز بر حذف دلار، نرخ ارز را به ثبات برساند و اجازه دهد که بازار با سیستم عرضه و تقاضا نرخ مشخصی را تعیین کند تا فعالان اقتصادی بتوانند برای آینده خود پیش بینی‌های لازم را انجام دهند. در حال حاضر بانک مرکزی و سایر دستگاه‌ها با بازسازی و دخالتی که در بازار انجام می دهند، باعث می شوند که نوسانات زیادی در بازار ایجاد شود و نرخ واقعی دلار خودش را نشان ندهد. در واقع سال‌هاست که در دولت‌های مختلف شاهد این هستیم که مسوولان با ارزشیابی، نرخ ارز را ثابت نگه می دارند و بعد از مدتی که ذخیره ارزی تمام می شود، فتر ارز در می رود و کمبود عرضه و جهش بالای نرخ ارز، بازارهای مختلف را دچار نوسان و چالش می کند. سخن پایانی اینکه از دولت جدید انتظار می رود به جای تمرکز بر سیاست‌های ناموفق، دخالت خود در بازارها را کاهش دهد و با افزایش نقش نظارتی، شرایط را برای رفع موانع، جهش تولید و بهبود محیط کسب و کار مهیا کند تا فعالان بخش خصوصی بتوانند پتانسیل‌های خود را در حوزه اقتصاد نمایان کنند.





فصل سوم
بازار پول و سرمایه



علی عساری
کارشناس
بازار سرمایه

از آنجایی که دولت سیزدهم وعده حمایت از بازار سرمایه، ساخت مسکن و حمایت از تولید را داده است، می‌توانیم بازار سرمایه را در ماه‌های باقی مانده تا پایان سال جاری، یک بازار مثبت پیش بینی کنیم. بازار سرمایه اگرچه در ابتدای سال ۱۴۰۰ از رشد نسبتاً خوبی برخوردار بود و شاهد این بودیم که حمایت‌های خوبی از بازار سرمایه انجام گرفت، اما به نظر می‌رسد که در نیمه دوم سال جاری بازار سرمایه بیشتر از نرخ دلار تبعیت خواهد کرد. به این معنا که با افزایش و یا کاهش نرخ دلار، بازار سرمایه می‌تواند به شدت سوگیری و جهت‌گیری نسبت به نرخ دلار از خود نشان دهد که البته میزان نرخ دلار هم در گرو مذاکرات برجام است. همانطور که با انتشار کوچکترین اخباری از برجام، شاهد این هستیم که نرخ دلار تغییر می‌کند. از این رو اخبار ضد و نقیضی که درباره به نتیجه رسیدن مذاکرات برجام منتشر می‌شود، تاثیر مهمی بر روند بازار و احتمالاً اثرگذاری در نرخ ارز خواهد گذاشت. ضمن اینکه ناآرامی‌ها در کشور افغانستان می‌تواند در نرخ دلار و ثبات بازار تغییرات بسیار مهمی را به دنبال داشته باشد. با این حال

با توجه به اینکه از دیدگاه من، چشم انداز چندان مثبتی برای احیای برجام دیده نمی‌شود، بازار سرمایه در نیمه دوم سال جاری می‌تواند در اولویت‌های دوم، سوم و یا چهارم برای سرمایه‌گذاری باشد و در مقایسه با دیگر بازارها، به نظر می‌رسد که از جایگاه اول برای سرمایه‌گذاری برخوردار نباشد. با نگاه به این متغیرها، توصیه ما در نیمه دوم امسال به همه افراد این است که با شناسایی حد سود و به صورت موقت، شناسایی سود را انجام دهند و از سهام خارج شوند و سودهای کوتاه مدت را به کار بگیرند. در عین حال دیدگاه بلندمدتی نسبت به بازار سرمایه نداشته باشند. دیدگاه بلندمدت به این مفهوم که سهامی را خریداری کنند و در سال آینده بخواهند این سهام را باز کنند. چرا که به یقین این دیدگاه حداقل در نیمه دوم امسال دیدگاه درست و صحیحی نخواهد بود. عامل دیگر این است که ممکن است شاخص کل عدد بالایی را ببیند، اما باید ببینیم که این اعداد تاثیری در پورتفولیو سهام‌داران دارد یا خیر. این اعداد بالا ممکن است به واسطه اضافه شدن عرضه اولیه‌ها یا اتفاقاتی باشد که در بورس به وقوع می‌پیوندد، اما در نهایت تاثیر مستقیمی بر پورتفوی افراد نداشته باشد. به طور کلی و در یک جمله در نیمه دوم سال جاری، احتیاط را شرط عقل برای بازار سرمایه می‌بینم.

احتیاط بورسی در نیمه دوم

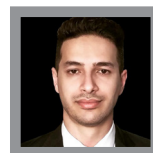




دو سناریو برای بازارهای مالی

شروع به کار می‌کند که اقتصاد کشور دچار مشکلات عدیده‌ای است، اما برخلاف گفته‌ها که بخش عمده این مشکلات را متوجه دولت قبل می‌دانند باید توجه کرد، تمامی این اشکالات ساختاری در اقتصاد ایران ظرف ۵۰ سال قبل البته با شدت‌های متفاوت وجود داشته و فقط به واسطه تشدید تحریم‌ها و وخامت اوضاع امروزه عیان و ملموس شده است. تورم افسار گسیخته، کسری بودجه بسیار بالا، حجم نقدینگی سرسام آور و تولید ناخالص ملی بسیار ضعیف را می‌توان از جمله این مشکلات برشمرد. در برهه کنونی مهار تورم و کنترل حجم نقدینگی بزرگترین چالش دولت خواهد بود. سیاست پولی و سیاست مالی دو ابزار شناخته شده مورد استفاده برای تأثیرگذاری بر فعالیت اقتصادی یک کشور اشاره دارد. اصلاح سیاست مالی و کسری بودجه پیش شرط کنترل تورم است. گام دیگر، سیاست گذاری صحیح پولی و کنترل نقدینگی و پایه پولی است که این موضوع روی نرخ تورم و نرخ ارز نیز موثر است. ابزارهای پولی و مالی برای کنترل نقدینگی شامل «فروش اوراق، کنترل نرخ سود بانکی، کاهش سرعت گردش پول، نظارت بر عملکرد بانک‌ها و حذف بنگاهداری بانک‌ها» است. عدم تنظیم یک سیاست پولی و مالی متناسب با شرایط کشور، همانطور که

آنچه تا به امروز به چشم می‌خورد، نبود یک سخنگوی واحد اقتصادی در دولت سیزدهم است و بعضاً هر مسئولی در تیم اقتصادی به مردم وعده‌های عجیب مانند افزایش یارانه‌ها، ساخت گسترده مسکن و ایجاد اشتغال می‌دهند اما در مقابل اعلام نمی‌شود چطور و چگونه قرار است به این وعده‌ها جامه عمل بپوشانند؟ آن هم زمانی که حتی بودجه امسال هم با حدود ۵۰ درصد کسری مواجه است و اگر دولت بتواند وضع موجود را هم حفظ کند هنر کرده است! اما نکته مهم اینجاست که چگونه می‌توان به این مشکلات رسیدگی و به وعده‌ها جامه عمل پوشاند. علاوه بر آن، مهم‌ترین مسئله‌ای که در ارتباط با مشکل بیکاری و تورم وجود دارد، مسأله سرمایه‌گذاری است. بدون سرمایه‌گذاری شغل ایجاد نمی‌شود و در اقتصادی که ثبات و جذابیت برای سرمایه‌گذاری مولد وجود نداشته باشد، بدون شک شاهد ورود نقدینگی به سمت بازارهای سفته‌بازی و غیر مولد خواهیم بود. از این منظر باید پذیرفت، تیم اقتصادی دولت سیزدهم در حالی



سعید درویش
تحلیلگر اقتصادی

امروز شاهد آن هستیم یا منجر به رشد نقدینگی افسارگسیخته خواهد شد و یا اینکه رکود را در پی خواهد داشت. در حوزه اقتصاد کلان برداشتن گام‌های مهم برای ایجاد ثبات اقتصادی و کاهش دامنه نوسانات از اولویت‌های اصلی دولت جدید عنوان شده است. باید دقت کرد، بالا بودن نوسان در بازارهای پولی و مالی نشانگر سردرگمی سرمایه‌گذاران و به علت ابهام در سیاست‌های داخلی و خارجی کشور است. سرمایه‌گذاران هنوز از سیاست‌های جدید ارزی دولت ابراهیم رئیسی، شکل تخصیص منابع ارزی یا سایر برنامه‌های آن شناختی ندارند و بنابراین تحت تاثیر اخبار و سیگنال‌های خبری روزمره قرار می‌گیرند. از طرفی امکان تحقق شعارهای اعلامی از سوی دولت رئیسی یعنی احداث یک میلیون واحد مسکونی در یک سال و ایجاد یک میلیون فرصت شغلی در هر سال در کنار افزایش ظرفیت تولید و همچنین تحقق اهداف پیش‌بینی شده برای صادرات غیرنفتی در گرو روشن شدن سیاست‌های پولی کشور است. البته با توجه به تجربه قبل در حوزه مسکن که با نام «مسکن مهر» شناخته می‌شود که با گذشت نزدیک به ۱۴ سال هنوز ۳۸ هزار خانه تکمیل نشده و ۲۵ هزار بدون متقاضی است، دنبال کردن وعده ساخت و تحویل ۴ میلیون مسکن غیر ضرور به نظر می‌رسد. در اصل مشکل کمبود مسکن نیست بلکه کاهش قدرت خرید مردم است این دست وعده‌ها به نوعی پاک کردن صورت مسئله است. اگر قبول کنیم این وعده‌امکان عملیاتی شدن داشته باشد، در این صورت با توجه به واقعیات امروز کشور قطعاً باعث افزایش حجم نقدینگی و در بلندمدت باعث افزایش تورم خواهد شد. از طرفی برخلاف تصور سیاستمداران، اجرای این وعده ضمن اتلاف چندین ساله منابع کشور، موجب کاهش مواد اولیه تولید مسکن و در نتیجه افزایش قیمت آن می‌شود. ضمناً رکودی که این حجم از ساخت و ساز برای بازار ملک و مسکن بوجود می‌آورد ممکن است باعث کوچ حجم وسیعی از نقدینگی شود و آن را وارد بازارهایی مثل ارز کند که این حتماً افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را در پی خواهد داشت. هر چند بنا بر داده‌های سال‌های گذشته روند کلی اقتصاد ایران همواره تورمی بوده است اما نباید فراموش کرد با در نظر گرفتن این روند، در سال‌های ۹۲ تا ۹۶ سرمایه‌گذاران متحمل زیان در کلیه بازارهای سرمایه پذیر مانند «دلار، طلا، بورس و مسکن» شدند. در بازه زمانی اشاره شده، سیاست مالی انقباضی سنگینی در دستور کار دولت وقت قرار گرفت و همین امر سبب شد کلیه بازارها فریز شده و وارد دوره رکود پایداری شوند. در اصل این سیاست دولت است که مسیر حرکت را مشخص می‌کند و به همین سبب، پیش‌بینی روند آینده بازار ارز به ویژه دلار، توجه به سیاست خارجی، سیاست‌های پولی و جهت‌گیری انتظارات تورمی اهمیت

بسیار ویژه‌ای دارد. با فرض به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای و حل نسبی اختلافات در بحث سیاست خارجی، اگر دولت تصمیم به اتخاذ سیاست انقباضی پولی بگیرد به رغم وجود چشم‌انداز تورمی شاهد ورود بازارها به فاز رکودی و حتی زیان‌دهی برخی بازارهای مالی خواهیم بود و در خوش‌بینانه‌ترین حالت نرخ دلار در محدوده فعلی باقی خواهد ماند.

از طرف دیگر اگر اتفاق مثبتی در زمینه مذاکرات هسته‌ای رخ ندهد و دولت بخواهد سیاست انبساطی پولی را در دستور کار قرار دهد با شرایطی کاملاً متفاوت روبرو خواهیم بود. در چنین حالتی رسیدن به قیمت‌های بالاتر برای دلار و دیگر بازارهای مالی مورد انتظار است. به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای و حل مسئله FATF منهای شرایط و روند دائمی اقتصاد ایران، می‌تواند تاثیری ۲ تا ۳ ساله بر جای بگذارد و تا حدود اوضاع را تلطیف کند. در واقع این امر سبب افزایش فروش نفت ایران و بزرگ شدن کیک اقتصاد شده و نهایتاً داده‌های اقتصادی را دستخوش تغییر خواهد کرد که منجر به رشد تولید ناخالص داخلی خواهد شد. از طرفی آزادی منابع بلوکه شده ایران، که البته بخشی از آن قبلاً به صورت منابع ریالی هزینه شده هم می‌تواند کمک کننده باشد. اما برخلاف اظهار نظر سیاستمداران مبنی بر شروع مذاکرات از محل پایان دور قبلی آن، به نظر می‌رسد مذاکرات مجدداً از ابتدا شروع شود. با توجه به ترکیب وزرای دولت جدید و ترکیب مذاکره‌کنندگان که برای به اصطلاح دور زدن تحریم‌ها بهره‌چینی شده است و نه رفع تحریم‌ها پس می‌توان گفت دور جدید مذاکرات سخت، پیچیده و طولانی خواهد بود و حداقل تا پایان سال به نتیجه ملموسی نخواهد رسید. با این‌همه، ریشه بخش دیگری از مشکلات اقتصادی کشور را می‌توان در سیاست‌های ایجادکننده رانت یعنی چند نرخ بودن ارز و یا ایجاد انحصار در هر بازاری دانست. چندنرخ‌نگه‌داشتن ارز نه تنها گرهی از مشکلات اقتصادی کشور باز نمی‌کند بلکه حتی خود باعث تخریب اقتصاد و ایجاد رانت و فساد بدون آورده‌ای ملموس که ما نمونه‌های آن را در سال‌های گذشته بارها شاهد بوده‌ایم می‌شود. دلار که در چند دهه گذشته ایران معمولاً با چند نرخ عرضه می‌شود، دوران تک‌نرخ را هم به خود دیده است، اما در عمل و به دلایل شرایط کلان سیاسی و اقتصادی این موضوع دوام نداشته است. هم‌اکنون «بیکاری، تورم و کاهش ارزش پول ملی» فشار سنگینی را بر مردم تحمیل کرده است که دولت جدید باید به این امور رسیدگی کند. دولت جدید باید دولتی واقع‌گرا باشد و از رفتارهای پوپولیستی آمیخته با شعار پرهیز کند تا بتواند از این شرایط بسیار سخت عبور کند.



چشم‌بوری‌ها به تصمیمات پاستور

آینده مبهم بورس در نیمه دوم

بازدهی شاخص و صنایع بورسی، در نیمه نخست ۱۴۰۰ نشان می‌دهد، بازدهی شاخص کل ۶،۴۵ درصد بوده، اما به صورت میانگین وضعیت بازار منفی گزارش می‌شود و صنایع نیز بازدهی منفی داشتند. برخلاف وضعیت شاخص کل بورس تهران که بازدهی بالاتر از ۶ درصدی را نشان می‌دهد، وضعیت صنایع بورسی چیز دیگری را نمایش می‌دهند. به طوریکه ۶۰ درصد بازار گویای آن است، صنایع بورسی در مجموع در ۶ ماه گذشته دارای بازدهی منفی بیش از ۴ درصدی بودند. بنابراین این مساله گویای آن است که بازارساز ترجیح داده، بازار را تنها با شاخص کل نمایش داده و هیچ اعتنایی به وضعیت کلی بازار نداشته باشد.

ابهام در نیمه دوم

بازار سرمایه به عنوان دماسنج اقتصاد کشورها است. کشوری که دارای اقتصاد بزرگ، با ثبات و قوی است دارای بازار سرمایه قوی و باثباتی است که سرمایه‌گذاری در آن دارای ریسک مناسبی است، اما در کشورهایی که با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند، وضعیت بازار سرمایه نیز مبهم است. در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۲۰ که دنیا با مشکلات جدی اقتصادی مواجه شد، بازار سرمایه کشورهای جهان نیز با دست‌اندازه‌های جدی مواجه شد. طبیعتاً این وضعیت در ایران نیز تکرار می‌شود. از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر اقتصاد ایران «ارزش پول ملی و تورم» است. بر اساس تحولاتی که در سال‌های اخیر در قیمت ارزها در

فضای سیاسی و اقتصادی ایران در نیمه نخست سال جاری با تحولات زیادی مواجه شد، که بازارهای مالی و پولی را تحت تاثیر خود قرار داد. بازار سرمایه از جمله بازارهایی بود که روزهای چندان خوشی را پشت سرنگذاشت و از رونق در آن خبری نبود. بازاری که تنها به نوسانات محدود بسنده کرد و بازدهی چندان برای اهالی بازار سرمایه نداشت. تا جایی که در نخستین روز معاملاتی سال جاری شاخص کل یک میلیون و ۲۱۰ هزار واحد بود، اما طی روزهایی در شش ماه گذشته، به بالاتر از یک میلیون و پانصد هزار واحد رسید و سرانجام، در آخرین روز کاری شهریور ۱۴۰۰، به یک میلیون و ۳۹۲ هزار واحد عقب‌نشینی کرد. در همین حال وضعیت

شاخص کل را تا ۲ میلیون واحد می بینند.

دولت باید تصمیم سازی کند

اما ببینیم که تحلیل گران بازار سرمایه چه وضعیتی را برای بورس تهران در نیمه دوم سال جاری متصور هستند. «محمد شمس» کارشناس اقتصادی، در این باره به «بازار پول»

جدول بازدهی صنایع بورسی در ۶ ماهه اول سال ۱۴۰۰ (تاریخ انتشار ۳۱ شهریور ماه ۱۴۰۰)

شاخص	بازده هفته %	بازده ماه %	بازده ۳ ماه %	بازده ۶ ماه %	بازده سال %
محصولات کاغذ	-۱۲,۵۸	-۲,۴۲	۲,۹۹	-۲۶,۰۴	-۵۷,۰۲
فنی مهندسی	-۶,۹۸	-۶,۹۳	۳۳,۱	-۳,۱۱	-۲,۷۸
تأمین آب، برق، گاز	۱,۷۷	۳,۳	۵۰,۱۳	۳۷,۰۴	۲۱,۲۶
کاشی و سرامیک	-۵,۶۵	۶,۴	-۳,۶۶	-۲۴,۱۹	۲,۲۳
فلزات اساسی	-۶,۷۷	-۸,۵	۱۳,۴۶	۱۰,۵۳	-۱۲,۴۸
شیمیایی	-۵,۴۶	-۸,۰۲	۳۰,۴۳	۲۷,۲۶	۷,۴۵
دستگاههای برقی	-۱۰,۸۹	-۳,۵۵	۲,۳۳	-۹,۷۳	-۱۹,۹۷
سرمایه گذاریها	-۴,۲۵	-۷,۵۲	-۱۰,۲۵	-۱۹,۱	-۳۱,۶۶
زراعت	-۱۳,۷۹	-۱,۰۱	۳۲,۸۸	۸,۳۲	۳۵,۷۹
لاستیک	-۱۱,۶۴	-۱۶,۵۴	۰,۱۸	-۱۴,۳۳	-۴,۸۶
چند رشته ای	-۷,۱۹	-۱۲,۶۳	۱۶,۴۱	۷,۴۷	-۲۲,۲۷
رادیویی	-۸,۹۳	-۳,۴۴	۲۱,۰۷	-۹,۳۶	-۴۶,۱۷
محصولات چوبی	-۹,۹۲	-۱۶,۹۸	-۲۱,۹۷	-۴۹,۶۵	-۳۹,۳
بیمه و بازنشسته	-۷,۸	-۱,۹۶	۱۹,۸۶	۲	۶,۵۱
منسوجات	-۱۲,۹۸	-۲۹,۵۷	۱۹,۷۸	-۵,۶	۳۶,۹
مالی	-۵,۷۹	-۷,۷۵	-۵,۱۹	-۱۱,۸۶	-۲۴,۶۳
ابزار پزشکی	-	-	-	-	-
اداره بازارهای مالی	-۲,۳۹	۵,۲۲	۳۱,۱۴	۹,۶۲	-۱۷,۷۲
سایر معادن	۲۵,۵	۲۵,۵	۷۰,۰۷	۲۲,۷۴	-۱۷,۲۱
استخراج نفت	-۱۱,۰۱	-۱۶,۵۵	-۸,۹۵	-۲۳,۹۷	-۱۴,۹۱
خرده فروشی به جز وسایل نقلیه	-۱۰,۶۴	-۱۰,۹۲	-۹,۸۹	-۱۸,۹۸	-۱۵,۲
محصولات چرمی	۹,۶۳	۴۵,۸۵	۹۶,۶	۴۳,۱۴	-۵۴,۷۳
سیمان	-۷,۷۴	-۱۲,۹	۲	-۱۳,۰۹	۱,۸۴
بانکها	-۷,۴۱	-۱۰,۷۹	-۶,۹۷	-۸,۷۳	-۲۲,۳۸
شاخص چوب	-۱۵,۲	-۱۰,۲۷	۶,۵۳	-۳۷,۹۱	۴۵,۱
شاخص فنی مهندسی	-۹,۲۴	-۱۱,۷۶	۹,۶۳	-۹,۹۶	-۲۳,۰۱
شاخص لاستیک	-۶,۱۷	-۷,۴۳	۱۰,۲۷	۳,۴	-۳۶,۴
محصولات فلزی	-۶,۳۱	-۴,۵۲	۳,۶۱	-۱۱,۴۷	-۲۷,۳۲
مواد دارویی	-۶,۷۵	۱,۰۳	۲۱,۱۴	۷,۲۶	۴,۱۲
انبوه سازی	-۱۱,۲۶	-۷,۹۸	-۱,۰۹	-۱۳,۶	-۴۵,۱۴
رایانه	-۷,۰۶	-۱,۲۱	۱۱,۰۵	۰,۷۸	۸,۴۳
ماشین آلات	-۳,۲۴	۴,۳۴	۱۴,۹۱	-۶,۴۳	-۱۴,۴۱
فراورده نفتی	-۶,۷۴	-۰,۶۵	۲۰,۷	۷,۵۱	-۲۳,۸
کانه فلزی	-۱۱,۷۱	-۱۳,۷۸	۲۰,۵۲	۲۳,۷۲	۱۶,۶۵
کانی غیر فلزی	-۷,۱۱	-۳,۱۹	۹,۹۶	-۲۲,۸۹	-۲۱,۸
غذایی بجز قند	-۷,۵	-۵,۲۲	۴,۰۲	-۴,۷۵	-۷,۴۶
اطلاعات و ارتباطات	-۱۲,۱۳	-۱۷,۵۸	-۴,۰۶	-۲۱,۵۵	-۴۱,۲۴
ذغال سنگ	-۱۰,۳۴	-۱,۹۹	۲۵,۶۷	-۲۳,۳۳	۱۷,۵۹
خودرو	-۹,۹۶	-۱۰,۸۴	-۰,۸۸	-۲۱,۱۸	-۳۴,۸۳
قند و شکر	-۱,۰۴	-۶,۰۸	-۵,۲۳	-۲۶,۱۲	-۳۱,۸۹
مل و نقل	-۱۲,۸۹	-۱۶,۷۵	-۶	-۲۶	-۶۳,۵۳
وسایل ارتباطی	۹,۴۸	۷۶,۲۲	۱۱۲,۲۴	۷۷,۲۱	-۵۶,۶
سایر مالی	-۹,۴۷	-۸,۹	-۱۲,۹۳	-۲۴,۰۷	-۲۵,۵۹
انتشار و چاپ	-۷,۱۲	-۱۵,۶۶	-۱۳,۹۷	-۱۹,۸۸	-۵۰,۸۵

بازار داخلی رخ داده و تورمی که اوج گرفت، در نهایت در سال ۹۹ شاخص کل را به بالاتر از دو میلیون واحد رساند. اما در حال حاضر که وضعیت اقتصادی به دلیل رکود موجود با ثبات سلبی مواجه شده، نگاهها به تصمیمات دولت دوخته شده است.

از این رو، تحلیل گران و فعالان بازار سرمایه چشم به درب پاستور دوخته اند و هیچ اقدام بزرگی را انجام نمی دهند. این وضعیت اما نگرانی های زیادی نیز به همراه دارد. چرا که تصمیماتی مانند افزایش نرخ بهره، نتیجه مذاکرات هسته ای و نهایتاً ارزش پول ملی و نرخ دلار عواملی هستند که بازار سرمایه را با ابهام مواجه کرده اند و هر کدام از این عوامل خود سناریوی مختلفی را برای بازار سرمایه متصور کرده اند.

به عنوان نمونه توافق هسته ای و باز شدن درب اقتصادی ایران به جهان سبب رونق برخی از صنایع مانند بانکی و خودرویی و نفتی میشود، اما چنانچه توافقی رخ ندهد، سبب افزایش نرخ دلار و قیمت صنایع فلزی و غیره می شود. بنابراین فعالان بازار سرمایه به دلیل ابهام در تصمیمات دولت و برنامه آینده سیاسی و اقتصادی در حال حاضر با احتیاط زیادی حرکت می کنند.

خوش بینی به بورس تهران

با این حال، نتایج یک نظر سنجی صورت گرفته در فضای مجازی از ۱۰۰ فعال بازار سرمایه و کارشناس این حوزه، نشان از خوش بینی این افراد از رشد شاخص کل به سقف قبلی و حتی بالاتر از آن بوده است. این نظرسنجی که با سوال مشخصی مبنی بر اینکه شاخص کل را در شش ماه دوم در کدام کانال می بینید انجام شده، که ۳۹ درصد از این افراد معتقد بودند، شاخص کل در پایان شش ماهه دوم سال ۱۴۰۰ بالاتر از ۲ میلیون واحد خواهد بود. این در حالی است که برخی از کارشناسان نظر چندان مثبتی به رشد بازار ندارند و در نهایت

و سپس در مردادماه به بازدهی ۱۶ درصد رسید، در شهریورماه بازدهی شاخص کل بورس به حدود ۶ درصد تنزل یافت؛ باید گفت که شرایط در نیمه دوم سال کمی مبهم به نظر می‌رسد. مدیر عامل سیدگردان نیکان در ادامه به عوامل اثرگذار بر بازار سرمایه اشاره کرد که شامل مواردی چون «۱. عرضه‌های حجیم اوراق بدهی در بازار سرمایه که به دلیل جبران بخشی از کسری بودجه دولت صورت می‌گیرد؛ ۲. عرضه‌های بلوکی سهام عدالت؛ ۳. بحث ضمنی در سطح مسولین اقتصادی درباره افزایش نرخ بهره به منظور جمع‌آوری نقدینگی موجود در کشور برای کنترل تورم؛ ۴. چشم‌انداز توافقات هسته‌ای و حصول نتیجه در مذاکرات برجام و احتمال کاهش نرخ ارز؛ ۵. افت تولید ناخالص ملی کشور از ۴۴۵ میلیارد دلار در سال ۹۸ به ۱۹۲ میلیارد دلار در سال جاری؛ ۶. افزایش حجم نقدینگی در همین بازه زمان به میزان ۱۵۰ درصد، ۷. گمانه‌زنی از اعمال سیاست کنترل قیمت محصولات شرکت‌ها و صنایع در راستای کنترل تورم؛ ۸. کسری بودجه ۴۰۰ همتی در اقتصاد کشور.»

آقا بزرگی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه توصیه کرد: با توجه به در نظر گرفتن عوامل اثرگذار ذکر شده به نظر می‌رسد، برخلاف سال ۱۳۹۹ تکیه بیش از اندازه به سود ناشی از خرید و فروش اوراق بهادار بدون توجه به ارزش ذاتی و عایدات مستمر یکی از محورهای اصلی تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری در ۶ ماه دوم سال جاری باشد. به گفته او، به طور کلی سیاست مدیریت پرتفوی را می‌توان به ترتیب اولویت زیر برای نیمه دوم سال در نظر گرفت: «مدیریت ریسک نقدشوندگی پرتفوی؛ مدیریت ریسک بازدهی پرتفوی، و مدیریت ریسک آسیب‌پذیری پرتفوی ناشی از تصمیمات خلق الساعه.»

متغیرهای اثرگذار بر بازار

آقابزرگی پیش‌بینی کرد با ثابت فرض کردن سایر متغیرهای اثرگذار بر وضعیت اقتصادی کشور، می‌توان صنایع برتر را با محوریت استراتژی مدیریت پرتفوی سه‌گانه اشاره شده در بالا به شرح زیر طبقه‌بندی کرد: گروه اول: «صنایع ارزآور و خودکفا از حیث تامین مواد اولیه، پالایشگاهی، پتروشیمی، فولادی، فرآورده‌های معدنی و کانی.» گروه دوم: «شرکت‌های صنایع غذایی و دارویی، از نظر آزادسازی نرخ ارز برای تامین مواد اولیه و حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی.» گروه سوم: شرکت‌های صنعت بانک، بیمه، لیزینگ، تامین سرمایه، از نظر افزایش گردش مالی در نتیجه افزایش حاشیه سود عملیات.» گروه چهارم: شرکت‌هایی که بدلیل اجرای طرح‌های توسعه و یا بهبود و افزایش کارایی وضعیت تولید و

گفت: اینکه بتوان پیش‌بینی کرد، شاخص کل تا پایان سال در چه وضعیتی قرار خواهد داشت، دشوار است؛ اما با توجه به داده‌های اقتصادی و رفتار نامشخص دولت در حوزه نرخ بهره، بودجه و غیره می‌توان گفت که شاخص کل حدوداً روی سقف قبلی یعنی ۲ میلیون واحد توقف خواهد کرد. هرچند رسیدن به این نقطه خود نیز به شرایط مختلفی بستگی دارد.

این کارشناس بازار سرمایه درباره وابستگی بازار سرمایه به عوامل بیرونی و ریسک‌های سیستماتیک و غیر سیستماتیک اظهار کرد: اینکه کدام صنعت در ۶ ماه آینده با رشد مواجه می‌شود به چندین عامل بستگی دارد؛ نخست اینکه اگر توافقی در موضوع هسته‌ای رخ دهد، قطعا صنایع «پالایشی، پتروشیمی، خودرو، حمل و نقل دریایی و کشتیرانی و بانک‌ها» که مستقیماً به شرکت‌های خارجی و عوامل برون مرزی وابسته هستند، بسیار مثبت ارزیابی می‌شود. به گفته او، عامل دیگر این که ارزش پول ملی چقدر تقویت شود و نرخ ارزهایی مانند دلار چقدر ریزش کند. به عبارتی دیگر، این توافق بر نرخ ارز و ارزش پول ملی چقدر تاثیر دارد؛ اگر ارزها ریزشی باشند که معدنی‌ها و فلزات رشد چندانی نخواهند داشت و رشد صادرات آنها با کاهش ارزش دلار جبران می‌شود.

این کارشناس اقتصادی، به این سناریوی احتمالی که حاکمیت توافقی را در دستور کار خود قرار ندهد، اشاره کرد و گفت: در صورت عدم توافق نیز رشد سهام دلاری بسیار بالا خواهد بود. صنایع کامودیتی محور مانند فلزی‌ها و معدنی‌ها رشد بالایی خواهند داشت، اما مهم‌تر از توافق و مسیر حرکت ارزها و ارزش پول ملی توجه به برنامه دولت سیزدهم است. هنوز تحلیلگران و کارشناسان به این نتیجه نرسیدند که برنامه‌های دولت در آینده برای مسائل داخلی، اقتصادی و سیاست خارجی چیست؟ و این بی‌برنامگی سبب سردرگمی در تحلیل‌ها و آینده‌نگری شده است؛ چراکه کسری بودجه، رشد نقدینگی، تورم و مشکلات دیگری هم است که به راحتی حل‌شدنی نیستند. اگر دولت نرخ بهره را افزایش دهد که متأسفانه شنیده‌ها حکایت از این تصمیم‌گیری دارد، باید گفت که تاثیر منفی بر بازار خواهد داشت.

سرمایه‌گذاران مراقب باشند!

در همین حال، «فردین آقا بزرگی» فعال بازار سرمایه درباره آینده بازار سرمایه در ۶ ماهه دوم سال جاری به «بازار پول» گفت: بازار سرمایه در سال ۹۹، علیرغم سود و زیانی که برخی از فعالان تجربه کردند، آموزه‌های ارزشمندی نیز دربرداشت که سیر تکاملی توسعه و تعالی فرهنگ بازار سرمایه و تعمیق آن را سرعت و قوت بیشتری داد. با در نظر گرفتن شاخص کل بورس در ابتدای سال ۱۴۰۰ که تا پایان تیرماه روندی ثابت و بازدهی نزدیک به صفر داشت



مهمترین ابهام بازار سرمایه به چند مساله بر می گردد؛

نخست مذاکرات هسته ای و وضعیت پیش روی این مذاکرات و تاثیر آن بر نرخ دلار. موضوع دوم قیمت کامودیتی ها در سطح بین المللی است؛ چراکه بعضا روند کامودیتی ها در بازارهای جهانی مثبت ارزیابی نمی شود و ممکن است که شاهد اصلاح در این بازار باشیم

فروش به طور خاص و به دور از شرایط عمومی صنعت خود عملکرد مناسبی نسبت به دوره های قبل داشته اند.

او در نهایت تاکید کرد که چشم انداز ۶ ماهه دوم سال جاری را با محوریت «اثر تورم بر بازار سرمایه، گسیل نقدینگی سرشار به بازار سرمایه و اراده حاکمیت در حمایت از بازار سرمایه و احتمال ادامه روند افزایشی نرخ ارز» مثبت ارزیابی کرد. به گفته آقا بزرگی، از این رو، می توان انتظار داشت حداقل به میزان نرخ تورم ساختاری در بودجه ۱۴۰۰ که در محدود ۴۰ تا ۵۰ درصد برآورد می شود، رشدی حداقل به میزان ۴۰ درصد در شاخص کل و سطح عمومی قیمت ها در بورس را شاهد باشیم و به عبارتی دیگر، شاخص کل بورس، امکان افزایش تا محدوده یک میلیون و ۸۰۰ هزار واحد را دارد.

رشد شاخص به چه عواملی بستگی دارد؟

از سوی دیگر، «علی رضا پارسا» فعال بازار سرمایه نیز درباره ارزش شاخص کل در ماه های پیش رو، چندین سناریو را مطرح کرد. به گفته او، با توجه به وضعیت کامودیتی ها و دلار در بازار داخلی در شرایط فعلی باشند و خیلی افت نکنند، شاخص کل حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار واحد خواهد بود، اما برای اینکه شاخص کل بازار سرمایه به نرخ های بالایی برسد، به لحاظ فیزیکی به حجم بالای نقدینگی در بورس نیاز دارد؛ به عنوان نمونه، برای باقی ماندن شاخص به رقم بالاتر از یک میلیون و ۵۰۰ هزار واحد به حجم معاملاتی معادل ۱۰ هزار میلیارد ریال نیاز است. او در ادامه به این موضوع اشاره کرد که این روزها هنوز شاخص ورود پول حقیقی پر قدری نیستیم و حتی پول حقوقی ها نیز به صندوق ها حرکت کرده اند، بازار با حجم کمی مواجه است. در واقع شاخص در منطقه های حمایتی به خرید اقدام می کند و در یک نقطه ای خارج می شود؛ بنابراین اعتقاد بر این است که بازار با ابهامات زیادی مواجه است.

بنابر اظهارات این کارشناس، مهم ترین ابهام بازار سرمایه به چند مساله بر می گردد؛ نخست مذاکرات هسته ای و وضعیت پیش روی این مذاکرات و تاثیر آن بر نرخ دلار. موضوع دوم قیمت کامودیتی ها

در سطح بین المللی است؛ چراکه بعضا روند کامودیتی ها در بازارهای جهانی مثبت ارزیابی نمی شود و ممکن است که شاهد اصلاح در این بازار باشیم.

پارسا مهم ترین دغدغه فعالان بازار سرمایه را در حال حاضر، نگرانی از تصمیمات اقتصادی دولت سیزدهم عنوان کرد و گفت: هنوز برای فعالان بازار سرمایه مشخص نیست که این تصمیم چگونه خواهد بود. او با این حال، تاثیر ارکان بورس بر وضعیت بازار سرمایه را عمیق می داند و معتقد است که ارکان بورس در بدترین شرایط ممکن اقدام به عرضه اولیه می کند که در نهایت منجر به خروج سرمایه از این بازار می شود نه جذب سرمایه؛ چراکه اغلب سرمایه گذارانی که در ماه های اخیر به دلیل خوش بینی اندکی که ایجاد شده بود، سهم خریدند، اما با این رویه ارکان با ضرر مواجه شدند. از این منظر ممکن است به خروج از بازار اقدام کنند.

پارسا در ادامه اظهار کرد: البته این افراد حق دارند؛ چراکه در زمان اوج بازار شرکت های کوچک عرضه اولیه می شوند، اما در دوران رکود و روند نزولی بازار و زمانی که صف های فروش سنگینی وجود دارد، عرضه های اولیه سنگین انجام می شود و این برای سرمایه گذاران بازار سیگنال خروج است. او در مورد صنایع پربازده در ۶ ماهه دوم سال نیز در اظهاراتی گفت: صنایع داخلی و ریال محور ممکن است در ماه های پیش رو، بازدهی بهتری داشته باشند؛ صنایعی مانند «قند، کاشی و ساختمانی ها.» در واقع شرکت هایی که دارای پروژه های بزرگی هستند وضعیت خوبی خواهد داشت. به عبارتی، تک سهم ها طرفدار بیشتری خواهند داشت.

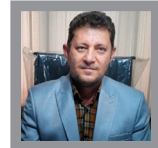
از بدبینی به بازار تا داغ شدن ریالی های بورس

از سوی دیگر، «کامران قزل گل» کارشناس بازار سرمایه معتقد است، نشانه های رکود در بازار سرمایه زیاد است؛ چراکه شاخص کل رشد خاصی نداشته و در محدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار واحد خواهد ماند. بنابه اظهارات او، بازار سرمایه ایران به دلیل اینکه تکنولوژی محور نیست و صرف تورم محور است؛ بنابراین با تغییر قیمت دلار، بورس و شاخص کل نیز همسو با آن حرکت می کند. اما به باور «محمد ناطقی» کارشناس بازار سرمایه، تحلیل ها حکایت از آن دارد که شاخص کل تا حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار واحد رشد خواهد کرد. به گفته او، با توجه به وضعیت پیش رو، در مسائل سیاسی این احتمال وجود دارد که جذاب ترین صنایع هم صنایع ریالی خواهد بود که شامل گروه «خودرویی، خرده فروشی، رایانه و فعالیت های وابسته، اطلاعات و ارتباطات و صنایع دارویی» هستند. با همه اینها باید منتظر ماند و دید که طی ماه های آتی بورس با تصمیم سیاست گذاران، دولت مردان و بهارستانی ها به کدام سو میل خواهد کرد.

بازار سرمایه چه زمانی سبز می‌شود؟

عمل آمده که این اتفاق نیافتد و در این راستا سیمان وارد بورس شد و قرار شده که خودرو هم در بورس عرضه شود که اگر این اتفاق بیفتد، نگرانی‌ها در این بخش برطرف می‌شود. اما با این حال، یکسری ابهامات در زمینه نرخ سهام‌های پالایشی وجود دارد، که اگر این ترس موجود در بازار برطرف شود، می‌توانیم وضعیت بهتری را در بازار شاهد باشیم. هم اکنون این ترس بسیار بیشتر از آن چیزی است که انتظارش می‌رود. چون این بازار نقدشوندگی زیادی دارد، به راحتی می‌توان سهم را فروخت و مثل بازارهای ملک و خودرو نیست که نقدشوندگی

با توجه به فضای اقتصادی که هم اکنون با آن روبرو هستیم، پیش‌بینی وضعیت بازار سرمایه در ماه‌های باقی‌مانده تا پایان سال جاری بسیار دشوار است. بررسی‌های بازار سرمایه در هفته‌های اخیر نشان می‌دهد، اکثر سرمایه‌گذاران ترس ریزش نرخ ارز و دلار را دارند و احتمال ایجاد نرخ‌گذاری‌های دستوری وجود دارد. هرچند حمایت‌هایی از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت به



ایمان رئیسی
کارشناس بازار
سرمایه



پایینی دارند. به همین دلیل هیجانات بیشتر روی این بازار تاثیر می‌گذارد و در سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰ تعداد سرمایه‌گذاران و میزان نقدینگی که وارد این بازار شد با سال ۹۳ قابل مقایسه نیست. بنابراین نوسانات قیمت و اصلاح و رشد قیمت‌ها نوسان بیشتری نسبت به آن سال دارد.

از طرفی دیگر، بازار مسکن وارد رکود شده و تجربه چند وقت اخیر هم نشان می‌دهد، همین اتفاق برای بازار طلا و دلار هم رخ داده است. واقعیت آن است که نمی‌خواهیم قبول کنیم برای بازار بورس هم این اتفاق افتاده است. در واقع وقتی بازارهای مسکن و طلا و دلار وارد رکود می‌شوند، در همه بازارها این اتفاق رخ می‌دهد. منتها ما هنوز نمی‌خواهیم بپذیریم و تمایل داریم که خوشبین باشیم بازار سرمایه دوباره آن علامت‌های قبلی را مشاهده کند.

با این حال، برجام یا هر توافقی می‌تواند روی بازارهای داخلی اثرگذار باشد، اما اگر سال ۹۳ و ابتدای دولت یازدهم را به

یاد بیاوریم، مسئولانی که روی کار آمدند، تمایل داشتند که قیمت‌ها کنترل شود و شاهد رشد قیمت‌ها نباشیم. این در حالی است که تجربه نشان داده، هراندازه به صورت دستوری یا کنترلی جلوی افزایش قیمت‌ها گرفته شود، بعدها اتفاق بدتری رخ می‌دهد. مگر اینکه دولتمردان اصلاحات ساختاری انجام دهند تا ما در سال‌های آینده دومرتبه با اتفاقی نظیر جهش نرخ دلار روبه‌رو نباشیم و نرخ دلار به ۵۰ هزار تومان نرسد. هرچند که این امر بعید به نظر می‌رسد.

در مجموع در مورد وضعیت بازار سرمایه باید گفت که اگر ابهامات بازار برطرف شود، اوضاع تاحدودی بهبود خواهد یافت. مخصوصاً اینکه وضعیت بازار سرمایه هم نسبت به ۸ سال پیش بیشتر شناخته شده و بیشتر مردم درگیر بورس هستند. اگرچه ۸۰ درصد در این بازار ضرر کردند، اما بازار سرمایه بازاری است که همه منتظرند تا بتوانند ضررهای خود را در این بازار جبران و پول خود را وارد این بازار کنند، اگر بتوانند دستکاری‌های قیمت و دخالت‌هایی که قبلاً وجود داشت و مخصوصاً در حوزه دامنه نوسان که باعث شد بازار به هم بریزد (یعنی قوانین جدید که به صورت آزمون و خطا است) را کنار بگذارند، بازار می‌تواند وضعیت خوبی داشته باشد.

با این حال نباید از نظر دور داشت که وضعیت بازار سرمایه به سیاست‌های اقتصادی دولت در ماه‌های پیش رو وابسته است؛ چراکه بورس ما دولتی است و واقعیت آن است که رییس سازمان بورس را وزیر اقتصاد تعیین می‌کند و برخلاف تعاریف موجود ما به نوعی یک بورس دولتی داریم. از این منظر، اگر دخالت‌های دستوری در این حوزه نباشد و به بحث رقابتی شدن قیمت‌ها کمک کنند، این بازار بهتر می‌تواند مسیر خود را طی کند. زمانی که سیمان وارد بازار سرمایه شد، بسیاری از این موضوع ناراضی بودند، چون دست دلالتان و واسطه‌هایی که سیمان را دپو می‌کردند و سال آینده گران‌تر به مردم می‌فروختند، از این عرصه کوتاه شد؛ بنابراین این اقدام خوبی بود که عملیاتی شد. از این منظر، چرا باید رانت ۵۰ یا ۱۰۰ درصدی به جیب کسانی برود که به هر نحوی کالایی مثل خودرو را با نرخ ارزانتر از کارخانه خریداری می‌کنند؛ در حالیکه سود آن باید به جیب سهامدار و کارخانه برود. مخصوصاً سهام‌داران گروه‌های خودرویی که طی یکی دو سال گذشته ضرر سنگینی را متحمل شدند. بنابراین چنانچه اینگونه سیاست‌ها در پیش گرفته شود، می‌تواند کمک کننده باشد. همچنین پیاده‌سازی و اجرای مالیات‌ستانی روی واسطه‌گری‌ها هم می‌تواند به رشد بازار سرمایه کمک کند.



زیان انباشته بانک‌های دولتی در دو سال مالی گذشته (ارقام به میلیارد تومان است)

شرح	سال ۹۹	سال ۹۸
بانک کشاورزی	۸,۷۲۵,۱۸۵	۸,۳۰۸,۲۵۶
بانک ملی	۶۶,۰۷۴,۷۱۷	۵۹,۵۲۷,۴۵۷
بانک توسعه صادرات	۱,۹۹۰,۲۲۵	۲,۰۴۴,۱۴۳
بانک صنعت معدن	۵۶۳,۳۵۱	۶۲۲,۱۸۳

سود و زیان انباشته بانک‌های بورسی (اعداد به میلیون ریال است)

شرح	سود انباشته ۹۹	سود انباشته ۹۸
بانک ملت	۱۸۵۸۹۳۹۷۷	۵۲۳۸۵۸۰۳
بانک تجارت	۳۳۸۹۳۲۴۶	-۱۰۱۳۵۰۵۸۵
بانک صادرات	۴۴۹۸۹۹۲۴	-۷۱۴۶۵۶۰۱
بانک پاسارگاد	۱۰۵۳۶۳۴۵۶	۲۳۲۶۸۶۹۱
بانک اقتصاد نوین	۱۵۵۲۵۹۷	-۶۱۸۲۷۷۵

وضعیت رو به بهبود بانک‌های خصوصی و بورسی

این در حالی است که وضعیت پنج بانک بزرگ خصوصی و بورسی به مراتب بهتر از بانک‌های دولتی بوده و علاوه بر سود انباشته دارای سود خالص مورد قبولی برای سرمایه‌گذاران است. وضعیت بانک‌های «تجارت، صادرات و اقتصاد نوین» که در سال ۹۸ با زیان انباشته سنگینی مواجه بودند در سال ۹۹ به سود انباشته تبدیل شده و توانستند مشکلات خود را حل کنند. بانک «ملت» که در واقع بزرگترین بانک خصوصی است ظاهراً با توجه به وضعیت بانک‌های دولتی بزرگترین بانکی است که دارای سود انباشته ۱۸۵ هزار میلیارد ریالی است. این بانک در واقع بهترین بانک ایران لقب گرفته است، چرا که بالاترین سود خالص را نیز ساخته است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد، سود خالص بانک ملت در سال ۹۸ حدود ۴۵ هزار میلیارد ریال بوده که در سال ۹۹ به ۱۸۵ هزار میلیارد ریال رسیده است.

براساس این گزارش، دولت‌ها نشان دادند که بانکدار خوبی نبوده و تنها بانک را حیات خلوت و خزانه خود میدانند و برای هرگونه مشکلاتی از آن بهره می‌برند لذا دولت‌ها در درجه اول باید از رفتار گذشته که خود که بانک‌های دولتی را به ویرانه تبدیل کرده، فاصله گرفته و در صورت نیاز و انجام کارشناسی و علمی برخی از سهام بانک‌ها را به مردم واگذار کند. هرچند در صورت عدم امکان واگذاری سهام همین رویه افشاکری و تداوم آن می‌تواند تاثیر بهتری بر مدیریت این بانک‌های دولتی بگذارد.

به حفظ شعب است. یکی دیگر از دلایل این موضوع، نگهداری اموال منجمد در بانک‌ها از جمله بانک ملی بوده که برنامه جدیدی تدوین شده تا بانک‌ها ملزم باشند دارایی‌ها را به وجوه قابل ارائه تبدیل کنند. با این حال امروز دارایی بانک ملی ۶۳۰ هزار میلیارد تومان است که بخشی از آن هنوز تجدید ارزیابی نشده و رقم‌های بیشتری را شامل می‌شود. این اتفاقات در حالی رخ داده است که دولت به عنوان تنها سهامدار بانک ملی است. میزان زیان انباشته پنج بانک دولتی که تا کنون صورتهای مالی خود را منتشر کردند، در مجموع در سال ۹۹ به مبلغ ۸۱ هزار میلیارد و ۸۶۹ میلیون و ۱۷۳ تومان می‌رسد. زیان انباشته بانک‌های «کشاورزی، صنعت و معدن و توسعه صادرات ایران» نسبت به سال ۹۸ کاهش و این زیان انباشته برای دو بانک «ملی و مسکن» نسبت به سال ۹۸ همچنان افزایشی بوده است. میزان زیان انباشته این بانک‌ها در سال ۹۸ معادل ۷۳ هزار میلیارد و ۷۵۱ میلیون و ۷۷۱ تومان بوده، که نشان دهنده افزایش ۱۱ درصدی زیان این بانک‌ها نسبت به سال ۹۸ است.

این در حالی است که چند سال پیش هم بازوی پژوهشی مجلس شورای اسلامی در یک گزارش فاش کرده بود، که بخشی از نظام بانکی ایران بدون استقراض از بانک مرکزی امکان ادامه حیات را ندارد. صورت مالی بانک‌ها نیز نشان می‌دهد، عملکرد آنها در سال قبل «زیان‌آور» بوده است.

گزارش‌های اخیر از وضعیت پرداخت تسهیلات در بانک‌ها هم موید این است که بسیاری از بانک‌های ایران بیشتر از منابعی که «جذب کرده‌اند»، تسهیلات و وام داده‌اند. بر پایه این گزارش تسهیلات دهی بانک‌ها در پنج ماه نخست امسال ۷۸ درصد نسبت به مدت مشابه در سال ۹۸ و ۹۹، معادل ۱۰۰ درصد نسبت به یک سال قبل‌تر افزایش یافته است. نکته قابل توجه اما این است که تسهیلاتی که بخشی از آن نیز بر اساس مصوبات دولت تکلیفی است، در گره‌گشایی از مشکلات بخش تولید و معیشت مردم نه تنها مؤثر نبوده که زیان‌آور نیز بوده است. البته باین این مساله را نیز روشن کرد که وضعیت بانک‌های تحت سرپرستی و کنترل دولت که در بازار سرمایه فعالیت می‌کنند نیز از این وضعیت مستثنا نبوده و دارای شرایط بدی هستند.

به عنوان نمونه، بانک‌های بزرگ و وابسته به نهادها و وزارتخانه‌های دولتی که در بازار سرمایه فعال هستند نیز بعضاً دارای شرایط مناسبی نیستند، به عنوان نمونه بانک «سرمایه» که به نوعی دولتی است و مدیران آن تحت کنترل وزارت آموزش پرورش و صندوق ذخیره فرهنگیان است، دارای شرایط بسیار بدی است که دارای زیان انباشته ۳۵۱ هزار میلیارد ریالی است.

شکنی، ایجاد فضای نامناسب برای کاهش خسارت، رقابت ناسالم در فضای کسب و کار خود شرایط بسیار بدی را برای همدیگر رقم زده اند. رقابت ناسالم در شرکت‌های بیمه تاجایی پیش رفته است که اخیر شرکت کوچک بیمه تجارت نو بدون مناقصه و با ریزنی‌های خود مناقصه اشتراک گاز را برنده شد. در حالی که پیش از آن به شرکت دیگری واگذار شده بود. این فضای ناسالم در صنعت بیمه سبب شده تا مردم همچنان به شرکت‌های بیمه بی اعتماد بوده و ضریب نفوذ بیمه حدود ۲.۵ درصدی در ایران یکی از پایین ترین ضریب ای نفوذ منطقه و جهان باشد. از سوی دیگر، وضعیت شرکت‌های بیمه با سودآوری مناسبی برخوردار نبوده و این شرکت‌ها بعضا با مشکلات سوددهی مواجه هستند و حتی برخی از این شرکت‌ها دارای زیان انباشته بوده و یکی دو شرکت نیز در معرض ورشکستگی نیز قرار دارند.

شرکت‌های بیمه در سال‌های اخیر با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم کردند، اما مهمترین مشکلات صنعت بیمه رفتار درون سازمانی شرکت‌ها است. شاید بتوان مهمترین عامل گره‌های موجود در صنعت بیمه، را غیرحرفه‌ای رفتار کردن شرکت‌های بیمه‌گری دانست که با رعایت نکردن اصول حرفه‌ای بعضا برای همدیگر مشکلات زیادی ایجاد می‌کنند. به طوری که شرکت‌های بیمه با نرخ

چرا شرکت‌های بیمه به جای سوددهی، با زیان انباشته روبرو هستند؟

کلادف سردرگم صنعت بیمه



شرح	حق بیمه شهریور	خسارت پرداختی	نسبت خسارت خرداد
بیمه دی	۱۰۱۹۸۲۵۰	۱۷۷۱۶۲۱۶	۱,۷۳۷۱۸۱۹۶۷
بیمه رازی	۰	۰	۰
بیمه معلم	۲۳۴۹۶۵۳۴	۱۹۹۷۲۰۴۱	۰,۸۴۹۹۹۹۴۵۱
بیمه کارآفرین	۰	۰	۰
بیمه زندگی خاورمیانه	۱۵۱۲۱۹۰	۳۳۴۹۹۱	۰,۲۲۱۵۲۷۰۵۷
بیمه تعاون	۰	۰	۰
بیمه حافظ	۰	۰	۰
بیمه حکمت	۰	۰	۰
بیمه سرمد	۰	۰	۰
بیمه سینا	۰	۰	۰
بیمه کوثر	۲۶۹۲۸۰۸۴	۱۲۱۹۴۷۸۰	۰,۴۵۲۸۶۴۷۴۹
بیمه پارسیان	۲۰۹۱۲۲۶۶	۱۰۲۴۲۳۵۵	۰,۴۸۹۷۷۷۳۸۷
بیمه دانا	۴۰۲۷۲۹۹۹	۲۵۵۲۴۵۷۵	۰,۶۳۳۷۸۸۷۸۲
بیمه نوین	۱۰۵۳۸۹۹۸	۳۸۶۳۲۳۲	۰,۳۶۶۵۶۵۳۹۸
بیمه میهن	۲۶۳۶۸۴۲	۱۵۷۲۱۶۰	۰,۵۹۶۲۲۸۳۶۷
بیمه ملت	۱۰۳۲۰۰۳۹	۵۱۲۷۴۲۷	۰,۴۹۶۸۴۱۸۲۴
بیمه ما	۱۱۷۶۸۶۱۵	۳۶۳۴۸۶۴	۰,۳۰۸۸۶۰۸۱۳
بیمه پاسارگاد	۳۰۹۳۴۸۶۴	۶۶۷۶۰۹۵	۰,۲۱۵۸۱۱۳۵۸
بیمه تجارت نو	۹۲۰۷۶۲۴	۳۶۹۲۴۳۲	۰,۴۰۱۰۱۸۹۸۲
بیمه سامان	۱۲۶۴۵۰۷۵	۴۱۴۱۸۰۳	۰,۳۲۷۵۴۲۷۷۹
بیمه البرز	۳۳۰۷۳۷۲۱	۱۲۳۵۷۲۷۱	۰,۳۷۳۶۲۸۰۸۴
بیمه آسیا	۵۵۲۲۵۶۱۹	۲۲۸۶۲۷۶۸	۰,۴۱۳۹۸۸۴۴۳
بیمه آرمان	۰	۰	۰

شرح	سود انباشته
بیمه دی	۱۱۷۲۲۵۳۱
بیمه رازی	-۳۹۵۲۰۶
بیمه معلم	۳۰۷۸۴۵۲
بیمه کارآفرین	-۱۱۰۷۰۶
بیمه زندگی خاورمیانه	۱۰۸۸۹۲۰
بیمه تعاون	۶۷۱۸۸۱
بیمه حافظ	-۴۰۷۷۳۱
بیمه حکمت	۷۹۲۱۳
بیمه سرمد	۱۶۲۷۵۶۵
بیمه سینا	۴۲۵۷۴۶۸
بیمه کوثر	۱۲۶۸۷۹۹۳
بیمه پارسیان	۱۱۳۵۷۵۵
بیمه دانا	۱۱۸۰۷۶۷
بیمه نوین	۳۹۶۳۵۹۰
بیمه میهن	-۲۳۰۰۵۴۴
بیمه ملت	۳۰۲۱۰۵۵
بیمه ما	۳۰۰۹۸۰۶
بیمه پاسارگاد	۲۳۱۸۲۳۵۷
بیمه تجارت نو	۳۰۲۹۲۰۰
بیمه سامان	۸۲۶۲۶۵۴
بیمه البرز	۱۷۲۵۲۲۶۶
بیمه آسیا	۵۹۷۰۰۴۹
بیمه آرمان	-۷۳۹۸۱۲

ریالی، بیمه حافظ با زیان انباشته ۴۰۷ میلیارد ریالی، بیمه آرمان هم با زیان ۷۳۹ میلیارد ریالی و در نهایت شرکت بیمه میهن نیز با ۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد ریالی مواجه شدند.

نسبت خسارت

نسبت خسارت شرکت‌های بیمه نشان دهنده است که این شرکت‌ها نسبت به حق بیمه تولیدی چقدر خسارت پرداخت کردند. هر چه رقم این نسبت بالاتر باشد نشان دهنده بالا بودن ریسک آن شرکت و فروش بی محابا و غیرعلمی محصول و برای به هر جهت فروختن محصول و در نهایت عدم کنترل مناسب فضای خسارت دهی است. بیمه دی معمولا در سال‌های اخیر دارای بالاترین نسبت خسارت بوده؛ چراکه این شرکت طبق قراردادی که با بنیاد شهید و سهامدار عمده خود دارد باید بیمه درمان این بنیاد را تحت پوشش داشته باشد و این رشته بیمه‌گری برای بیمه دی خسارت بالایی را رقم میزند. بر همین اساس وضعیت بیمه دی همواره بغرنج گزارش شده است. در شهریور سال جاری میانگین نسبت خسارت شرکت‌های بیمه‌گر بورسی حدود ۳۴ درصد بوده است.

زیان انباشته رویه افزایش بیمه‌گران

شرکت‌های بیمه در سالجاری بیشتر از سال گذشته دارای زیان انباشته هستند. برخی از شرکت‌ها در سال گذشته به دلایل زیادی توانستند حداقل سودی انباشته کنند، اما همان‌ها هم امسال نتوانستند، شرایط موجود را حفظ کرده و زیانده شدند. همانطور که در جدول بالا پیدا است، شرکت‌های بیمه «رازی، کارآفرین، حافظ، آرمان و میهن» دارای زیان انباشته هستند. ارزیابی‌های آماری نشان می‌دهد، بیمه رازی دارای زیان انباشته ۳۹۵ میلیارد ریالی، بیمه کارآفرین با زیان ۱۱۰ میلیارد

صورت‌های مالی شرکت‌های بیمه ضریب خسارت شرکت‌های بیمه ۵۰ درصد است که رقم قابل توجهی است و نسبت به سال گذشته افزایش حدود ۱۰ درصد را تجربه کردند. بالاترین ضریب خسارت متعلق به شرکت بیمه ملت با رقم ۱۱۰ درصد و سپس بیمه آرمان با رقم ۸۵ درصدی است. کمترین ضریب خسارت به بیمه ما با رقم ۲۹ درصدی و بیمه کارآفرین با رقم ۳۰ درصدی است.

سود خالص

شرکت‌های بیمه‌گری مجاز هستند که ذخایر بیمه‌گری را در بازارهای مالی و بورس سرمایه‌گذاری کنند بر همین اساس این شرکت‌ها در سال گذشته که بورس وضعیت خوبی داشت، در این حوزه کار کردند و سود خوبی را کسب کردند تا جایی که شرکت‌های بیمه‌گری تقریباً بدون استثنا با سودآوری مواجه شدند، اما در سال جاری که بورس و بازارهای مالی دیگر با بازدهی مناسبی همراه نیستند، شرکت‌های بیمه نیز نتوانستند سود قابل قبولی شناسایی کنند و برخی از شرکت‌ها نسبت به سال قبل با زیان خالص نیز مواجه شدند. در کل این شرکت بوردی در مجموع ۲۷۱ میلیارد ریال کاهش سودآوری داشتند. بیمه دی کاهش سود خالی یک هزار و ۵۲۶ میلیارد ریال داشته است. بیمه معلم ۸۹۱ میلیارد ریال کاهش داشته، بیمه زندگی خاورمیانه ۱۴۷ میلیارد ریال کاهش، بیمه حافظ ۳۵ میلیارد ریال بیمه حکمت ۲۸ میلیارد ریال، بیمه سرمد ۱۱۳ میلیارد ریال، بیمه سینا ۸۶۶ میلیارد ریال، بیمه کوثر دو هزار و ۴۳۰ میلیارد ریال، بیمه نوین ۷۵ میلیارد ریال، بیمه میهن ۲۸ میلیارد ریال، بیمه پاسارگاد ۶۸۶ میلیارد ریال، بیمه تجارت نو ۷۲۲ میلیارد ریال، بیمه سامان دو هزار و

اما شرکت‌هایی مانند بیمه دی و بیمه معلم وضعیت به مراتب بدتری نسبت به دیگر شرکت‌های بیمه داشتند. بیمه دی با داشتن نسبت خسارت ۱۷۳ درصد و بیمه معلم با داشتن نسبت خسارت ۸۵ درصدی بالاترین نسبت خسارت را دارند. کمترین نسبت خسارت در شهریور ۱۴۰۰ مرتبط با شرکت بیمه پاسارگاد با رقم ۲۱ درصدی و بعد از به بیمه زندگی خاورمیانه با رقم ۲۲ درصدی است. البته بیمه خاورمیانه تنها بیمه زندگی تولید کرده و رقم حق بیمه تولیدی شرکت تنها ۵۰ میلیارد تومان است که یکی از کمترین حق بیمه تولیدی در بین شرکت‌های بیمه ایرانی است.

سرمایه

در مجموع شرکت‌های بیمه تا خرداد ۱۴۰۰ که آخرین صورت‌های مالی منتشرشده، برابر با ۳۱ هزار و ۵۳۲ میلیارد ریال افزایش سرمایه دادند که بیمه دی مبلغ سه هزار و ۴۵۰ میلیارد ریال، بیمه رازی مبلغ ۱۶ هزار میلیارد ریال، بیمه کارآفرین مبلغ هفت هزار و ۷۵۴ میلیارد ریال و بیمه سینا مبلغ چهار هزار و ۲۸۸ میلیارد ریال بوده است.

ضریب خسارت

اما نکته مهم در بین شرکت‌های بیمه‌گری موضوع ضریب خسارت است. بر اساس

شرح	سرمایه سال ۱۴۰۰	سرمایه خرداد ۹۹	افزایش سرمایه
بیمه دی	۵۹۵۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰	۳۴۵۰۰۰۰
بیمه رازی	۱۹۰۳۹۴۵۳	۳۰۰۰۰۰۰	۱۶۰۳۹۴۵۳
بیمه معلم	۴۱۹۴۷۲۲	۴۱۹۴۷۲۲	۰
بیمه کارآفرین	۹۵۰۴۰۰۰	۱۷۵۰۰۰۰	۷۷۵۴۰۰۰
بیمه زندگی خاورمیانه	۱۲۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰	۰
بیمه تعاون	۱۵۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰	۰
بیمه حافظ	۱۲۲۰۰۰	۱۲۲۰۰۰	۰
بیمه حکمت	۱۵۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰	۰
بیمه سرمد	۲۵۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰	۰
بیمه سینا	۵۷۸۸۹۹۳	۱۵۰۰۰۰۰	۴۲۸۸۹۹۳
بیمه کوثر	۶۴۸۵۰۳۱	۶۴۸۵۰۳۱	۰
بیمه پارسیان	۵۰۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰۰	۰
بیمه دانا	۴۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰	۰
بیمه نوین	۲۶۲۴۰۰۰	۲۶۲۴۰۰۰	۰
بیمه میهن	۱۵۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰	۰
بیمه ملت	۲۸۵۰۰۰۰	۲۸۵۰۰۰۰	۰
بیمه ما	۴۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰	۰
بیمه پاسارگاد	۱۰۲۰۶۰۰۰	۱۰۲۰۶۰۰۰	۰
بیمه تجارت نو	۳۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰	۰
بیمه سامان	۲۰۵۵۰۱۹	۲۰۵۵۰۱۹	۰
بیمه البرز	۱۴۴۲۴۴۲۸	۱۴۴۲۴۴۲۸	۰
بیمه آسیا	۲۴۱۳۱۸۰۴	۲۴۱۳۱۸۰۴	۰
بیمه آرمان	۲۵۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰	۰

۹۱۵ میلیارد ریال و بیمه ارمان ۲۱۹ میلیارد ریال کاهش سود را تجربه کردند.

پرتفوی شرکت‌های بیمه

پرتفوی شرکت‌های بیمه به گونه‌های است که شاهد تغییر زیادی در آنها نیستیم. در ایران فراوانی زیادی در رشته‌های بیمه‌گری نداریم اما همین تعداد معدود هم به صورت بسیار نامتناسب رشد کرده‌اند. تقریباً ۸۰ درصد پرتفوی شرکت‌های بیمه را بیمه درمان و شخص ثالث تشکیل می‌دهد و با وجود اینکه این شرکت‌ها همواره اعتراض دارند که شخص ثالث از رشته‌های زیان آور بوده و به صرفه نیست اما تمامی شرکت‌ها برای جذب مشتری و کسب نقدینگی بیشتر رقابت شدیدی دارند و حتی برخی از شرکت‌ها به اراه تخفیف‌های غیرمعقول نیز می‌کنند و زیان می‌دهند تا تنها بتوانند نقدینگی لازم را جذب کنند.

و در نهایت باید گفت که شرکت‌های بیمه تنها با رعایت اصول حرفه‌ای و فروش علمی محصولات و تنوع در رشته‌های بیمه‌گری است که می‌توانند به سود مناسب برسند. در تمام دنیا شرکت‌های بیمه مانند شرکت‌های ایرانی با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم میکنند و به دلیل اینکه وظیفه شرکت‌های بیمه پوشش ریسک است؛ هرآن مواجه با خطرات بزرگی هستند که می‌تواند وضعیت آنها را دشوار کند، اما شرکت‌های بیمه بین‌المللی همواره سعی دارند، نوع خدمات، وضعیت فروش و خسارت را با دیدگاه معقولی مدیریت کرده و هرگز خود را با ریسک‌های سنگین مواجه نمی‌کنند، اما شرکت‌های ایرانی بیمه‌گری تنها به دنبال جذب پرتفو هستند و بدون بررسی شرایط ریسک و اکچوئری به وضعیت خود ادامه می‌دهند.

شرح	سود خالص خرداد ۱۴۰۰	سود خالص خرداد ۱۳۹۹	تفاوت سود خالص در ۱۳۹۹ به ۱۴۰۰
بیمه دی	۸۴۲۶۶۳	۲۳۶۹۰۲۷	-۱۵۲۶۳۶۴
بیمه رازی	۱۰۱۱۹۳	۹۹۲۴۸۷	-۸۹۱۲۹۴
بیمه معلم	۲۰۳۰۱۹	۲۰۳۳۲۴	-۳۰۵
بیمه کارآفرین	۷۳۸۰۳۷	۲۰۱۴۱۰	۵۳۶۶۲۷
بیمه زندگی خاورمیانه	۳۸۸۶۱	۱۸۶۰۹۳	-۱۴۷۲۳۲
بیمه تعاون	۱۰۸۰۴۴	۷۹۷۷۴	۲۸۲۷۰
بیمه حافظ	۷۰۷۹۷	۱۰۵۸۸۵	-۳۵۰۸۸
بیمه حکمت	۶۸۵۲۵	۹۷۰۸۱	-۲۸۵۵۶
بیمه سرمد	۵۰۰۷۹	۱۱۸۵۰۱۰	-۱۱۳۴۹۳۱
بیمه سینا	۱۱۹۴۲۲۲	۲۰۶۱۱۶۰	-۸۶۶۹۳۸
بیمه کوثر	۱۴۳۷۰۹۴	۳۵۸۰۱۳۵	-۲۱۴۳۰۴۱
بیمه پارسیان	۱۱۵۹۹۴۴	۵۲۹۴۷۸	۶۳۰۴۶۶
بیمه دانا	۳۰۸۴۲۱	۱۲۴۵۶۶	۱۸۳۸۵۵
بیمه نوین	۶۷۶۹۸۴	۷۵۲۸۶۸	-۷۵۸۸۴
بیمه میهن	-۲۴۹۸۵	۳۲۲۱	-۲۸۲۰۶
بیمه ملت	۱۳۰۱۶۸۴	۶۲۸۵۸۴	۶۷۳۱۰۰
بیمه ما	۱۳۴۴۹۸۷	۶۶۸۴۰۲	۶۷۶۵۸۵
بیمه پاسارگاد	۴۵۲۷۴۸۶	۵۲۱۳۵۵۱	-۶۸۶۰۶۵
بیمه تجارت نو	۳۰۷۶۶۱	۱۰۲۹۷۰۸	-۷۲۲۰۴۷
بیمه سامان	۲۰۹۲۵۲	۳۱۲۴۳۴۴	-۲۹۱۵۰۹۲
بیمه البرز	۲۹۸۹۲۲۳	۱۰۱۲۹۶۵	۱۹۷۶۲۵۸
بیمه آسیا	۹۱۷۱۱۲	۴۵۳۶۵۰	۴۶۳۴۶۲
بیمه آرمان	-۶۲۶۳۹	۱۵۷۰۰۸	-۲۱۹۶۴۷

شرح	حق بیمه خرداد	هزینه خسارت	ضریب خسارت
بیمه دی	۴,۷۷۷,۶۵۴	۲۷۶,۹۲۵	۰,۵۷۷۸۸۳
بیمه رازی	۵,۰۷۰,۵۵۳	۱۶۵,۰۸۰۳	۰,۳۲۵۵۶۷
بیمه معلم	۱۴,۶۷۹,۵۷۶	۶۶۹۳۴۱۹	۰,۴۵۵۹۶۸
بیمه کارآفرین	۴,۵۳۷,۳۱۱	۱۳۵۷۵۷۶	۰,۲۹۹۲۰۳
بیمه زندگی خاورمیانه	۵۲۵,۰۱۵	۹۳۳۷۸	۰,۱۷۷۸۵۸
بیمه تعاون	۲,۱۶۲,۹۲۷	۱۳۱۵۷۷۷	۰,۶۰۸۳۳۲
بیمه حافظ	۲۸۴,۰۷۹	۱۴۰۴۵۷	۰,۴۹۴۴۲۹
بیمه حکمت	۷۸۸,۹۲۲	۳۵۷۰۴۲	۰,۴۵۲۵۶۹
بیمه سرمد	۳,۳۸۰,۷۱۵	۱۸۳۶۷۱۸	۰,۵۴۳۲۹۳
بیمه سینا	۴,۵۳۷,۱۳۸	۱۶۴۴۰۵۸	۰,۳۶۲۳۵۶
بیمه کوثر	۱۳,۰۱۱,۰۲۹۴	۴۷۹۴۱۳۳	۰,۳۶۵۶۴۹
بیمه پارسیان	۹,۲۸۳,۴۹۰	۵۰۶۰۴۳۶	۰,۵۴۵۱۰۱
بیمه دانا	۱۸,۰۲۲,۰۲۲۷	۱۲۴۶۳۷۰۴	۰,۶۹۱۵۷۴
بیمه نوین	۴,۱۷۴,۱۲۲	۱۸۰۵۴۶۰	۰,۴۳۲۵۳۶
بیمه میهن	۸۹۶,۰۲۸	۶۰۲۰۰۴	۰,۶۷۱۸۵۸
بیمه ملت	۳,۹۰۵,۷۳۳	۴۳۲۰۱۰۸	۱,۱۰۶۰۹۴
بیمه ما	۵,۵۱۷,۲۲۰	۱۵۹۸۳۰۵	۰,۲۸۹۶۹۴
بیمه پاسارگاد	۱۴,۸۷۰,۲۹۹	۲۸۲۷۱۷۸	۰,۱۹۰۱۲۲
بیمه تجارت نو	۵,۰۱۷,۸۴۱	۲۰۰۸۴۰۷	۰,۴۰۰۲۵۳
بیمه سامان	۴,۶۶۹,۱۳۵	۲۳۲۸۸۳۹	۰,۴۹۸۷۷۳
بیمه البرز	۱۴,۸۹۵,۰۲۲	۶۵۴۹۱۷۸	۰,۴۳۹۶۸۹
بیمه آسیا	۲۳,۳۸۸,۱۱۳	۱۲۰۳۳۰۷۰	۰,۵۱۴۴۹۵
بیمه آرمان	۷۲۲,۵۲۵	۶۱۶۹۳۱	۰,۸۵۳۸۵۴



فصل پھارم
تجارت فارما

ایران یارانه صادر می‌کند!

هم تولید را رونق داد. اما امروز به دلیل دعوای بین دستگاهی، شیوه غلط مالیات ستانی از تولید و وجود قوانین دست و پاگیر، تولید دیگر صرفه و توان صادرات را ندارد.

مساله دیگر اینکه ما یک کشور صادرکننده یارانه هستیم؛ یعنی یارانه صادر می‌کنیم. ما کالاهای اساسی مثل شکر، روغن، گندم و ... را با دلار ۴۲۰۰ تومانی که برای مردم در نظر گرفته شده، وارد کرده، اما عده‌ایی سودجو با لابی و رانتی که دارند، همان کالاها را به کشورهای همسایه با قیمت پایین صادر می‌کنند؛ این غلط است. از این رو، برای این اینکه بساط این فساد و رانت برچیده شود، باید ارز تک نرخ شود. اینکه گفته می‌شود اگر دلار ۴۲۰۰ تومانی حذف شود، قیمت کالاهای اساسی افزایش می‌یابد، حرف غلطی است.

دولت در حال حاضر ۸ میلیارد دلار، برای واردات کالاهای اساسی دلار ۴۲۰۰ تومانی تخصیص می‌دهد. حال به طور نمونه، اگر قرار است یک میلیارد دلار این مبلغ برای لبنیات در نظر گرفته شود؛ دولت همان مبلغ را به افراد کم درآمد تخصیص دهید و در مقابل اجازه بدهد قیمت‌ها آزاد شود. چراکه در شیوه کنونی، این یارانه بیشتر به جیب ثروتمندان می‌رود تا دهک‌های درآمدی پایین. موضوع دیگری که باید مد توجه دولتمردان قرار بگیرد این است که شیوه مالیات‌ستانی دولت در اقتصاد ایران اشتباه است. مالیات نباید بر اساس سود باشد بلکه باید بر اساس مصرف تعیین شود. یعنی اگر یک مصرف کننده ۱۰۰ لیتر بنزین مصرف می‌کند با فردی که ۵ لیتر مصرف می‌کند، باید متفاوت باشد و نباید برای آنها یک نرخ مالیاتی در نظر گرفته شود. در پایان ذکر این نکته بسیار ضرورت دارد، در کشوری که اقتصادش بر مبنای توزیع رانت است، هیچ وقت نمی‌تواند تولیدکننده یا صادرکننده خوبی باشد.



غلامعلی سلیمانی
فعال اقتصادی

از زمان دولت آقای اکبر هاشمی رفسنجانی تا به حال بارها نسبت پدیده تورم هشدار داده و گفته‌ام که با تورم بالا نمی‌توان کالای با صرفه تولید کرد. حتی در زمان دولت آقای حسن روحانی بارها به صورت حضوری، نسبت به تب تورم بالا در اقتصاد ایران هشدارهای لازم را داده بودم. اقتصادی که تورمش به ۵۰ درصد رسیده و نرخ دلارش روز به روز صعودی می‌شود، چگونه

می‌تواند کالایی تولید کند که در بازار داخلی و در عرصه جهانی به صرفه باشد. یک تولیدکننده، یا صادرکننده وقتی با یک بازار صادراتی قرارداد تجاری میبندد، به طور مثال، محاسبات مالیات بر اساس دلار ۱۵ تا ۲۰ هزار تومانی است، اما مادامی که اقدام به تولید می‌کند یا در میانه راه است، به دلیل نوسانات پیش‌بینی نشده‌ای که در اقتصاد ایران وجود دارد، نرخ دلار یا یورو ۱۰ هزار تومان گرانت می‌شود. در چنین وضعیتی کالای تولیدی برای آن تولیدکننده یا صادرکننده صرفه اقتصادی ندارد. یک زمانی به من گفته شد، که آقای حسن روحانی علاقمند به تولید و صادرات است و از ما خواسته شد، که تولیدات صادرات محور را افزایش دهیم، که بنده نپذیرفتم؛ به این دلیل که نمی‌شود در چنین فضای نااطمینانی اقدام به این کار کرد. بنابراین بنده گفتم در صورتی تن به این درخواست می‌دهم که به من این اطمینان داده شود که فضای تولید ملت‌هت شده و در میانه راه شاهد نوسانات و تغییر رویه‌های مالیاتی، ارزی و غیره نشویم. اما متأسفانه در آلمان به دلیل عدم مخالفت مجلس با دولت بر مسائلی چون رفع تعهدات ارزی و مباحث مالیاتی، صادرکنندگان نتوانستند، صادراتشان را رونق و توسعه دهند. این در حالی است که یکی از تاکیدات مقام معظم رهبری همواره توجه به تولیدات قابل صادرات و تسهیل مسیر بوده و هست. چراکه تنها از این طریق است که می‌توان هم ارز آوری داشت، هم اشتغال ایجاد کرد و





گفت: در بازه زمانی یاد شده، عملکرد استخراجی شرکت مس ۱۰۳ میلیون و ۲۷۲ هزار تن بوده است که نسبت به برنامه ۹۴ میلیون و ۷۱۵ هزار تنی ۹ درصد رشد نشان می‌دهد.

او عملکرد تولید سنگ سولفوری شرکت مس طی شش‌ماهه نخست سالجاری را ۲۷ میلیون و ۱۰۰ هزار تن اعلام و تأکید کرد: این در حالی است که برنامه شرکت ۲۶ میلیون و ۷۴۵ هزار تن بوده است.

مدیرعامل شرکت مس همچنین کنسانتره تولیدی حاصل از ارسال سنگ سولفوری به کارخانجات تغلیظ در هر سه مجتمع را در مجموع ۶۰۶ هزار و ۴۰۷ تن برشمرد که نسبت به برنامه ۵۸۶ هزار و ۶۰۱ تنی؛ ۳ درصد رشد داشته است. او بیان کرد: شرکت مس طی این بازه زمانی با تولید ۳۹۷۶ تن مولیبدن رشد ۱۱۴ درصدی را نسبت به برنامه قم زد. مدیرعامل شرکت مس عملکرد این شرکت را در بخش آند تولیدی ۱۷۸ هزار و ۷۸۲ تن عنوان کرد که نسبت به برنامه ۱۶۹ هزار و ۶۵۲ تنی؛ ۵ درصد رشد داشته است. به گفته او، شرکت مس در بخش کاند نیز با تولید ۱۴۳ هزار و ۳۲۸ تن در شش‌ماهه نخست سال جاری رشد ۵ درصدی را نسبت به برنامه و رشد ۲،۳۷ درصدی

مدیرعامل «فملی» عملکرد شش‌ماهه شرکت مس را تشریح کرد

از رشد در تولید و فروش تا ثبت اولین رکورد حفر عمیق‌ترین گمانه تا عمق بیش از ۱۲۱۱ متر

دکتر اردشیر سعدمحمدی مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران، گفت: این شرکت در شش‌ماهه نخست سالجاری تمامی برنامه‌های توسعه‌ای تولیدی و اقتصادی را مطابق برنامه پیش برده به طوری که طی این بازه زمانی شاهد رشد ۱۱۶ درصدی در فروش، افزایش ۵ درصدی تولید کاند و آند و رشد ۳۸ درصدی در برنامه‌های حفاری اکتشافی شد. به گزارش مس پرس، مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران با اشاره به گزارش عملکرد شش‌ماهه ابتدایی سالجاری شرکت ملی صنایع مس

را نسبت به مدت مشابه سال قبل عملی کرده است. همچنین تولید مس محتوی معدنی طی این مدت با ۳ درصد رشد به ۱۴۷ هزار و ۹۴۳ تن رسید.

سعدمحمدی در ادامه به بحث قطع برق اشاره کرد و گفت: با توجه به افزایش دما و فشارهایی که بر روی سیستم برق و تأمین انرژی وجود داشت؛ خوشبختانه با تمهیداتی که درخصوص افزایش بهره‌وری انجام داده بودیم نه‌تنها از برنامه عقب‌نماندیم بلکه مشارکت زیادی در تأمین برق منطقه نیز داشتیم.

به گفته مدیرعامل فملی، مدیریت کرونا، مدیریت ساعت کاری و مدیریت اورهال همگی نشان‌دهنده این است که نه‌تنها مطابق برنامه از پیش تعیین‌شده عمل کردیم بلکه از برنامه نیز جلوتر حرکت کردیم.

رشد ۳۸ درصدی حفاری اکتشافی

سعدمحمدی در ادامه به حوزه اکتشاف اشاره کرد و گفت: در بخش اکتشاف برای اولین بار در تاریخ شرکت مس طی نیمه نخست سالجاری، موفق به ثبت رکورد حفر عمیق‌ترین گمانه تا عمق بیش از ۱۲۱۱ متر در سایت سریدون در منطقه استان کرمان شدیم.

او تأکید کرد: همچنین در حوزه حفاری‌های اکتشافی در شهریورماه ۱۴۰۰ رشد ۳۸ درصدی را ثبت کردیم؛ به‌طوری‌که در شهریورماه ۹۹ معادل ۹ هزار و ۱۵۹ متر حفاری اکتشافی انجام دادیم و در شهریور سالجاری ۱۲ هزار و ۶۵۶ متر حفاری اکتشافی ثبت شد. مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران

گفت: همچنین پیشرفت فیزیکی کل عملیات اکتشافی شامل اکتشاف سطحی و زیرسطحی در شهریور ۱۴۰۰ طبق برنامه پیش‌بینی شده ۴۲.۸۶ درصد بوده که با ۴۵.۸۹ درصد انجام شده و ۳.۳ درصد از برنامه جلوتر است.

سعدمحمدی تأکید کرد: در حوزه اکتشاف همچنین مطالعات معدن مس سریدون و نتایج ذخایر اکتشافی آن در حال قطعی شدن است. این معدن یک‌ونیم میلیاردتن ذخیره قطعی دارد، که جدا از یک میلیارد تن ذخیره جدید مس کشف شده سال گذشته است. این رقم و رقم‌هایی که بعداً به این میزان اضافه می‌شود؛ قطعاً رتبه ما را به رتبه ششم ذخایر معدنی مس در جهان ارتقا خواهد داد.

او افزود: با توجه به اینکه به‌روزرسانی و بحث ذخایر اکتشافی اهمیت ویژه‌ای در پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای شرکت ملی صنایع مس دارد، خرید ۱۵ دستگاه حفاری جدید قطعی شده و در حال ورود به کشور است. مدیرعامل شرکت مس به اقدامات انجام شده در حوزه توسعه و اکتشافات اشاره و تأکید کرد: برنامه‌های توسعه ما در استان آذربایجان شرقی و کرمان مطابق برنامه پیش می‌رود. در همین راستا طی نیمه نخست سالجاری با همراهی تمامی مسوولان و با اعتقاد به توان داخلی و بومی‌سازی، با عقد قراردادی با قرارگاه خاتم‌الانبیاء ثابت کردیم، که توان راه‌اندازی پروژه چرخه تولیدی مس کاتدی در مجتمع مس سونگون وجود دارد. سعدمحمدی ادامه داد: بر این اساس قرارگاه خاتم‌الانبیاء متولی راه‌اندازی کارخانجات ذوب و کارخانجات وابسته در مجتمع مس سونگون شد که این اتفاق





درآلو مطابق برنامه بوده، ابراز امیدواری کرد تا اوایل سال آینده مرحله بهره‌برداری این پروژه نیز انجام شود و یک مجتمع دیگر وارد چرخه تولید کنسانتره در کشور شود که گردش مالی خیلی خوبی را برای منطقه جنوب غرب استان کرمان ایجاد خواهد کرد. او در ادامه به برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه اشاره کرد و گفت: عملکرد شرکت ملی مس با وجود افزایش تولید، افزایش فروش و پیشبرد طرح‌های توسعه کاملاً شفاف بوده است که این افتخاری برای شرکت ملی مس و مجموعه کارکنان و نظام

مهمی در تاریخ صنعت مس ایران محسوب می‌شود. او تأکید کرد: خوشحالیم که این اتفاق در استان آذربایجان شرقی روی داد؛ چراکه با این راه‌اندازی شاهد اشتغال‌زایی ۳۵۰۰ نفری مستقیم و غیرمستقیم برای مردم بومی منطقه خواهیم بود. اعتقاد داریم با این کار منطقه ورزقان استان آذربایجان شرقی شاهد تحولی عظیم خواهد بود و مصمم هستیم که این اتفاق هر چه زودتر انجام شود. مدیرعامل شرکت مس با اشاره به اینکه پیشرفت معدن مس



عملکرد شش ماهه ابتدایی سالجاری شرکت ملی صنایع مس نشان می دهد، در بازه زمانی یاد شده، عملکرد استخراجی شرکت مس ۱۰۳ میلیون و ۲۷۲ هزار تن بوده است که نسبت به برنامه ۹۴ میلیون و ۷۱۵ هزار تنی ۹ درصد رشد داشته است



وی در ادامه افزود: شرکت ملی صنایع مس بارها اعلام کرده، که برای پیشبرد طرح های توسعه از هیچ منابع مالی به غیر از منابع مالی خود شرکت استفاده نخواهد کرد و هیچ فشاری را برای طرح های توسعه به نظام بانکی و یا منابع مالی در استان ها تحمیل نمی کند.

مدیرعامل شرکت مس همچنین تأکید کرد: در بخش توسعه همسو با تغییر و تحولات جهانی حرکت خواهیم کرد. در سال های آینده شاهد افزایش تقاضا خواهیم بود به همین دلیل برای اینکه از گردونه رقابت ها و تحولات جهانی عقب نمانیم، پروژه های تولید کنسانتره و کاتد را پیش می بریم و می خواهیم سهم مس در GDP کشور را افزایش دهیم.

سعدمحمدی گفت: مصمم هستیم تمام کارها را مطابق برنامه پیش ببریم. در همین راستا ۱۱۰ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری برای صنعت مس در کشور تعریف شده است که با بهره برداری از آن ها هم در اقتصاد کشور و GDP تأثیرگذار خواهد بود و هم اینکه ما را جزو ۱۰ شرکت برتر دنیا در تولید مس تبدیل خواهد کرد.



رشد ۱۱۶ درصدی فروش

سعدمحمدی در ادامه با اشاره به رشد ۱۱۶ درصدی فروش شرکت نسبت به مدت مشابه سال قبل گفت: در شش ماهه نخست سال جاری موفق به ثبت فروش حدود ۳۴ هزار و ۹۸۱ میلیارد تومانی شدیم.

وی همچنین گفت: در نیمه اول امسال به طور متوسط ۵۸۳۰ میلیارد تومان فروش داشتیم و در شهریورماه با فروش ۸۷۰۰ میلیارد تومان رکورد فروش ماهانه تاریخی شرکت ملی صنایع مس شکسته شده است.

مقدس جمهوری اسلامی ایران است.

سعدمحمدی در خصوص افزایش سرمایه شرکت مس گفت: مقدمات افزایش سرمایه در مجمع عمومی مطرح شد که خوشبختانه حسابرس افزایش سرمایه را تأیید کرد و هم اکنون به سازمان بورس ارسال شده است. بر همین اساس سرمایه ثبتي شرکت با افزایش ۱۰۰ درصدی به ۴۰ هزار میلیارد تومان ارتقاء می یابد که این ۴۰ هزار میلیارد تومان برای تأمین طرح های توسعه شرکت است.



کارنامه تجارت خارجی طی سال ۹۹
و هفت ماهه ۱۴۰۰ واکاوی شد

ردیابی پرش صادرات

رکورد صادرات و واردات در دوماه شکسته شد

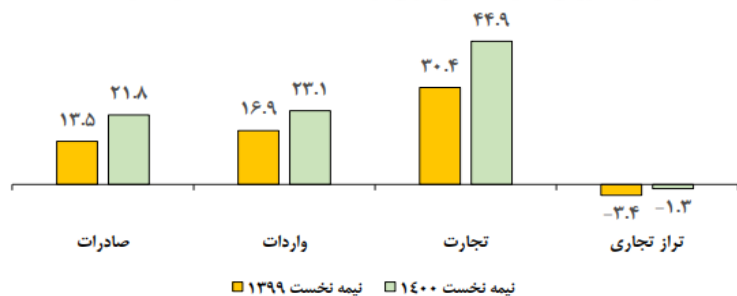
دلار مربوط به شهريور و چهارمیلیارد و ۶۱۸ میلیون دلار مربوط به مهر است. از نظر ارزش در شهريور ۹۵ درصد و در مهر ۳۹ درصد واردات کالاهای مورد نیاز نسبت به متوسط پنج ماهه نخست بیشتر از گمرکات ترخیص شده اند.

تجارت کرونایی در ۹۹

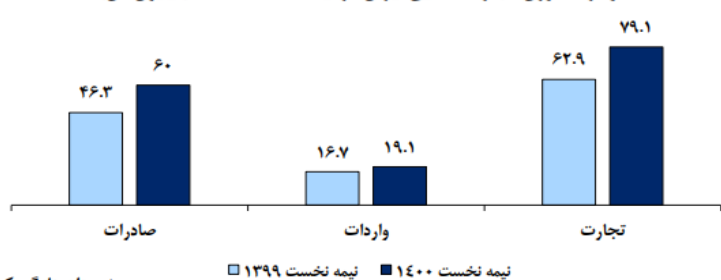
محاسبات آماری نشان می‌دهد، سبقت گرفتن واردات از صادرات در فروردین ماه ۹۹ موجب شد تا تراز تجاری منفی در کارنامه تجارت خارجی به ثبت برسد. این روند در دومین ماه از سال گذشته نیز تکرار شد، به طوریکه واردات در اردیبهشت نسبت به فروردین ماه رشد ۶۱ درصدی را از نظر ارزشی به ثبت رساند. پرونده تجارت خارجی در پایان فصل نخست ۹۹ همچنان با تراز منفی، عقب ماندن صادرات از واردات اما بهبود شرایط صادرات بسته شد. با شروع فصل تابستان، صادرات و واردات در تیرماه روند افزایشی را در پیش گرفت، اما تراز همچنان منفی بود. اما وضعیت تجارت در پایان تابستان کمی متفاوت تر شد، به طوریکه وضعیت تجارت در شهريور نسبت به مردادماه بهبود پیدا کرد، اما با تراز منفی. این وضعیت در مهرماه همچنان ادامه داشت تا اینکه تراز تجاری در آبانماه مثبت شد اما در آذرماه دوباره به مدار منفی بازگشت. باین

تحلیل آمارها، نشان از فراز و فرود تجارت خارجی در سال ۹۹ دارد؛ از شروع انقباضی تجارت تا تراز منفی در پایان اسفندماه. با ورود به سال ۱۴۰۰ تجارت خارجی رشد کرد و به دوران ماقبل از همه‌گیری کرونا برگشت. این رشد اما طی دوماه شهريور و مهر، آهنگی سریع‌تری به خود گرفت و تجار ایرانی تصویر تازه‌یی از روند صادرات و واردات کشور ارائه دادند. بنابر محاسبات گمرک، صادرات ۱۷ میلیارد دلاری ایران از مردادماه با متوسط سه میلیارد و ۵۳۲ میلیون دلار به ۹ میلیارد و ۴۱۳ میلیون دلار در شهريور و مهرماه رسید. مطابق آمارها، صادرات در شهريور چهار میلیارد و ۱۴۵ میلیون دلار و در مهر پنج میلیارد و ۲۶۸ میلیون دلار بوده، که نسبت به متوسط ماهانه صادرات در پنج ماهه نخست امسال، از نظر ارزشی در شهريور ۱۷ درصد و در مهرماه ۴۹ درصد رشد را نشان می‌دهد. با اتکا به آمارها می‌توان گفت صادرات مهرماه رکود جدید صادرات ماهانه را جابه‌جا کرده است. تحلیلگران، رفع موانع صادراتی و کاهش آثار جانبی تحریم‌ها را دو عامل رشد صادرات در نخستین ماه پاییز می‌دانند. همچنین داده‌های گمرک، از ثبت رکود جدید در چرخه واردات و ترخیص کالا حکایت دارد. بنابر آمارها، در شهريور و مهرماه، ۹ میلیون و ۶۸۶ هزار تن کالا به ارزش ۱۱ میلیارد و ۱۰۸ میلیون دلار از گمرکات ترخیص شده، که از این میزان ۶ میلیارد و ۴۹۰ میلیون

نمودار ۱- ارزش تجارت کالایی ایران در نیمه نخست ۱۴۰۰ (میلیارد دلار)



نمودار ۲- وزن تجارت کالایی ایران در نیمه نخست ۱۴۰۰ (میلیون تن)



منبع داده‌ها: گمرک ج.ا.ا.

لحاظ وزنی ۱۵ درصد و از نظر ارزشی حدود ۳۷ درصد رشد را نشان می‌دهد. بررسیها نشان از تراز منفی یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری در نیمه اول سال دارد.

میانگین قیمت صادرات کالای بدون نفت خام و صادرات بدون احتساب فصل ۲۷ طی نیمه نخست ۱۴۰۰ به ترتیب حدود ۳۶۴ و ۴۱۱ دلار در هر تن است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به ترتیب از افزایش ۲۴ درصدی و ۴۱.۵ درصدی، برخوردار هستند. میانگین قیمت واردات هم در نیمه نخست ۱۴۰۰ حدود ۱۲۰۸ دلار در هر تن بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل، حدود ۱۹ درصد افزایش داشته است. میانگین قیمت واردات کالایی کشور طی نیمه ابتدایی سال، حدود ۳.۳ برابر میانگین قیمت صادرات بدون نفت خام و ۲.۹ برابر صادرات بدون احتساب فصل ۲۷ است.

تحلیل واردات در ۴ ماه

در همین حال ارزیابیها حاکی از این است که واردات در ماه آخر تابستان رکورد جدیدی را ثبت کرده است. نگاه به آمار واردات در یکی دو سال اخیر نشان می‌دهد، ارزش واردات در شهریور ۱۴۰۰ به بالاترین رقم خود رسیده است. مطابق جدیدترین گزارش گمرک، ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تن کالای ضروری به ارزش ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار در شهریور ماه ترخیص شده، که عملاً رکوردشکنی واردات ماهانه را نشان می‌دهد. بنابراین به گفته متولیان گمرک، آهنگ رشد سریع ترخیص کالاهای وارداتی از گمرک در شهریور امسال که منجر به افزایش قابل توجه ترخیص کالاهای اساسی،

حال، رصد آمارهای گمرک در دهمین ماه از سال ۹۹ نیز نشان از منجمد شدن صادرات به دلیل منفی بودن تراز تجاری و کسری تجاری در این ماه دارد. در ماه یازدهم سال گذشته، تجارت ۶۵ میلیارد دلاری شد، که هم تراز تجاری ۱۱ ماهه آن منفی اعلام شد، هم تراز تجاری یک‌ماهه (بهمن ماه). در نهایت پرونده تجاری سال ۹۹ با صادرات ۳۴ میلیارد و ۹۹۸ میلیون دلاری و واردات ۳۸ میلیارد و ۸۹۳ میلیون دلاری بسته شد.

تجارت در فصل نخست

با ورود به سال ۱۴۰۰ و باز شدن مرزهای تجاری، پرش صادرات در خردادماه رقم خورد؛ علاوه بر اینکه تراز تجاری کشور را در این ماه را به مثبت ۷۰۵ میلیون دلار رساند، تراز تجاری را در کل فصل بهار نیز مثبت کرد. به طوریکه حجم کل تجارت خارجی در فصل بهار ۳۸ میلیون و ۴۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۲۰ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار بود که از این میزان سهم صادرات به لحاظ وزنی ۳۰ میلیون تن کالا با رشد ۳۸ درصدی و به لحاظ ارزشی ۱۰ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار با رشد ۶۹ درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۹۹ است. بنابراین آمارها، خرداد سالجاری، ۴ میلیارد و ۳۸۰ میلیون دلار کالا صادر شده، که نسبت به مدت مشابه در سال ۹۹ رشد ۱۱۲ درصدی و نسبت به خرداد سال ۹۸ رشد ۴۷ درصدی را نشان می‌دهد. ردیابی رشد صادرات در آخرین ماه فصل بهار، از جهش قابل توجه صدور کالا به عراق، دومین بازار هدف صادراتی ایران حکایت دارد که به ارسال چند محموله گاز مایع برمی‌گشت. این رقم در حالی ثبت شده که در اردیبهشت ۳ میلیارد و ۳۵۲ میلیون دلار کالا به وزن ۸ میلیون و ۵۷۹ هزار تن به بازارهای هدف صادر شده بود. فروردین امسال نیز صادرات ۸ میلیون و ۳۰۲ هزار تن کالا به ارزش ۲ میلیارد و ۹۶۸ میلیون دلار رقم خورده است.

کارنامه نیمه اول

اما ببینیم وضعیت تجارت خارجی کشور در نیمه اول سالجاری چگونه رقم خورده است؟ تحلیل آمارها حاکی از این است که در ۶ ماه منتهی به شهریور سال جاری، ۷۹ میلیون و ۱۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۴۵ میلیارد دلار بین ایران و شرکای تجاری مبادله شده است. بر اساس این آمار شاهد ۴۷ درصد رشد ارزشی حجم تجارت خارجی نسبت به مدت مشابه سال قبل هستیم. از این حجم تجارت ۶۰ میلیون تن کالا به ارزش ۲۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار از سوی ایران به خارج صادر شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته از لحاظ وزن ۳۰ درصد و از نظر ارزش ۶۱ درصد افزایش را نشان می‌دهد. در مقابل اما ۱۹ میلیون و ۱۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۲۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در سبد وارداتی ایران جای گرفته، که به

ماشین آلات خط تولید و اقلام واسطه‌ای شده، تراز تجاری را به نفع واردات اقلام ضروری تغییر داده است.

این درحالی است که مطابق آمار گمرک، واردات در شهریور ۹۹ رقمی معادل ۳ میلیارد و ۷۶ میلیون دلار و در شهریور ۹۸ رقمی برابر ۳ میلیارد و ۵۴۶ میلیون دلار بوده است.

در عین حال، صادرات نیز از ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار در مردادماه به ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در شهریور رسیده است. مقایسه آمارها همچنان نشانگر این است که صادرات در شهریور ماه در مقایسه با مدت مشابه سال‌های ۹۹ و ۹۸ نیز حاکی از آن است که در ماه ششم از سال ۱۴۰۰ بیشترین ارزش صادراتی نسبت به شهریور ۹۹ و ۹۸ ثبت شده است. در شهریور ۹۹ ارزش صادرات ۲ میلیارد و ۶۹۱ میلیون دلار و در شهریور ۹۸ نیز ۲ میلیارد و ۸۴۶ میلیون دلار بوده است. بر اساس آمارهای آخرین ماه تابستان، تراز تجاری در شهریور ماه منفی ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بوده است. البته آمارهای کلی گمرک حکایت از این دارد که در ماه‌های «شهریور و مهر» یعنی استقرار دولت سیزدهم، ۹ میلیون و ۶۸۶ هزار تن کالا به ارزش ۱۱ میلیارد و ۱۰۸ میلیون دلار از گمرکات کشور ترخیص شده و ۲۹ میلیون و ۷۰۹ هزار تن کالای ایرانی به ارزش ۹ میلیارد و ۴۱۳ میلیون دلار نیز به سایر کشورها صادر شده است. از این میزان پنج میلیون و ۳۱۹ هزار تن کالای وارداتی به ارزش ۶ میلیارد و ۴۹۰ میلیون دلار مربوط به شهریور و ۴ میلیون و ۳۶۷ هزار تن به ارزش ۴ میلیارد و ۶۱۸ میلیون دلار مربوط به مهرماه است که به لحاظ وزنی در شهریور ۹۲ درصد و در مهر ۵۸ درصد و از نظر ارزشی هم در شهریور ۹۵ درصد و در مهر ۳۹ درصد واردات کالاهای مورد نیاز کشور نسبت به متوسط پنج ماهه نخست، بیشتر از گمرکات کشور ترخیص شده است.

تجارت در مهر

با پشت سرگذشتن تابستان، تجار ایرانی تصویر تازه‌ای از روند صادرات و واردات کشور ارائه دادند. رصد آمارها گویای این است که در مهرماه امسال ۱۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار از کشور به بازارهای هدف صادر شده است. همچنین ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار از کشورهای مختلف به ایران وارد شده، از این‌رو تراز تجاری کشور در مهرماه مثبت ۸۰۰ میلیون دلار ثبت شده است. حجم تجارت خارجی نیز در این مدت ۹ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار با وزن ۱۹ میلیون تن است. نکته قابل تامل کارنامه تجارت در این ماه، افزایش صادرات است؛ به طوری که از اردیبهشت ۹۸ هیچ‌گاه در این کانال قرار نگرفته است. صادرات در شهریورماه حدود ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بوده است. همچنین در مهرماه سال گذشته



تجارت ایران در مهرماه با تغییراتی نسبت به عملکرد

شهریور مواجه شده است. میزان واردات کشور در مهر

نسبت به شهریور حدود ۲۹ درصد کاهش یافته، این در حالی

است که میزان صادرات در این مدت، ۲۸ درصد افزایش

را نشان می‌دهد. به این ترتیب در مجموع تجارت در یکماه

۷ درصد کاهش یافته است

به ارزش ۴ میلیارد و ۶۷۲ میلیون دلار صادرات انجام شده است، پیمایش صادرات در مهر ۱۴۰۰، تراز تجاری ماه را مثبت کرد. فعالان اقتصادی، رفع موانع صادراتی از یکسو و کاهش آثار جانبی تحریم‌ها را عامل رشد صادرات در نخستین ماه پاییز می‌دانند. با این حال، جدیدترین آمار از تجارت خارجی کشور در هفت‌ماه منتهی به مهر امسال نشان می‌دهد، رشد تجارت خارجی همچنان ادامه دارد. به طوری که در بازه زمانی مذکور ۹۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۵۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بین ایران و شرکای تجاری اش مبادله شده است. مقایسه آمار تجارت خارجی کشور در این مدت با مدت مشابه سال ۹۹ حاکی از رشد ۱۶.۵ درصدی در وزن و ۴۳ درصدی در ارزش مجموع کالاهای مبادله‌شده با سایر شرکای تجاری است. از کل ۹۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تن کالاهای صادراتی و وارداتی در مدت مذکور، ۷۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تن به ارزش ۲۷ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار به صادرات اختصاص داشته که نسبت به مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزن ۱۵ درصد و از نظر ارزش ۴۷ درصد رشد نشان می‌دهد. در مقابل ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۲۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار از طریق گمرکات کشور وارد شده که در مقایسه با مدت مشابه سال ۹۹ به لحاظ وزن ۲۱ درصد و از نظر ارزش ۳۸ درصد افزایش را نشان می‌دهد. بخش اعظم کالاهای وارداتی به کشور را «کالاهای اساسی، ماشین‌آلات و قطعات صنعتی و نهاده‌ها و اقلام واسطه‌ای تولید» تشکیل می‌دهند.

جایگاه شرکا در ماه هفتم

با این حال، بررسی کارنامه تجاری ایران در هفت ماهه سال ۱۴۰۰، نشان می‌دهد در میان شرکای اصلی تجاری ایران جایگاهی خاصی

صورت نگرفته است. اما بر اساس آمارهایی که به تایید گمرک رسیده، تجارت ایران در مهرماه با تغییراتی نسبت به عملکرد شهریور مواجه شده است. میزان واردات کشور در مهر نسبت به ماه قبل حدود ۲۹ درصد کاهش یافته، این در حالی است که میزان صادرات در این مدت، ۲۸ درصد افزایش را نشان می‌دهد. به این ترتیب در مجموع تجارت در یکماه ۷ درصد کاهش یافته است

جزئیات تجارت با شرکاء بیانگر این است که «چین» با واردات ۷.۷ میلیارد دلار کالا از ایران، همچنان اصلی‌ترین مقصد صادراتی کالاهای ایرانی به شمار می‌رود. پس از «چین»، «عراق» با ۵.۵، «ترکیه» با ۳.۴، «امارات متحده عربی» با ۲.۶ و «افغانستان» با ۱.۱ میلیارد دلار در رده‌های بعدی قرار دارند.

در تحلیل آمارهای صادراتی به نظر می‌رسد، چین جایگاه نخست خود را قطعی کرده، این در حالی است که در برخی ماه‌ها از سال گذشته، عراق به عنوان اصلی‌ترین واردکننده کالا از ایران نام خود را مطرح کرده بود. همچنین ترکیه جایگاه امارات را گرفته و صادرات به افغانستان نسبت به ماه‌های ابتدایی سال جاری سرعت کمتری پیدا کرده که احتمالاً تحت تاثیر تغییر و تحولات سیاسی در این کشور بوده است. در میان اصلی‌ترین واردکنندگان کالا به ایران، اما «امارات متحده عربی» صدرنشین است. این همسایه جنوبی از سال قبل توانست جایگاه چین را از آن خود کند با صادرات ۸.۶ میلیارد دلار کالا به ایران تا پایان مهرماه سالجاری، اصلی‌ترین شریک ایران در این حوزه بوده است. چین با ۶.۱ میلیارد دلار در رده بعدی قرار دارد و ترکیه نیز با صادرات ۲.۹ میلیارد دلاری سوم است. در میان صادرکنندگان کالا به ایران، نام دو کشور اروپایی «آلمان و سوئیس» نیز دیده می‌شود. این کشورها در مجموع ۲ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده‌اند. در بررسی تراز تجاری ایران و اصلی‌ترین شرکای تجاری نیز آمارها متفاوت است. تراز تجاری با «امارات متحده عربی» منفی ۶ میلیارد دلار است. تراز تجاری با «چین و ترکیه»، اما مثبت شده و ایران بیش از آنکه از آن‌ها کالا وارد کند، به این مقاصد صادرات داشته است. «عراق» نیز همچنان واردکننده عمده کالا از ایران است و در مقابل صادرات قابل توجهی ندارد. در مجموع صادرات و واردات، همچنان «چین» اصلی‌ترین شریک تجاری ایران به شمار می‌آید و پس از آن «امارات متحده عربی» و «ترکیه» قرار دارند. مجموع تجارت با چین ۱۳.۸ میلیارد دلار بوده، این عدد در رابطه با امارات به ۱۱.۲ میلیارد دلار رسیده و تجارت با ترکیه نیز در مجموع ۶.۳ میلیارد دلار بوده است.

صورت‌حساب وارداتی‌ها با دلار ۴۲۰۰

از سوی دیگر، محاسبات آماری نشان می‌دهد، ۸.۸ میلیارد دلار ارز ترجیحی برای ورود هفت قلم کالا صرف شده است. مقایسه

این آمار با مدت مشابه سال گذشته، از رشد ۹۵ درصدی تامین ارز کالاهایی که مشمول دریافت ارز ترجیحی می‌شوند، حکایت دارد. ورود این دست کالاها به لحاظ وزنی رشد ۲۵ درصدی نسبت به مدت مشابه در سال ۹۹ را تجربه کرده است. بیشترین تامین ارز برای واردات «ذرت» است و در رده بعدی «روغن‌های خوراکی» و «دارو» قرار دارد. بنابر آمار اعلامی از گمرک، مجموع کالاهای اساسی ترخیص شده تا پایان مهرماه سال جاری به لحاظ وزنی ۱۶ میلیون و ۶۴۵ هزار تن به ارزش ۱۱ میلیارد و ۵۰ میلیون دلار بوده است. واردات کالاهای اساسی نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۲ درصد در وزن و ۶۷ درصد در ارزش افزایش را نشان می‌دهد. این در حالی است که واردات کالا با ارز ترجیحی تا پایان ماه هفتم، ۲۵ درصد در وزن و ۹۵ درصد در ارزش افزایش داشته است. حجم سایر کالاهای اساسی هم دومیلیون و ۲۳۷ هزار و ۲۲۲ تن به ارزش دو میلیارد و ۲۴۹ میلیون و ۶۶۸ هزار دلار بوده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۶ درصد در وزن و ۷ درصد ارزش را نشان می‌دهد.

در این بازه زمانی بیش از ۲ میلیون و ۶۳۵ هزار تن «گندم» به ارزش بیش از یک میلیارد و ۱۳۴ میلیون دلار در این مدت وارد کشور شده که نسبت به بازه مشابه سال ۹۹ رشد ۷۷ درصدی در ارزش را به ثبت رسانده است. بنابر اعلام گمرک، اما واردات «ذرت» بیش از ۴ میلیون و ۷۳۹ هزار تن ذرت به ارزش بیش از یک میلیارد و ۸۱۹ میلیون دلار اعلام شده که با افت وزنی ۱۹ درصدی و رشد ارزشی ۲۸ درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۹۹ مواجه بوده است. واردات «جو» هم در این مدت با رشد وزنی ۹۱ درصدی به بیش از ۲ میلیون و ۹۱ هزار تن رسیده و ارزش آن نیز با افزایش ۱۴۴ درصدی، ۶۵۴ میلیون و ۲۵۰ هزار دلار ثبت شده است. ارزش واردات «انواع دانه‌های روغنی» هم با افزایش ارزشی ۱۱۸ درصدی به بیش از یک میلیارد و ۲۱۹ میلیون دلار و وزن واردات آن با رشد ۵۶ درصدی به یک میلیون و ۷۲۴ هزار تن رسیده است. بنابر آمارها در همین مدت، بیش از یک میلیون و ۴۰۶ هزار تن «روغن‌های خوراکی نیمه‌جامد، مایع و خام» به کشور وارد شده که ارزشی بیش از یک میلیارد و ۷۸۷ میلیون دلار دارد. واردات «کنجاله سویا» هم تا پایان مهرماه، بیش از یک میلیون و ۴۹۰ هزار تن و ارزش آن بیش از ۸۷۷ میلیون و ۹۹۹ هزار دلار بوده، که از نظر ارزشی افزایش ۲۳۹ درصدی داشته است. همچنین رشد وزنی بیش از ۳ درصدی واردات «دارو و تجهیزات و ملزومات ضروری پزشکی» و رشد ۳۸ درصدی ارزش آن در هفت ماهه امسال نشان می‌دهد، ارزش این گروه کالایی، یک میلیارد و ۳۰۷ میلیون دلار بوده و وزن آن به بیش از ۲۸۱ هزار و ۹۴۰ تن رسیده است.

رویای دست نیافتنی در صادرات



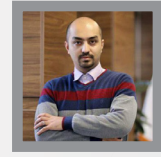
سیده فاطمه مقیمی عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی تهران

طی سال‌های اخیر، رفت و برگشت‌های متعدد دولت در حوزه نظام ارزی و تصمیم‌گیری‌های چالش‌برانگیز برای ارزهای صادراتی، منجر به بروز اختلال در بازار ارز و ادامه فعالیت بنگاه‌های اقتصادی شد، به‌گونه‌ای که بخشی از صادرکنندگان به ناچار اقدام به توقف فعالیت‌های اقتصادی خود کردند. این وضعیت حتی به نابسامانی در بازار ارز نیز دامن زد و این بازار را که در مقطعی از سال در وضعیت آرامی قرار داشت، دچار بحران کرد و تنش‌ها در آن به سرعت گریبان بخش‌های مختلف اقتصادی را گرفت. با این حال، تعامل و گفت‌وگوی بخش خصوصی و دولت در موضوع نرخ ارز و تعیین تکلیف ارزهای صادراتی، نشان داد که می‌توان به دور از سرکوب بازار و تدوین دستورالعمل‌های خلق‌الساعه، نرخ ارز را به مسیر آرامش بازگرداند. حضور دائمی کالای ایرانی در بازارهای صادراتی از دیگر موضوعات حائز اهمیت در چرخه تجارت خارجی است، اما این حضور زیر سایه دستورالعمل‌ها و مقررات خلق‌الساعه دستگاه‌های دولتی در داخل کشور، در مخاطره جدی قرار گرفته است. صادرکننده ایرانی در شرایط کنونی با دشواری فراوان و رقابت عملاً یک‌طرفه با تجار دیگر کشورها، کالا و خدمات را صادرات و برای حفظ بازار به دست آمده تلاش می‌کند. با این حال، موانعی از سوی برخی دستگاه‌های دولتی پیش پای صادرکننده قرار می‌گیرد که به مراتب دشوارتر از تحریم‌های آمریکاست. یکی از ایرادات سیاست‌گذاری تجارت خارجی کشور این است که مسوول و سیاستگذار دیپلماسی اقتصادی خارجی کشور مشخص نیست. امروز مشخص نیست سازمان توسعه تجارت متولی پیشبرد کشور در بخش تجارت خارجی است یا وزارت خارجه یا سفارتخانه‌ها و رایزن‌ها، یا بازیگران خصوصی و سایر نهادها. با وجود به‌چنین مسائلی وقتی به تجارت منطقه‌ی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که کشورهایی چون «امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت» از سال‌های دور جزو شرکای تجاری طبیعی ایران و بازار مناسبی برای صادرات کالاهای ایرانی محسوب می‌شدند اما اکنون دیگر جزو شرکای تجاری اصلی ما به‌شمار نمی‌روند؛ به‌طوری که امارات متحده عربی به‌تنهایی توانسته نقش مهمی در منطقه بازی کند و گوی سبقت را از ایران برباید؛ از سوی دیگر اختلافات سیاسی بین ایران و عربستان نیز این روند را تشدید کرده است. زیرا نفوذ و تاثیرپذیری کشورهایی چون بحرین، قطر و کویت از رفتار عربستان سعودی، صادرات ایران را با چالش مواجه کرده است. با این حال، دولتمردان و متولیان تجارت کشور تمرکز خود را بر توسعه صادرات غیرنفتی و تصاحب بازارهای جهانی

گذاشته‌اند که وابستگی اقتصاد کشور به درآمد‌های نفتی کاهش یابد. اما ذکر این نکته ضروری است که «کاهش شدید قیمت کالاهای عمده صادراتی ایران، تضعیف روابط تجاری با برخی کشورها به دلایل سیاسی و نیز بالا بودن تعرفه با سایر کشورها، عدم برقراری روابط کارگزاری بانکی با کشورهای هدف، عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی، وجود رقابت‌های منفی و مخرب بین بنگاه‌های داخلی در بازارهای هدف و عدم شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ و تخصصی صادراتی» از جمله موانع و مسائلی است که مانع توسعه صادرات غیرنفتی ایران و حضور در بازارهای جهانی شده است. از این رو، برای اینکه بتوانیم در بازارهای خارجی نفوذ داشته باشیم باید تولید را حمایت و به سمت بهبودسازی محیط کسب و کار گام برداریم. به واقع تولید رقابتی در شرایطی اتفاق می‌افتد که بتوانیم در فضای شفاف و غیررانتی فعالیت کنیم و از سوی دیگر با رایزن‌های قوی وارد فاز مذاکرات شویم. تا زمانی که کالای ساخته شده با کیفیت برای عرضه نداریم و کالاها را به طور نیمه‌ساخته به دیگر کشورهای توسعه یافته صادر می‌کنیم، وضعیت حوزه صنعت و صادرات ما به این منوال خواهد بود. «گسترش تعداد رایزن‌های بازرگانی در دیگر کشورها» یکی دیگر از مهم‌ترین راه‌های نفوذ ایران در بازارهای جهانی به‌شمار می‌رود؛ چراکه رایزن‌ها می‌توانند به خوبی به معرفی ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و کالاهای تولید ایرانی بپردازند و راه را برای نفوذ تجار ایرانی باز کنند. نگاهی به فهرست کشورهای پیشرو در عرضه صادرات نشان می‌دهد که یک‌بال توسعه‌یابی بزرگان تجارت خارجی در دنیا، به‌کارگیری رایزنان بازرگانی در بازارهای هدف از سوی این کشورها است. برخی از این کشورها، از جمله ژاپن، کره جنوبی، آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، در بازارهای صادراتی از چند ده رایزن بازرگانی برای مشتری‌یابی و فروش محصولات و تولیدات بنگاه‌های خود بهره می‌برند، اتفاقی که برای بخش دیپلماسی اقتصادی ایران همچنان یک رویای دست‌نیافتنی است.



فصل پایانی



یکی از صنایعی که در سال‌های گذشته، در جهان به صورت جدی به آن پرداخته شده و کاربرانش رفته‌رفته افزایش یافته، صنعت گیم بوده است. در حال حاضر، مخاطبان بازی‌های کامپیوتری، محدود به سن خاصی نیستند و به نظر می‌رسد با توسعه تکنولوژی، بازی کردن حتی دیگر محدود به ابزار خاصی هم نیست. با تکنولوژی کلاودگیمینگ (Cloud Gaming)، بدون استفاده از کنسول‌های بازی مانند پلی‌استیشن و ایکس‌باکس که خرید آنها هزینه‌های بالایی دارد، بلکه تنها با برخورداری از اینترنت پرسرعت و ابزارهایی مانند موبایل و کامپیوتر که در دسترس همه است، می‌توان بازی دلخواه را بازی کرد. درباره کلاودگیمینگ، با پویا ایماندار، از فعالان حوزه بازی‌های رایانه‌ای و مدیرعامل شرکت پلی‌پاد، نخستین کنسول ابری بازی در ایران به گفت‌وگو پرداختیم که مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

اگر ممکن است برای آشنایی مخاطبان درباره شکل‌گیری پلی‌پاد توضیح دهید.

شکل‌گیری پلی‌پاد از سال ۹۷ آغاز شد. من از سال ۲۰۱۶ روی ایده کلاودگیمینگ تحقیق می‌کردم. در سال ۲۰۱۸ با حمایت بانک پاسارگاد و شرکت فناپ، توانستیم این ایده را تبدیل کنیم به یک اپلیکیشن واقعی در بستر سرزمین هوشمند پاد که یکی از پروژه‌های بانک پاسارگاد است، پلی‌پاد را اجرا کنیم. سرزمین هوشمند پاد به ۱۰ حوزه کلان سرویس‌دهی تقسیم و پروژه پلی‌پاد، حوزه بازی و سرگرمی آن شده که در حال توسعه است. سال ۹۷ که این پروژه راه‌اندازی شد، نمونه‌های خارجی‌اش خیلی کم بود و حتی گوگل، پروژه گوگل استادیا را راه‌اندازی نکرده بود و ما ایده پروژه پلی‌پاد را از نمونه اولیه آن برداشته بودیم. سال ۲۰۰۰ اولین کلاودگیمینگ به نام جی‌کلاستر راه‌اندازی شده بود و بعد از آن خیلی از شرکت‌ها این ایده را ارائه داده بودند و همگی انتظار داشتیم که صنعت گیم به سمت کلاودگیمینگ برود.

کنسول بازی ابری چه تفاوتی با ابزارهای فیزیکی بازی دارد؟

یکی از مشکلاتی که اکثر گیم‌های صنعت بازی با آن مواجه هستند این است که هرچند سال یک بار، یک انقلاب در این صنعت اتفاق می‌افتد و آن انقلاب، تحول در زیرساخت‌ها و

گفت‌وگو با پویا ایماندار فعالان حوزه بازی‌های رایانه‌ای:

با کلاودگیمینگ، کنسول‌های فیزیکی کنار می‌روند

Project xCloud

[PREVIEW]

Play 50+ Xbox games on your mobile phone or tablet





برای خرید یک دستگاه بازی در ایران باید، نزدیک به ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان هزینه کنید، خارج از ایران هم این قیمت بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ دلار است. هر بازی هم که بخواهید تهیه کنید، باید هزینه‌ای ۶۰ دلاری بدهید، اما ورود کنسول بازی‌های کلاود گیمینگ باعث شده شما با پرداخت ماهانه ۱۰ دلاری، به تمامی بازی‌های معتبر روز دسترسی داشته باشید

را ندارند و آرزو داشتند که بازی‌های کامپیوتری انجام دهند، اما شرایطش را نداشتند. این موضوع طبق گزارشی که اعلام شده، ظاهراً در تمامی دنیا صادق بوده، چون شما دیگر نیازی به خرید دستگاه گران قیمت بازی ندارید. برای خرید یک دستگاه بازی در ایران باید، نزدیک به ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان هزینه کنید، خارج از ایران هم این قیمت بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ دلار است. هر بازی هم که بخواهید تهیه کنید، باید هزینه‌ای ۶۰ دلاری بدهید، اما ورود کنسول بازی‌های کلاود گیمینگ باعث شده شما با پرداخت ماهانه ۱۰ دلاری، به تمامی بازی‌های معتبر روز دسترسی داشته باشید و بتوانید روی هر دستگاهی بازی کنید، حتی روی مرورگر کامپیوتر. بنابراین افزایش گیمرها با ورود کلاود گیمینگ مشهود است.

این بازی‌های خارجی چطور خریداری می‌شوند؟

در ایران تولید محتوا و استفاده از این محتوا دچار مشکل است. بحث کپی‌رایت خارجی وجود دارد اما ما به دلیل تحریم‌ها، به کپی‌رایت خارجی دسترسی نداریم. چندین بار با شرکت‌های خارجی ارتباط برقرار کردیم برای دسترسی به نسخه اصلی خود بازی که بخواهیم آن را با سرورهای پلی‌پاد ادغام کنی، این برای ما سربار فنی را از بین می‌برد و کار ما را خیلی راحت‌تر می‌کرد و حتی تعداد کاربرانی که می‌توانستند به پلی‌پاد وصل شوند را دو تا سه برابر افزایش می‌داد، اگر می‌توانستیم تعاملی با تولیدکنندگان بازی در خارج از ایران داشته باشیم. اما شرایط تحریم‌ها تقریباً تمام ارتباطاتی که از قبل وجود داشته را هم از بین برده است. در شرایط فعلی ما دیگر حتی نمی‌توانیم انتقال پول را هم به خارج از ایران به راحتی انجام دهیم و تحریم‌ها همه درها را به روی ما بسته است. به همین دلیل ما تعاملی با شرکت‌های تولیدکننده بازی در خارج از ایران نداریم. اما ما در حال حاضر در پلی‌پاد حق اشتراک دریافت نمی‌کنیم. یعنی پلی‌پاد یک محصول رایگان است. یعنی کاربر کلاً این اشتراک را برای زیرساخت فنی که برای کاربر ایجاد می‌کنیم پرداخت می‌کند و خرید بازی خارجی نداریم. در آینده قصد داریم اشتراکی از کاربر دریافت می‌کنیم تحت عنوان پلی‌پرو، اما بنا داریم بازی تولید بازی‌ساز ایرانی را بفروشیم. با تولیدکننده داخلی بازی تعاملی برقرار کردیم و زیرساخت‌ها را پیاده‌سازی کردیم که بازیشان را روی پلی‌پاد قرار دهند و بتوانند بازی‌شان را بفروشند و درآمد داشته باشند، چون پلی‌پاد به کیف پول بانک پاسارگاد متصل است و آن توسعه‌دهنده و گیمر بازی، در لحظه به کیف پولش دسترسی دارد و اگر بازی‌ساز ایرانی بازی‌اش را روی پلی‌پاد بگذارد، می‌تواند در لحظه از درآمدی که کسب می‌کند استفاده کند. تا کنون تجربه‌ای هم از همکاری با تولیدکنندگان ایرانی داشتید؟

کارت‌های گرافیکی است. قابلیت رندر و تکنیک‌های مختلف پردازشی که روی کارت‌های گرافیکی پیاده‌سازی می‌شود بهتر می‌شود و در نتیجه باید یک کنسول جدید تهیه کرد. از دهه ۱۹۷۰ تا امروز کنسول‌های مختلفی تولید شدند و گیمرها باید هر چند سال یک بار کنسول‌هایشان را آپدیت کنند، مثل انواع پلی‌استیشن و ایکس‌باکس. در فضای کنسول بازی ابری، اگر ۵G وجود داشته باشد و زیرساخت کنسول ابری در دنیا پیاده‌سازی شود، همانطور که خیلی از شرکت‌ها به این سمت می‌روند، کاربران دیگر نیازی ندارند که کنسول بازی تهیه کنند. هر دستگاه هوشمندی این قابلیت را دارد که بازی دلخواهتان را انجام دهد، روی تلویزیون، لپ‌تاپ، تبلت یا حتی یک سیستم قدیمی که کارت گرافیک هم ندارد، این قابلیت فراهم می‌شود که تنها از طریق اینترنت بازی محبوبتان را انجام دهید. این هدف کلاود گیمینگ است، درست مثل انقلابی که در صنعت موسیقی یا فیلم افتاد و شما می‌توانید با باز کردن یک اپلیکیشن مثل ساوندکلاود در موسیقی یا نتفلیکس، لیست تمامی فیلم‌ها را داشته باشید و هر کدام که می‌خواهید را نگاه کنید و درگیر دانلود کردن و یا سینمای خانگی نیستید. این انقلاب در صنعت بازی هم دارد اتفاق می‌افتد.

می‌توان با این روش تعداد گیمرها را افزایش داد؟

رسانه نیوزو که یکی از معتبرترین نشریه‌های فعال در صنعت گییم است، گاهی گزارش‌هایی را منتشر می‌کند. در این گزارش‌ها، نشان داده بودند که با ورود صنعت کلاود گیمینگ، تعداد برگزاری مسابقات ای‌اسپورت و همچنین تعداد کاربران گیمری افزایش پیدا کرده است. ما حتی در خود پلی‌پاد هم شاهد هستیم بیشتر افرادی که در پلی‌پاد ثبت‌نام کردند، کسانی هستند که استطاعت خرید کنسول بازی در این شرایط اقتصادی

تحریم‌ها برداشته شود، می‌توانیم ارتباط خوبی با شرکت‌ها برقرار کنیم و نسخه تطبیق‌یافته برای خود پلی‌پاد را توسعه دهیم. ما طی سه سال گذشته هر سال یک آپدیت داشتیم. سال گذشته آپدیت‌مان بیگ‌بنگ بود که تغییرات زیادی در پلی‌پاد ایجاد کردیم و سرعت اجرای بازی و استریمی که برای کاربر می‌فرستیم را بهینه کردیم تا افراد با اینترنت ضعیف هم راحت بتوانند بازی کنند. ماه آینده هم آپدیتی از پلی‌پاد را به نام پلی‌پرو خواهیم داشت. نسخه پلی‌پرو به سمت شخصی‌سازی قابلیت‌های پلی‌پاد برای کاربر می‌رود و خیلی از قابلیت‌ها برای کاربر از جمله امن کردن بازی یا شخصی‌سازی برای افراد در این نسخه دیده شده است. در این نسخه، ما فقط اشتراک ماهیانه می‌گیریم، مثل خیلی از ارائه‌دهندگان محتوا، مانند گوگل استادیا یا نتفلیکس که ماهیانه یک حق اشتراک از کاربر می‌گیرند اما محتوای بازی‌هایی که آنجا ارائه می‌دهیم خریدنی نیست، مگر بازی ایرانی که در پلی‌پاد قرار داده شود. یعنی نیاز نیست شما بازی‌ای مانند فیفا را بخرید و بازی کنید، در صورتی که در گوگل استادیا، شما علاوه بر اینکه یک حق اشتراک ماهیانه ۱۰ دلاری می‌دهید، باید هر بازی را هم با ۶۰ دلار بخرید. اما ما در پلی‌پاد تا زمانی که تحریم‌ها برقرار باشد، بنایی برای فروش بازی خارجی نداریم.

یعنی فقط با یک سیستم ساده، کاربر می‌تواند به بازی‌ها دسترسی داشته باشد؟

اگر وارد وب‌سایت پلی‌پاد شوید، گزینه نصب پلی‌پاد هم وجود دارد و علاوه بر اینکه روی وب‌سایت و از طریق مرورگر می‌توانید بازی کنید و دسته را از طریق سیستم وصل کنید، می‌توانید نسخه پی‌سی یا اندرویدی را هم دانلود کنید. ما نسخه‌های ویندوزی ۳۲ بیتی، ۶۴ بیتی و نسخه مک و یک نسخه اندرویدی هم داریم که در وب‌سایت قرار گرفته. کاربران با هر یک از این اپلیکیشن‌ها به راحتی می‌توانند بازی‌های کنسولی را بازی کنند، چه روی گوشی اندرویدی و چه مرورگر. برای آیفون هم سال گذشته یک نسخه توسعه داده بودیم و آن منتظر هستیم به‌عنوان یک شرکت مستقل ثبت شویم و آن نسخه را برگردانیم. اما چون کاربران آیفون در داخل ایران خیلی کم بودند، اولویت زیادی برای این کار نداریم، البته این نسخه هم توسعه داده شده و در زمان درست می‌توانیم این نسخه را منتشر کنیم. متأسفانه برای توسعه‌دهندگان خارجی، کلاودگیمینگ توسط اپل بن شده، یعنی اپل هنوز کلاودگیمینگ را به رسمیت نشناخته و حتی اپلیکیشن‌هایی مانند گوگل استادیا و مایکروسافت ایکس کلاود هم برای توسعه اپلیکیشنشان به‌صورت بومی روی اپل با مشکل روبه‌رو هستند.

با دو شرکت ایرانی ارتباط داشتیم و در حال انتقال یکی از بازی‌ها به پلی‌پاد هستیم که به‌زودی منتشر می‌شود. این که بازی به‌صورت رایگان در پلی‌پاد باشد یا پولی، در اختیار سازنده بازی است و ما درباه آن تصمیمی نمی‌گیریم. خود سازنده بازی پنبلی دارد به‌عنوان بازی‌دار که می‌تواند بازی‌اش را آنجا قرار دهد. اما به‌طور کلی، وضعیت تولید و صنعت بازی در ایران خیلی شرایط خوبی ندارد. ما معدود بازی‌هایی را می‌بینیم که به‌صورت حرفه‌ای تولید می‌شوند و آنها هم بازار خارج از ایران را برای توزیع بازی‌شان انتخاب کردند و بازی‌شان را به صورت چندزبانه توسعه می‌دهند و اکثر بازی‌سازان ایرانی، هدفشان بازار داخلی نیست.

توانایی بازی‌سازان چگونه است و چرا استقبال زیادی از بازی ایرانی نمی‌شود؟

ما از یک برهه، بازار بازی‌های پی‌سی را از دست دادیم و وارد بازار بازی‌های موبایلی شدید. بازار توسعه برای بازی‌های موبایلی وجود دارد، اما کلاودگیمینگ نیازمند بازی‌های پی‌سی و کنسولی است، بازاری که از ۱۰ سال گذشته در ایران رها شده. خیلی از نیروهایی که در ایران از سال ۸۷ حضور داشتند، در حال حاضر از ایران مهاجرت کردند. اکثر نیروهای متخصص خوب و نسل اول بازی‌ساز از ایران رفته‌اند. اکثر این بازی‌سازها خودشان جذب شرکت‌های بزرگ بازی‌سازی شدند، مثل یوبیسافت و خیلی از شرکت‌های قوی در خارج از ایران. ساختن بازی نیازمند نیروی متخصص خوب است و در این شرایط ما مقداری کمبود نیروی متخصص در صنعت بازی داریم. به دلیل مهاجرت‌هایی که اتفاق می‌افتد، بحث دانش فنی یکی از دغدغه‌های بزرگ است. پلی‌پاد این زیرساخت را فراهم کرد که بازی‌های پی‌سی و کنسولی از نو جان بگیرند و عرضه شوند. با قوت گرفتن صنعت کلاودگیمینگ، این اتفاق به‌زودی خواهد افتاد. انتظار داریم که خیلی از بازی‌ها دیگر نسخه موبایل نداشته باشند و نسخه گوگل استادیا یا کلاودگیمینگ خود را داشته باشند. این موضوع، هزینه توسعه بازی را هم کمتر می‌کند و یک پروژه برای عرضه روی همه دستگاه‌ها توسعه داده می‌شود.

هزینه خرید بازی‌های خارجی از کجا پرداخت می‌شود؟

ما نسخه بازی‌های خارجی که خریداری می‌شود را روی سرورها نصب می‌کنیم و از بودجه خودمان برای خرید بازی‌ها استفاده می‌شود. درواقع یک نسخه می‌خریم و در اختیار چندین کاربر قرار می‌دهیم. ما نمی‌توانیم نسخه ورک‌استیشن را داشته باشیم که با حمایت توسعه‌دهندگان بازی برای پلی‌پاد تطبیق داده شده باشد یا کد ما داخل اپلیکیشن آنها قرار بگیرد و یکپارچه شود. به همین خاطر سربار فنی بالایی برایمان ایجاد شده است. اگر

موانع و مشکلات کنسول بازی مثل پلی‌پاد در ایران چیست؟

زمانی که پروژه‌مان را راه انداختیم، یکی از بزرگ‌ترین موانع ما این بود که پروژه مشابه ما خارج از ایران کم و توضیح فعالیت ما برای مدیران خیلی سخت بود. در روزهای اول ما را با بعضی از اپلیکیشن‌های دانلود بازی مقایسه می‌کردند. به هر حال ما یک تکنولوژی توسعه می‌دهیم که مشابه خارجی‌اش هم خیلی کم است. اینکه اولین نسخه ما، اولین پروژه خاورمیانه بوده، دستاورد بزرگی برای کشور حساب می‌شود. یک سال بعد، شرکت مخابرات اماراتی اتصالات با کمک مایکروسافت توانست یک پروژه کلاودگمینیک برای مخابرات سیم‌کارت اتصالات پیاده‌سازی کند. اما این تکنولوژی که ما پیاده‌سازی کردیم و تلاشی که تیم برایش زحمت کشیده بود، دیده نشد، درک نشد و حتی یک ماه فیلتر شد و حتی دلیل آن را هم اعلام نکردند. بحث بعدی مشکلات خود اینترنت کشور بود. خیلی از کاربران ما در نقاط جنوبی یا غربی کشور هستند، جایی که اینترنت خیلی خوبی ندارد. یکی از سختی‌های کار ما، بهینه کردن پلی‌پاد برای آنها بود. به‌عنوان مثال خیلی از افرادی که می‌خواستند پلی‌پاد را از خارج کشور تست کرده و به‌عنوان سرمایه‌گذار خارجی ورود کنند یا زیرساخت‌های فنی‌اش را در خارج از کشور فراهم کنند، دمو کردن پلی‌پاد برایشان خیلی راحت‌تر از داخل کشور بود. به این خاطر که آنجا اینترنت بهتر و باثبات‌تری وجود داشت و پروتکل‌هایی که ما می‌خواستیم، راحت پیاده‌سازی می‌شد و قابل استفاده بود. اما ما در ایران با محدوده وسیعی از کاربران مواجه بودیم که شرایط اینترنتی خوبی نداشتند و ما باید پلی‌پاد را در این چند سال برای شرایط اینترنت ایران بهینه می‌کردیم و این از چالش‌های بزرگ فنی بود که از پشش برآمدیم. مشکل دیگر، نبود زیرساخت سخت‌افزاری مناسب در کشور است. همین چند سروری هم که ما تهیه کردیم، از بودجه پروژه‌مان تهیه شده که در شرایط تحریمی خیلی دشوار بود و تکنولوژی‌هایی را در پروژه‌مان پیاده‌سازی کردیم که فقط شرکت‌های بزرگ از آن استفاده می‌کنند.

ما در حال حاضر نزدیک به ۵۰۰ هزار کاربر ثبت کردیم و ۴۰ هزار کاربر اکتیو هم داریم. الان یکی از مشکلات پلی‌پاد این است که کاربرهای ما به شدت در حال افزایش هستند و از طرفی ما زیرساخت سخت‌افزاری که بتوانیم پلی‌پاد را روی آن مقیاس کنیم نداریم. این مساله را چندین بار به افرادی که در این حوزه مسوولیت دارند در شورای عالی فضای مجازی و بخش‌های مختلف اعلام کردیم که اگر این

زیرساخت برای پلی‌پاد تهیه شود، خیلی از مشکلات صنعت بازی حل می‌شود، مشکلاتی نظیر دسترسی افراد به محصول مناسب سن خودشان، دسترسی به بازی‌های کامپیوتری برای همه و اینکه هر کس از هر کجای کشور، بدون دغدغه و شرایط اقتصادی بتواند بازی کند. همین که یک بازار برای توسعه بازی‌های کامپیوتری مانند ۱۰ سال گذشته قوت می‌گیرد و این خودش به‌نوعی باعث اشتغال‌سازی و افزایش کسب‌وکار در صنعت بازی می‌شود. امیدوارم این حرف‌ها شنیده شود و تهیه سخت‌افزار برای صناعی مانند پلی‌پاد به گوش مسوولان برسد.

آزوده‌صنعت بازی و کنسولی مانند پلی‌پاد برای کشور چیست؟

در حال حاضر برای توسعه بازی‌های کامپیوتری، خصوصاً بازی‌های پی‌سی و کنسولی بازاری به آن معنا وجود ندارد، البته مارکت‌هایی هستند که همچنان تلاش می‌کنند، اما در مقابل بازی‌های موبایلی شرایط ایده‌آل نیست. در شرایط ایده‌آل، خیلی از بازی‌سازان ایرانی می‌توانند برگردند و کار کنند و بازی‌ها را توسعه دهند، تیم‌های بازی‌سازی شکل دهند و بازی‌هایشان را روی کنسول‌های بازی ابری منتشر کنند. مارکت زمین‌خورده بازی را می‌توان با پلی‌پاد یا محصولات کلاودگیمینگ دیگر تغییر داد. یکی از معضلاتی که مطرح می‌شود، بحث کنترل والدین در بازی‌ها است. علی‌رغم اینکه بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای مرکزی به نام اسرا دارد و در این مرکز روی بازی‌های کامپیوتری، درجه‌بندی برای سنین متفاوت انجام می‌شود، خیلی از کنسول‌های سخت‌افزاری با درجه‌بندی‌های ما یکسان نیستند و حتی قابلیت کنترل والدین در ایران وجود ندارد، خیلی از سرویس‌های اصلی بازی‌های خارجی برای ایرانیان بسته شده و اکثر گیمرها مجبورند برای بازی از وی‌پی‌ان استفاده کنند. پلی‌پاد می‌تواند قابلیت کنترل والدین یا دسترسی به بازی‌های مناسب برای افراد در سنین مختلف را فراهم کند. هر بازی برای هر سنی مناسب نیست، در حال حاضر با زیرساختی که وجود دارد، کنترل کردن و نظارت اینکه محتوای مناسب به دست کودکان می‌رسد کار سختی در صنعت بازی ماست. این مساله شاید از اشتغال‌زایی هم اهمیت بیشتری داشته باشد، چون محتوایی که در بازی‌های کامپیوتری هست، شاید با فرهنگ ما تطابق نداشته باشد و این نیاز وجود دارد که هر محتوایی به فردی با سن مناسب برسد. این مساله یکی از پتانسیل‌هایی که است در پلی‌پاد وجود دارد و با پلی‌پاد این معضل رفع می‌شود.

ماهک



MAAHAK.ORG

مجمع خیرین بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان

آیا میدانید تنها بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان در شمال کشور با همراهی و مشارکت شما عزیزان در حال احداث می باشد ؟

شماره حسابها قابل پرداخت در کلیه شعب

بانک ملی ۰۱۰۶۹۵۳۲۶۹۰۰۸ - بانک صادرات ۰۱۰۴۴۸۵۸۷۱۰۰۰

کد ۵۵۴۴/۹۱-۵۵۵۵ بانک سپه - ۴۳۰۱۳۶۳۰۸۷۱۸۳/۰۲ پست بانک

سپهرکارت بانک صادرات ۶۰۳۷۶۹۱۹۹۰۰۰۹۲۰۱

جهت عضویت در این عمل خیرخواهانه از تمامی اقشار مختلف جامعه دعوت به عمل می آید

ساری بلوار پاسداران ضلع غربی بیمارستان بوعلی سینا مرکز هماتولوژی و انکولوژی ماهک

۰۱۱۳۳۳۴۱۹۹۹ . ۰۱۱۳۴۴۴۷

بیمارستان در حال احداث ساری بلوار پاسداران ضلع غربی بیمارستان بوعلی سینا

پاسخگویی ۲۴ ساعته

صدور انواع ضمانت نامه های بانکی در اسرع وقت

تجدیدی ضمانت ملل

نشانی شعبه: تهران، خیابان شهسوار، بین بزرگراه همت و کردستان، نمش ۶۸ شرقی پلاک ۸
کدپستی: ۱۶۳۶۹۱۵۱۶۴ تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۲۳۵۸۶-۸

